

کتابخانه مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران

کتاب: اربعه

شماره ثبت کتاب

مؤلف

موضوع

۲۱۱۰۶۱

شماره اختصاصی (۶۷۷) از کتب اهدائی: کریمزاده

- ۱
- ۲
- ۳
- ۴
- ۵
- ۶
- ۷
- ۸
- ۹
- ۱۰
- ۱۱
- ۱۲
- ۱۳
- ۱۴
- ۱۵
- ۱۶
- ۱۷
- ۱۸
- ۱۹
- ۲۰
- ۲۱
- ۲۲
- ۲۳

۲۷۵  
 ———  
 ۲۱۱۰۶۱

ساز  
 ی  
 ..

15

کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
شماره ثبت کتاب  
۱۳۷۷

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: اربعیه

مؤلف: \_\_\_\_\_

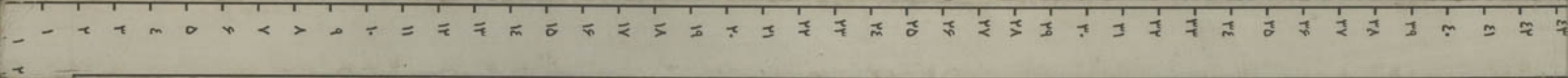
موضوع: \_\_\_\_\_

شماره اختصاصی (۶۷۷) از کتب اهدائی: کربلایک

شماره ثبت کتاب: ۳۱۱۰۶۱

جمهوری اسلامی ایران

۶۷۷





بسم الله الرحمن الرحيم

وکلد محمد و آل محمد

در روز انجم هر سوره که بخواند  
در حفظ مرد در کارها قیامت بسیار است



بسم الله الرحمن الرحيم

مگر در سپاس هر خدا ایراکه پروردگاری میان است که بجا <sup>شاید</sup>  
و انعام او در رحمت او بر بهترین افراد کان که محمد است و آل او رو اب است  
ارامه محمد علیه السلام از امیر المؤمنین علیه السلام کعب که بود برای پیغمبر خدا تری  
که نمیدانست آن سوره را مگر اندکی از اصحاب آن حضرت  
پس وقتی که اطلاع یافته شد بر آن سوره بود

پیغمبر فرمود که من بسویم که لعن کرد خدای تعالی  
و ملائکه او و انبیاء او و صالحان خلق او کسی را که شکر را  
فانش کرد و از آن بفرقه و معتقد نقل کرد پس بچنان کنید  
تسبیح رسول الله را که مش سیده ام از حضرت علیه السلام که  
یا علی من جدی منکم از برای تو ملائکه پیغمبر را که گوشه های  
من از ایشانند است و در دل من جا کرده است چشم من  
دیده است از جبرئیل علیه السلام پس یا علی ضایع بگردان  
مرا که من دعا کرده ام که خدایتعالی بپسندد که من  
بجسمی که او تشریف افش کند و بدان بدستی که سپاری از  
مردم و اگر چه کم عباد شد هر گاه بدانند این دعا را که

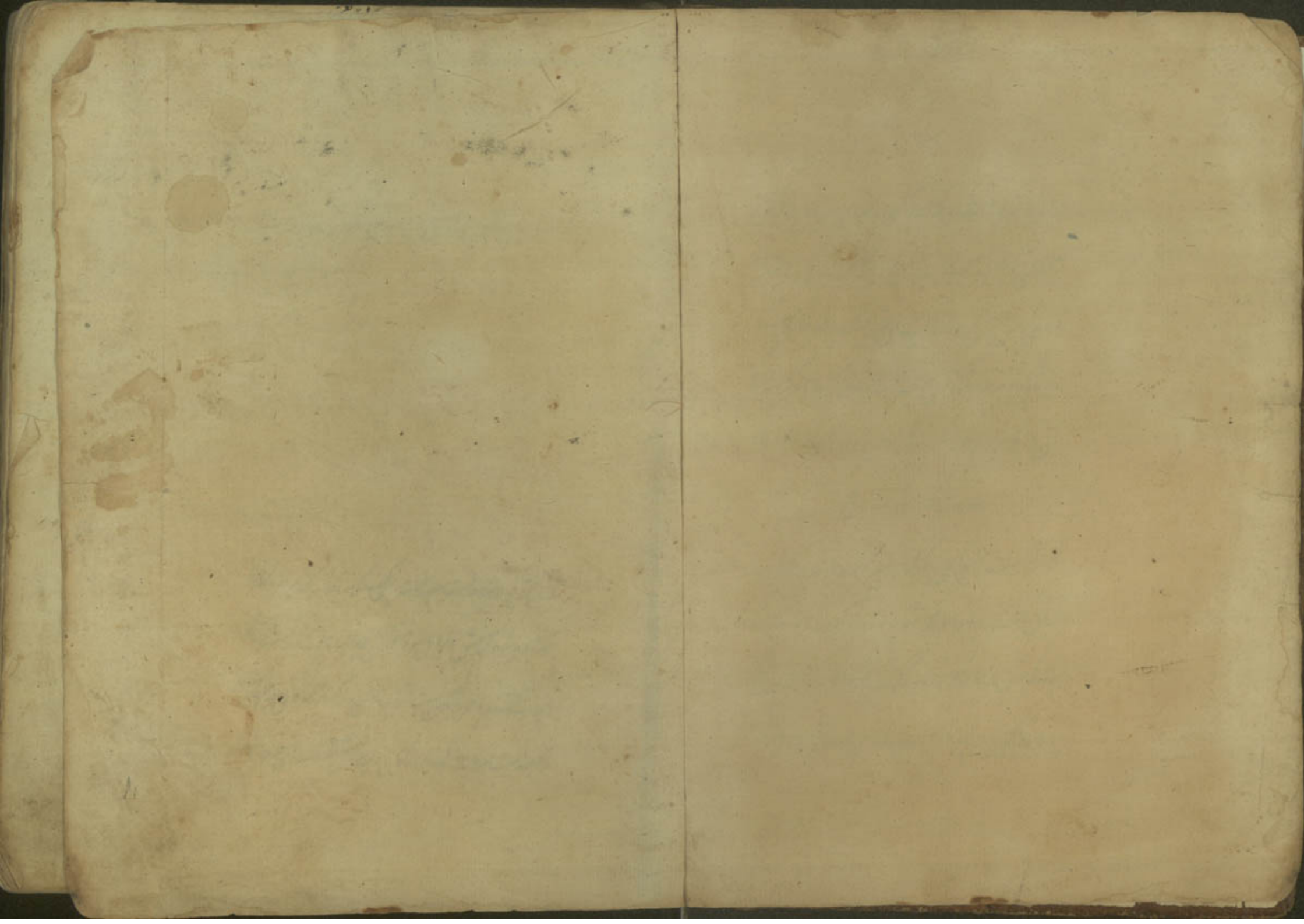
بگو

میگویم در بهترین عبادات و افضل ترین اجتهادند و اگر قهقهه  
این است و طاعتان ایشان بخوبی و بد من او عبید را که میگویم  
و به کس باید بدوم و اما چون فاسق و طعانت شد تیرم  
که در ضایع شود و منجم اسم که شکر نشود این تیر که معتقد شد  
در انبسی که با سمان رقم چون با سمان معتم رسیدم جسم من بفرجه شد  
در عرض که شد و کاب میجو شید چون استم که بر کردم مراد پیش  
آن فرجه نشاندند و ندانند یا محمد بدستی که پروردگار تو  
در او میفرستد و بسکوبد که تو را می زین خلق منی بر من و زود  
علمی است که از او اگر قه ام از جمیع بنجیل و از جمیع  
ایشان و از ابتر و امت تو از زان و دهم بر کسان که تو



راضی باشی از ایشان که از برای رضای خدا از ایشان گشتند  
بجاعتی که بعد از ایشانند و آن کسانیکه بخوانند آن اوجیه را  
کنایه ای که پیش از آن که دهند بایشان ضرر میکند و بعد از آن  
بایشان خیر می رسد و از این جهت است یا علی که مرا امر کردی بجهان  
آن نماند مردم عالم بخونند که همین اوجیه کاوش ما را و  
**شرح** و طاعت دیگر از گشتند ای محمد **و علی اول**

بگو از امت تو هر کسی را که گناه کبیره کرده باشد و حواشی  
که آن گناه از او محو شود و از آن گناه پاک شود  
پایه که بدن او جا به خود را پاک کند و صحرار و دور دوری  
در جا به کسی او را نیند و دستهای خود را بردارد و در آن دستهای خود را





*[Faint, illegible bleed-through text from the reverse side of the page]*

بدان شخص که در مناجات بربنجات پس که مناجات بکند پروردگار خود  
 آرزیده شود که نشوز ایل شود و تقش چو پیا بود و مندرست تجاری  
 تجارت کنندگان و بیکه است تراز و امی و گنندگان و بی پیا  
 نامبردست بر ما نیز گنندگان و چو خوش اند <sup>تجاری</sup> اند <sup>تجاری</sup> عرفان <sup>تجاری</sup>

میفرماید در کتاب خودش ما و کینند بر ما و کینم شمار او مگر نسیه بر او کفران  
 مکنند نعمت بر پس در این کتاب که خدا یا کند است کسی را که یاد نماید  
 خدا و زبیا و کند است نعمت کسی را که شکر کند او را و خدا کند است کسی را  
 که کفران کند نعمت او را پس نگاه کن بدیده بصیرت بسوی این مناجات  
 جلیل القدر که از کلام امیر المؤمنین و محبت خود بر عالم است پس سخن این  
 مناجات منیع کجند جوارح را از اخلاق اهل شهوت جوری بکنید امید ویرا  
 در مجرای اینک پیش آب بسوی جاری بود و سوار میکند شخص را بر کعب سلامت  
 در دریا می قیامت در سنا کابیشود عارف این مناجات بعبادت و کرامت  
 در شرف آخره اگر محبت بکنی که چه استیاج بود پیغمبران و ائمه معصومین  
 با تعب و مشقت و بیخ و ترس و کریه جواب میگویم اگر میدانی فریاد

بگو

یا قند اهل بیت و اند که حساب عقل بودند با قای خودشان که رب الارباب است و کلام  
 خودشان که پادشاه روز حساب است هر چند خدا میگردی جان خود را و عزیز خود را  
 بر تو در محبت آقا می خودت که احسان کنند است بسوی تو و لیکن تو بنده از چه چیز  
 فوت شده است از تو چه جوارح غنیمت کم شده است از تو که بسیار شود حسرت های تو  
 بر وقت آن جوارح غنیمت رویت شده است انجبار صادق و آل محمد صلی الله علیه و آله که  
 اگر مردم بلند چه چیز است در فضیلت شناختن خدا هر یک یکشاید چشمهای خود را  
 بسوی آنچه بهره شنند و شنان از کجای زنده کنند دنیا بر آنکه بود است بیجا  
 ایشان پیش اهل معرفت کلمه از آنچه دور می افکنند اهل معرفت از ایامی خود  
 و هر نسیه بجزر مندی شد ندیشناختن ولادت می برده معرفت خدا لذت  
 کس که همیشه در دستا نغمای محبت باشد با دستا ن خدای تحقیق که شناسان



خدا انفس است از سر خوشی در قین است از برای هر شغافی و روشنا است  
از برای اهرنای یکی و قوت است بجهت برضغی و شفا است بجهت هر دردی پس  
فرمودند حضرت صادق علیه السلام که چنانچه بود پیش از شما قومی که گشته  
میشدند و سوخته میشدند و زیر زین میشدند و کشتار میشدند و کشتار میشدند  
با تمام و سعش زیاد میکردند ایشان را از کوچک ایشان را و بزرگ از چندی که  
ایشان در آن خبر بودند از غیر کسیند و چشمی و خوشحال بودند ایشان از این  
اطوار و اذیت نبود اینها را ایشان را بگو که مقام گمشدند از ایشان که  
انکه ایمان آوردند ایشان بخداوند عزیز ستایش کرده سده پس سول  
کجیند شما خداوند خود را امر است انقوم را و کجیند بر مصیبت  
روزگار نما انکه او را گنمایند سعی ایشان را بدان تحقیق تعجب نوزدهم

کردن اینها

کردن اینها و انچه علیه السلام که در دستان خدا میداند  
تعجب کسی است که بپند ملازم بسیار خوش صورتی را که کجیند  
در خانه اقامی خودش و میبوسد در هر ساعت آستانه و جان  
در آقا را و جالدر رخسار زینب و چهره رخسای خود را  
بر خاک آن آستانه و لب نماید بر سر خود زینب ای آن خانه  
و آن ملازم در نهایت خدمت و ذلت و انکسار و خاک می  
و بقدری باشد پس بسیار اشخاص که این ملازم خوش صورت  
خوش اطوار خوش نذلل را اینند می گویند بپندید چه حسن  
سلوک بکار برده است این آقا با این ملازم تا اینکه رسید  
این ملازم در خدمت و ذلت و انکسار پان مرتبه پس

بیت بر ملا  
بیت بر ملا  
بیت بر ملا  
بیت بر ملا

بیت بر ملا  
بیت بر ملا  
بیت بر ملا  
بیت بر ملا

بیت بر ملا  
بیت بر ملا  
بیت بر ملا  
بیت بر ملا

بیت بر ملا  
بیت بر ملا  
بیت بر ملا  
بیت بر ملا



اشفاق مقید بوقتی که شرف کند افاضل این گفتگو را باین معنی  
 که روشن باشان صحبت بگذرند تا بدانسان باینکه احسان  
 باین ملازم بیشتر از این خدمت و ذلتی که ملازم توبه است چه  
 من اگر این ملازم را از پیشی محض بختی نماید و در قدرت نداشت  
 بر امثال این خدمات و کز بود العت و در هر جزو را خواهد  
 این بفر کجند شهن من آن خواهد بر انبجار العت او چه بگوید  
 انعام و احسان من بر او نزنده داشتن او که بدل و نظیر ندارد و بغير  
 تفضل من را و لغایت بخشی و استمر از این عاقبت در دنیا می او  
 و بغير رهنما من این ملازم را بر معاصد و آخرت او که  
 قادر است احدی مثل این آرزو ما واجب است را با عطا

عابد و العت

نماید و اگر نبود عفو کردن من از او در اشتغالش من وقت  
 اجمال و سهل انگاری بر آسبند هلاک میشد در سپاری از  
 از احوال پس تحقیق که معین او هستم در پنهان او و آشکار او  
 و جمع احوال او و تجلیش من جدا نمیشود از صفت او  
 و کجند داشتن و تدبیر او و سلامت و عاقبت او و این است  
 و جز این است مشغولت بخدمت گذاری وقتی که در خواب  
 نباشد و چهار نباشد و عذری نداشته باشد و بعضی  
 از آنچه از او خواسته ام علاوه اینها همه خدمت میکنند  
 ملازم مراد از آنچه بفرستش بخودش عابد میشود و من احسان



میکنم با و آنچه را که نفس من عاید نمی شود با این که من هیچ

حقیق با و ندارم

اللّٰهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ وَارْحَمْنِي إِذَا

ای ضایع از حضرت محمد و الهی محمد درم کن پس برگاه

أَنْفَعُ مِنَ الدُّنْيَا أَوْ رِيٍّ وَأَمْتِي مِنَ الْخَالِقِينَ

قطع نبرد از دنیا از من و محمد نبرد از خفایان

ذِكْرِي وَصِرْتُ فِي الْمَنِيِّ بَيْنَ كَفِّ ذُنُوبِي

ذکر من و بوم از ذر است ن من کسی که بختی زار است

اللّٰهُ كَبُرَتْ سِنِّي وَرِقَّ عَظْمِي وَنَالَ الدَّفْرُ

ای خدایا کبر در است سنی و در یک شده استخوان من و در است

مِثِّي وَأَقْرَبَ أَجَلِي وَتَقَدَّتْ آيَاتِي وَوَدَّ

دین از در یک شده است ای من و نام شده است کارهای در خدای

نورانی

سَهَوَانِي وَيَقْبَتُ بِنِعَالِي **اللّٰهُ** اَرْحَمْنِي إِذَا

خوابشای من و باقی نامزد شقیق من ای ضایع از من کن مرا برگاه

تَغَيَّرَتْ صُورَتِي وَأَمْنَتْ حَاسِنِي وَبَلِي

تغییر پدید صورت من و محو شود منگونی من و کینه نبرد

جِسْمِي وَتَقَطَّتْ أَوْصَالِي وَتَفَرَّقَتْ

جسم من و قطع دیندازد رگهای من و جسد از شد

أَعْضَائِي **اللّٰهُ** اَخْتَنِي ذُنُوبِي وَفَطَعَتْ مَقَامِي

اعضای من ای ضایع از من پناه دیندازد رگهای من و قطع کرد سخن مرا

فَلَا حِجَّةَ وَلَا عُدْرَةَ فَاَنَا الْمَفْرُجُ حُرِّي الْمَعْرِفِ

پس نیست حجرت و نه عذری پس من از در دارم کلاه خود بر سرم

بِإِسَاءَتِي الْإِسْبَهُ يَدُنِي الْمُرْتَهَنُ بِعَمَلِي الْمُنْفَعِ

بر بد پندای خود اسیرم بنا خود من عمل خودم از نظام

فِي جُحُورِ خَيْبَتِي الْمُبْتَزِعِ عَنْ فَضْلِي الْمُنْقَطِعِ

در دریا های گت خود حیرانم از فضل خود بریده کننده

بِصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ

ای پس صلوات بر محمد و الهی محمد در رحمت کن مرا رحمت خود



وَجَاوَزَعَنِي بِأَكْرَمِ فَضْلِكَ **الهي** إِنْ كَانَ  
 دگر ازین ای صاحب کرم بفضل خود ای خداوند الهی  
 صَغُرَ فِي جَنْبِ طَاعَتِكَ عَلَى فَعْدِ كِبَرِي فِي  
 کوچک در پیش طاعت تو عمل من بر تهنیت بزرگت در  
 رَجَائِكَ أَمَلِي **الهي** كَيْفَ أَنْقَلِبُ بِالْجَنَّةِ  
 امیدم از تو ای خداوند ای خداوند چگونه برگردانم مرا تا ایست  
 مِنْ عِنْدِكَ مَحْرُومًا وَكَانَ خَلْقِي بِكَ وَبِجُودِكَ  
 از تو خود محروم و همیشه گمانی بر تو دگرم تو  
 أَنْ تَقْلِبَنِي بِالْجَاهِ مَرْحُومًا **الهي** لَمْ أَسْلُطْ  
 اینکه برگردانی مرا بجات و از زورش خود ای خداوند ستم ساز  
 عَلَى خَيْرِ خَلْقِكَ قَوُّطًا إِلَّا بِيَسْرٍ فَلَا تُبْطِلْ  
 و بنگونی گمانی بر نامیدی تا امیدان را پس بطل من  
 صِدْقَ رَجَائِي لَكَ بَيْنَ الْأَمَلِينَ **الهي** عَظَمَ  
 راستی امید مرا بر میان امیدوران ای خداوند بزرگت  
 جُورِي إِذْ كُنْتُ الْمُبَارِزِيهِ وَكَبُرَ ذَنْبِي إِذْ  
 گناه من بجز آن بود که ظاهرست و بزرگ گناه من بجز آنکه

که

كُنْتُ الْمَطَالِبِيهِ إِلَّا أَنْي إِذَا ذُكِرْتُ كَيْسَرُ  
 بر منی از تهنیت طلبیدی من مگر من هرگاه یاد کنم بزرگ  
 جُرْحِي وَعَظِيمَ عَفْرَانِكَ وَجَدْتُ الْخَاصِلِي  
 گناه خودم و بزرگ ایستادن تو دیدم بر بخش  
 مِنْ بَلْبِهِمَا عَهْوُ رِضْوَانِكَ **الهي** إِنْ دَعَا نِي  
 از من ای بخش خوشنودی خود ای خداوند اگر بخوانی مرا  
 إِلَى النَّارِ بِذَنْبِي خَشِي عِقَابَكَ فَهَذَا نَادَانِي  
 بوی جهنم بخوانم می ترسم عقاب تو را پس بر تهنیت گناه خودم  
 إِلَى الْجَنَّةِ بِالرَّجَاءِ حَسُنَ تَوَاتُوكَ **الهي** إِنْ  
 بوی بهشت با امید بنگونی تو ای خداوند ای الهی ای الهی  
 أَوْ حَشَنِي لِحَطَايَا عَرَضِيَّةٍ لَطِيفًا فَهَذَا لَسْتَنِي  
 رحمت از رحمت مرا که مان از بگویی لطیف تو بر تهنیت از گناه خودم  
 بِالْيَقِينِ مَكَارِمِ عَهْوِكَ **الهي** إِنْ تَأْمَنِي الْعَقْلُ  
 بر یقین و تهنیت بنگونی بری بخش تو ای خداوند ای خداوند ای خداوند  
 عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ لِلْفَائِكِ هَذَا أَنْبَهَنِي الْمَعْرِفَةُ  
 از برای بودن از برای قیامت تو بر تهنیت که آگاه نمودم از تهنیت



يَا صَبِّدِي بِكُرْبِمِ الْإِيمَانِ **الهي** إِنْ عَزَبَ لِي  
 ای ایمنی من بکرم عطای تو ای ایمنی از فضل تو و عقبت  
 عَنْ كُفُوبِمِ مَا يُصْلِحُنِي فَمَا عَزَبَ إِيْقَانِي بِنُظْرِكَ  
 از محرم کردن آنچه صلاح دهنده است و ایمنی من بظن تو  
 لِي فَمَا بِنُفْعِي **الهي** إِنْ اقْرَضْتَ بَعِيرِي مَا أَحْبَبْتُ  
 چرا که آنچه من بخواهم از ایمنی تو ایمنی تو را تمام شد بجز آنکه دوست بودم  
 مِنَ السَّعْيِ أَنَا فِي الْإِيمَانِ أَمْضِيهَا الْمَاضِيَا  
 از سعی کردن در ایمان پس بیان گذران گذشته‌های  
 مِنْ أَعْوَابِي **للله** جِشْتُكَ مَلْفُوقًا قَدْ الْبَيْتُ قَدْ  
 از سالهای من ای در آن اعم زانم - جنتی پر بیم مجال  
 فَاقْبِي وَأَقَامِي مَقَامَ الْأَذْلَاءِ بَيْنَ يَدَيْكَ  
 و ناقد و قائم شدم مقام ذلیلان در برابر تو  
 حَاجِبِي **الهي** كَرُمْتُ فَكُرْمِي إِذْ كُنْتُ مِنْ تَوَالِكَ  
 چنین که ای ایمنی من پس کرمی من است که بستم بر تو  
 وَجَدْتُ بِالْمَعْرُوفِ فَأَخْلَطَنِي بِأَهْلِ تَوَالِكَ  
 در ادبی تو بیخبرگی پس هر طایفه ای را با اهل عطا می نمود

الهي مَسْكَنِي لِأَجْرِهَا الْإِعْطَاؤُكَ وَأَمْنِي لِي  
 ای ایمنی من بکرم عطای تو ای ایمنی از فضل تو  
 بَعْضُهَا لِأَجْرِكَ **الهي** أَصْبَحْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ  
 بی نیازم از جزای تو ای ایمنی من صبح کردم بر دری در  
 أَبْوَابِ مِيحِكَ سَائِلًا وَعَنِ التَّعْرُضِ لِي وَالْمِثْلَةَ  
 دری - عطای تو را از سنده و در ستر من برای تو ای ایمنی  
 عَادِلًا وَلَيْسَ مِنْ جَبَلِ إِمْدَانِكَ رَدُّ سَائِلٍ  
 عدل کند بر من از دست از سبکوست دست نهد تو در سائل  
 مَلْفُوقٍ وَمُضْطَرِّ لِي نِظَارِ خَيْرِكَ الْمَالُوفِ  
 مضطربم و مضطر بودم بظن تو بجز و خود که بودم  
**الهي** أَمِنْتُ عَلَى قَطْرَةٍ مِنْ مَنَاطِرِ الْأَخْطَارِ مَبْلُوغًا  
 ای ایمنی من ای ایمنی من ای ایمنی من ای ایمنی من ای ایمنی من  
 بِالْأَعْمَالِ وَالْإِعْتِبَارِ قَانَا الْهَالِكِ إِنْ كُنْتُ نِعْمَ  
 بعبودت خود و عبرت نمودن پس منم که گزیده بودم از ای ایمنی  
 عَلَيْهَا بِتَخْفِيفِ الْأَثْقَالِ **الهي** آمِنُ أَهْلُ  
 بیکس کردن برای من ای ایمنی ای ایمنی ای ایمنی ای ایمنی



خَلَقْتَنِي فَاجْعَلْ لِي كَأَنِّي أُمٌّ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ  
 کشف نموده مرا بس طول دم کرده با او اصل سعادت  
 خَلَقْتَنِي فَاجْعَلْ لِي كَأَنِّي أُمٌّ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ  
 کشف نموده مرا بس طول دم کرده با او اصل سعادت  
 مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي دَارِ السَّلَامِ  
 محمد صلوات خدا بر او و آل او در دار سعادت  
 وَأَعَدَّ لِي بِطُورِ الْوُضْعَاءِ مِنَ الْخُدَامِ وَفَضَّلَنِي  
 و برده مرا بی بطراف زدن از خدمت کرده از خدمت برگزید  
 وَجَعَلَ لِي مَقِيلًا بِالْحَبِيدِ فِي دَارِ الْمَقَامِ فَغَبَّرْ ذَلِكَ  
 روی سیر مرا بنا ایامی در دار مقام بس غبار زد  
 مَسْكَنِي نَفْسِي مِنْكَ يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْإِنْفَامِ  
 از روی من از تو از صاحب فضل و بخشش  
 اللَّهُ وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَوْ قَرَّبْتَنِي فِي الْأَصْفَاءِ  
 ای عزای من بس بیزت جلال تو از صفای من در صفای  
 طَوْلِ الْأَيَّامِ وَمَنْعْتَنِي سَبَبِكَ مِنْ بَيْنِ الْأَنْفَامِ  
 در روزگار من کنی مرا از غفلت من بین مردم

وَحَلَّتْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْكِرَامِ مَا فَطَعْتُ رَجَائِي  
 و میان من و ایامان در میان از کرام قطع نمی شود سید  
 وَلَا صَرَفْتُ وَجْهَ انْتِظَارِي لِلْخَيْرِ عِنْدَكَ  
 از تو در منی کردم معنی نظرم بعضی از تو  
 لَوْلَمْ تَهْدِنِي إِلَى الْإِسْلَامِ مَا أَهْتَدَيْتُ وَ  
 اگر هدایت نمی کردی مرا بسوی اسلام هدایت نمی یابم  
 لَوْلَمْ تُرْزُقْنِي الْإِيمَانَ بِكَ مَا آمَنْتُ وَلَوْلَمْ  
 اگر روزی نمی کردی مرا بسوی ایمان به تو ایمان نیاردم و اگر  
 تَطْلُقُ لِسَانِي بِدُعَائِكَ مَا دَعَوْتُ وَلَوْلَمْ  
 از زبان من بی زبان مرا بخواندن تو بخوانم خوانم و اگر  
 تَعْرِفُنِي حَلَاوَةً مَعْرِفِكَ مَا عَرَفْتُ وَلَوْلَمْ تَبَيِّنْ  
 شناسد من سیرت شناسی من شناسی خودم بخوانم شناخت ترا و اگر  
 لِي سِدِّدَ عَيْنَاكَ مَا أَسْحَرْتُ اللَّهُ أَطَعْتُكَ فِي  
 از برای من کنی عذاب خود را بپا و خوانم بس بگفته خداوند اطاعت کردم  
 أَحَبُّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ التَّوْحِيدُ وَمَا  
 بهترین چیزها بسوی تو دان بگامی دوست و با خداوندی کنم



فِي الْبَعْضِ الْأَشْبَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ الْكَفْرُ فَاعْفُ

*در بعضی از چیزها بسوی تو و آن کفر است پس عاف*

مَا بَيْنَهُمَا اللَّهُ أَحِبُّ طَاعَتِكَ وَإِنْ فَضُرْتُ

*آنچه میان آن دو چیز است خداوند را دوست دارم طاعت تو را و اگر چه تضییع میکنم*

عَنْهَا وَأَكْرَهُ مَعْصِيَتِكَ وَإِنْ رَكِبْتُهَا فَتَقْضَلْ

*از طاعت تو و آنچه دوست دارم معصیت تو را و اگر چه سوار شوم بر آن*

عَلَى الْجَنَّةِ وَإِنْ لَمْ أَكُنْ مِنْ أَهْلِهَا وَخَلِصَنِي

*بر من بهشت و اگر چه من نیستم از مسلمانان و خود مرا بکش*

مِنَ النَّارِ وَإِنْ أَنْتَ وَجِبْتُهَا اللَّهُ إِنْ فَضَلْتَنِي

*از آتش و اگر چه منترجم باشم بر روی تو اگر از آتش بندم*

الْخَلْفَ عَنِ السَّبُوحِ الْأَبْرَارِ فَهَذَا أَفَامَسِي

*خلف کردن از پیش روی آن بندگان پس بکن تا بر تو برود*

عزرا

عَلَيْهِ نَارُ مَحْرَمَةٍ فِي أَخِي اللَّهُ تَسْرُ عَزْرَتَاهَا بِنَابِيدِ

*بر او آتش محرمه بر من در برادر من و اگر چه عورتها را بنابید*

إِبْرَائِيمَ كَيْفَ يُدَلُّهَا بَيْنَ الْطَبَائِقِ بِنَابِكَ اللَّهُ

*ابراہیم را چگونه در میان طباقها بناب کنی خداوند*

لِسَانِ كَوْمٍ مِنْ مَمَّا حَبِيدِكَ أَيْنَ أَنْوَابِهَا كَيْفَ

*زبان کوهی از بندگانت را در میان آن زبانها چگونه*

تَهْوِي إِلَيْكَ مِنَ النَّارِ مُشْعَلَاتُ إِلَيْهَا بِهَا

*تلاک میکنی از آتش که مشتعل میشود زبانهای آن*

اللَّهُ كُلُّ مَكْرُوبٍ إِلَيْكَ بَلْغِي وَكُلُّ مَحْرُورٍ إِلَيْكَ

*ای خداوند هر غمگینی بسوی تو انجمنی و هر از دستگیری ترا*

يَرْجِي اللَّهُ سَمِعَ الْعَابِدُونَ بِحُجْرَتَيْهِ نَوَابِهَا تَحْتَوِي

*ایزدانان بر درگاه او شنیده اند عباد را بزرگی از آتش و این سخن را*

وَسَمِعَ الرَّاهِدُونَ سَعْدَ رَحْمَتِكَ فَتَنَعُوا وَسَمِعَ

*و شنیده اند راهزنان سعادت رحمت تو را و گشتند از راه خود*

الْمَوْلُونَ عَنِ الْفَصْدِ يُجُودُ فَجَعُوا وَسَمِعَ

*و شنیدند مولا را از شکاف کوه خود و گشتند از راه خود*

و شنیدند مولا را از شکاف کوه خود و گشتند از راه خود

و شنیدند مولا را از شکاف کوه خود و گشتند از راه خود

و شنیدند مولا را از شکاف کوه خود و گشتند از راه خود

و شنیدند مولا را از شکاف کوه خود و گشتند از راه خود

و شنیدند مولا را از شکاف کوه خود و گشتند از راه خود

و شنیدند مولا را از شکاف کوه خود و گشتند از راه خود

و شنیدند مولا را از شکاف کوه خود و گشتند از راه خود

و شنیدند مولا را از شکاف کوه خود و گشتند از راه خود



الْمُحْرِمُونَ لِيَعْلَمَ غُفْرَانَكَ وَصَلُّوا وَسَمِعَ الْمُؤْمِنُونَ  
 كَلِمَةً كَرِيمًا إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً مَبْرُورًا وَمَنْ يَتَّبِعْهَا فَيَلْتَمِمْ  
 بِكُرْهِ عَفْوِكَ وَفَضْلِكَ فَوَعْبُوهَا حَتَّىٰ  
 تَرْضَاهَا لَهَا غُفْرَانٌ أَكْبَرُ لِمَنْ يَتَّبِعْهَا مِنَ الْغُفْرَانِ  
 أَزْدَحِمَةٌ وَلَا يَسْبَأُ بِهَا عَصَابُ الْعَصَاءِ  
 مِنْ عِبَادِكَ وَعَجْتَ بِكَ مِنْهُمْ عَجْجٌ بِالذُّعَاءِ  
 فِي بِلَادِكَ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ قَدَسٌ صَاحِبُهُ  
 إِلَيْكَ تُحْتَجَّاجًا وَقَلْبُكَ تَوَكَّلُ وَجِبْتُ خَوْفِ الْبَيْتِ  
 مِنْكَ مُهْتَجًا وَأَنْتَ الْمَسْئُولُ الَّذِي لَا تَوَدُّ  
 لَدَيْهِ وُجُوهُ الْمُطَالِبِ وَلَمْ تَرَوْا بَيْنَ يَدَيْهِ ظَهْرَاتٍ  
 زِدَادٌ وَمَارِجَاتٌ حَمِيمَاتٌ

الغالب

المطالب الهی ان اخطات طریق النهر لیس  
 الا کسندة انما انما ال عطا کرم او نظران  
 بما فيه کرامتها فقد اصبت طریق القریع الیک  
 آنچه در وقت امر نفس پس بخت رسیدم او  
 بما فيه سلامها لله ان کانت نفسي استعدت  
 آنچه در وقت سکن نفسی بر کلام الیشتر  
 متبردة علی ما یزید بها فقد استعدتها الان  
 کتو بنیم بر کجی کما در خبرت پس بخت یاری بچشم او  
 یدعایک علی ما ینجیها الهی ان عذابی الاینها  
 بخوانن تو بر آنچه نجات دهنده او در هر روز  
 فی ابتغاء منفعتی فلم یعدنی تولا فیها فیصد  
 در طلب منفعت من پس در عده نمی کردی بگو ایان او در کون  
 مصلحتی الهی ان قسط فی الحکم علی نفسي فيما  
 مصلحت من ایوان الامان بخدمت در حکم و نفس خود در کون  
 فیه حسرتها فقد افسط لان یعربی اباها  
 در وقت حسرت او پس بخت و ان بکنیم حال بشن من من او



مِنْ رَحْمَةٍ انْشَأُوا رَافِعًا **اللَّهُ** اِنْ اَحْتَفِي  
 از رحمت و مهرانه او ای که از یاد او در کون  
 فَلَهُ الزَّادُ فِي الْمَيْمَنِ الْبَدَّ صَدَّ وَصَلَهُ الْاَلَا  
 کی زرش در راه بروی تو پس بگفتی بر سر تو  
 يَدْخَابُ مَا اَعْدَدْتُمْ مِنْ فَضْلِ يَوْمِي عَلَيْكَ **اللَّهُ**  
 بجزای آنچه بر ما برده ای از یاد او همه ما در روز  
 اِذَا دَرَكْتُ رَحْمَتَكَ خَفِكَ الْبَهَا وَجُوهٌ وَيَا لِي  
 هرگاه از بگویی رحمت تو بجزای بروی او راه می گویی  
 وَاِذَا دَرَكْتُ تَحَطَّتْ بِكَ لَهَا عَجُونٌ وَمَا لِي **اللَّهُ**  
 در هرگاه از بگویی غضب تو که بر کینه از یاد او چشمهای بر روی  
 فَاَوْضُ لِي مِنْ يَمَانِكَ عَلَيَّ عَبْدٌ يَا لِي فِدَا لِقَةٍ  
 پس همین در بروی از دلای تو بر بند محتج بگویی که  
 الضَّاءُ اَحَاطُ بِحَيْطٍ جَبِيْدٍ هَلَا لُ الْوَلِي **اللَّهُ**  
 تشکی او طرز بجزای سبک شفقت سستی در روز  
 اَدْعُوكَ دُعَاءً مَنْ لَمْ يَزُجْ عَمْرَكَ يَدْ عَلِمَهُ وَار  
 خوانم تو خوانم کسی که ایتر از یاد او بخورد و ایتر

رَجَاءً مَنْ لَمْ يَفْصِدْ عَمْرَكَ يَرْجَاهُ **اللَّهُ** كَيْفَ اَرِدُ  
 امید کسی که فسد کرد و غیره با تیر خود از یاد او بخورد  
 عَارِضٌ نَطْلَعِي اِلَى تَوَالِكَ وَاِنَّمَا اَنَا فِي اسْتِزْنَانِي  
 ای ای که منظره طوعان بروی علی تو ای تیر تو من در طلب تو  
 طَهَّدَ الْبَدَنِ اِحْدَ عِبَا لِكَ **اللَّهُ** كَيْفَ اَسْكُ  
 از یاد او بدن یک حال تمام از یاد او بخورد  
 بِالْاِخْتِامِ لِيَا نَ صُرَاعِي وَقَدْ اَفْلَقْتَنِي مَا اَبْهَمَ  
 برستی زبان تفرق خود از بگویی باغی که  
 عَلَيَّ مِنْ مَصِيْرٍ عَافِيَتِي **اللَّهُ** فَذَعَلْتَ حَاجِدَةً  
 بر من از کوش عافیت تو در روزی بگویی که  
 قَسِي اِلَى مَا نَكَلْتَ لَهَا بِمِنْ الرِّزْقِ فِي حَبَابِي  
 حق بروی آنچه بر تو شده از یاد او در روزی در حبات  
 وَعَرَفْتُ فَلَهُ اَسْتِغْنَانِي مِنْ الْجَنَّةِ بَعْدَ وَا  
 دانستم تو کی استغنی از یاد او از بهشت بعد از وفات  
 فَمَا مِنْ سَخِّ لِي بِمَنْفَضِلًا فِي الْعَاجِلِ اَلْمُنْعَبَةِ  
 پس ای که منظره طوعان بروی تو در روزی در حبات



يَوْمَ فَاقَىٰ رَبِّي يَٰ رَبَّ كُنْتُ لَكَ شَاكِرًا  
*روز استیجاب من بر روی تو در آینده پس از آنکه تمام نعمت های*  
 الْكَرِيمِ اَسْتَأْذِنُكَ مِنْ مَخَاسِيْرِ الْاَلَمِ الْجَوَادِ  
*کریم نام بزرگ نعمت های تو در روز سنجیده با نعمت های تو حکیم*  
 اَسْتَخَالُكَ يَا رَبِّ لَوْلَا مَا جِئْتَنِي مِنْ اَمْرِ  
*لا بزرگ نعمت های تو ای خداوند ای که از امر من*  
 مَا شَكُوْتُ عَسْرًا نِي وَلَوْلَا مَا ذَكَرْتُ مِنَ الْفَرِحِ  
*چگونه شکایت به دشواری می نمودم و آنچه را که از تو یاد می نمودم از تو فریاد می نمودم*  
 مَا سَعَيْتُ عِبْرًا لِي يَا رَبِّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
*چگونه زحمت می نمودم ای خداوند صلوات بر محمد و آل محمد*  
 وَاقْرَأْ مِثْقَالَ عَسْرَاتٍ مِمَّا سَلَّاتِ الْعِبْرَاتِ  
*و خواندنی آنست که همانی که بخندم بر همه ام از آنکه در روزی تو*  
 وَكَبَيْتُ كَيْبَرًا لَتَبَاتٍ لِقَلْبِي لِحَسَنَاتِ الْمَعِي  
*و بخش بسیار کن ای خداوند ای که از نیکوئی من ای خداوند*  
 اِنْ كُنْتُ لَا رَحْمَةً اِلَّا الْجِدِّيْنَ فِي طَاعَتِكَ فَا  
*ای خداوند ای که رحمت کن ای که از نیکوئی من در طاعت تو بر روی*

باز

مَنْ يَفْرَحُ الْمُفْرَحُونَ وَاِنْ كُنْتُ لَا تَقْبَلُ اِلَّا  
*که فرخنده نصیب کاروان در ای روزی که قبول کنی*  
 الْمُجْتَهِدُونَ فَا لِي مَنْ يَفْرَحُ الْمُفْرَحُونَ وَاِنْ  
*از مجتهدین در عمل بر روی نهاده از تو زیاد از نیکوئی تو در*  
 كُنْتُ لَا تَكْرُمُ اِلَّا اَهْلُ الْاِحْسَانِ مَكْتَفٍ  
*کنی تو از اکریم ای که اهل سنجیده ای پس چگونه*  
 يَضَعُ الْمُسْتَبِينُ وَاِنْ كَانَ لَا يَبْعُورُ يَوْمَ الْحَشْرِ  
*کنند ای که کاروان در ای که استوار بر نیکوئی تو در حشر*  
 اِلَّا الْمُنْفِقُونَ فَيَمْنُ بِنِعْمَتِ الْحَرَمُونَ  
*که در روز کاروان ای پس که استوار بر نیکوئی تو در کاروان ای که*  
 كَانَ لَا يَجُوزُ عَلٰى الصَّرَاطِ اِلَّا مَنْ اَجَازَ تَرْوَاةً  
*بشمارد که گذرد بر صراط ای که کسی که در روزی تو در کاروان ای که*  
 عَمَلًا بِالْجَوَادِ مِنْ اَمْرِ رَبِّكَ قَبْلَ الْفَضَاءِ  
*عمل او پس که در روزی تو در کاروان ای که در روزی تو در کاروان ای که*  
 اللهُ اِنْ تَجِدُ الْاَعْلٰى مِنْ عَمْرٍَا لَوْ هِدَ مَكُونُ  
*ای خداوند ای که از نیکوئی من ای که در روزی تو در کاروان ای که*



سِرِّهِمْ فَمَنْ لِّلْمُضْطَرِّ الَّذِي يُرِيهِ بَيْنَ الْعَالَمِينَ  
 وبنیانی خود پس همیشه از ایشان گنبدی که خود را در میان ایشان اهل عالم  
 سَعَى نَفْسِي بِهِ **الهي** ان حَبِيبَ عَنْ مَوْجِدِيكَ نَظَرَ  
 سعی از آن نجات دادا بر کلامی از من تویی تو از یکدیگر برسان خود نظر از  
 تَعَدَّ لِحَنَائِيَا يَهُمُّ اَوْ ظَهَرُ غَضَبِكَ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ  
 در کوفتن بنیای من با تو با او از من غایب شدی یا به مشرک  
 فِي كَرْبَائِهِمْ **الهي** اَنْ كَمْ نَبْلِنَا يَدُ اخِيَانِكَ  
 در ازمودن و نوحی از ما خدا را اگر کشنده ما را است همان تو  
 يَوْمَ الْوُرُودِ اخْتَلَطْنَا فِي الْجَزَاءِ يَدْوِي الْجَوْدِ  
 روز قیامت مخلوط می شویم با آن که بده در روزان علی که انصاف است  
 اَللّٰهُمَّ فَاَوْجِبْ لَنَا بِالْاِسْلَامِ مَدْحُورَةً قَبْلًا  
 ای خدا ای کس در پیش از این ای بسبب در اسلام از برای ما پیش از این  
 وَاسْتَصِفْ مَا كَدَرْنَا الْجُرْأِيَوْمَنَا يَصْفُو صُلَا  
 وصف و ظاهر کردن آنچه را که در میان ما است صفی شود به ما به طاعت است  
**الهي** اَرْحَمْنَا عَزَابًا اِذَا الضَّمْنَانَا بَطُونُ حُورِنَا  
 ای خدا ای مهربان تر از ما اگر چه در میان ما است صفی شود به ما به طاعت است

وَعَجِبْتُ بِاللَّيْلِ سَقُوفَ بُيُوتِنَا وَ اَحْصَيْنَا مَنَّا كَيْنَ  
 وپوشیده گشتم بخت مقصدی خانه ما را و بشماران و چشم بر آن کس  
 عَلَيَّ الْاِيْمَانِ فِي مَبُورِنَا وَ خَلَفْنَا فِرَادِي فِي  
 بر ایان در قریبای ما و ما که از روی او است  
 اَضْبُو الْمَضَاجِعَ وَ صَرَعْنَا الْمَنَائِيَا فِي اعْجَابِ  
 مکتوبن غریبای ما و مکتوبن ما که در زمین است  
 الْمَصَارِعَ وَ صَرْنَا فِي ذَارِ قَوْمٍ كَانَتْهَا مَا هُوَ لَهْ  
 میدان که هر کس در زمین است در خانه قومی که برایشان از نیت بر می  
 وَ هِيَ مِنْهُمْ بِلَاغِ **الهي** اِذَا احْصَيْنَاكَ عَرَاءَ حَافَاةٍ  
 و بیون از ایشان است محرابی چه انصاف است که با هم با نیز در زمین است  
 مُعْتَبَرَةٌ مِنْ تَوْرِي الْاَجْدَاثِ رُؤُسَنَا وَ شَاجِرَةٌ  
 از خاک قبرا سرای ما و شجره  
 مِنْ تَوَابِ الْمَلَا حِيدِ وَ جُوهُنَا وَ خَاشِعَةٌ مِنْ  
 از خاک محمدان روی ما و خاشع و بیچاره از  
 اَنْوَاعِ الْعِقْمَةِ ابْصَارُنَا وَ ذَا يَلِكُ مِنْ شِدَّةِ  
 خوف است قیامت و از آن که چشمها را درخت از نیت



الْعَطَشِ شِفَاؤُنَا وَجَابِعَهُ لُطُولُ الْمَقَامِ بَطُونِنَا  
 تشنگی بهای ما در گشته از لذتی بهندان *بطن* شکم  
 وَبَادِبَهُ هُنَا لِكَ الْعَبْوَنِ سَوَانُنَا وَمَوْقَرَهُ  
 و نظیر است در اینجا از آنکه بهای ما در گشته  
 مِنْ تَغْلِيلِ الْأَوْزَارِ ظُهُورُنَا وَمَشْغُولِينَ بِمَا  
 از سنگینی بهای ما در گشته  
 قَدَدْنَا عَنْ أَهْلِ الْبِنَاءِ وَأَوْلَادِنَا فَلَا نُضْعِفُ  
 تخفیف دادیم از بهای ما در گشته  
 الْمَصَائِبَ عَلَيْهَا بِأَعْرَاضٍ وَجِهَدِ الْكُرْمِ عَمَّا  
 مصیبتها را بر ما بر گشته روی و جبهه *کرم* زراعت  
 وَأَسْلَبُ عَائِدَةً مِمَّا مَثَلَهُ الْوَجَاءُ مِنَّا **اللّٰهِي**  
 در گذشته *مکنند* آنچه مثل *و* *از* *انسان*  
 مَا حَثَّتْ هَذِهِ الْعَبْوُونَ إِلَىٰ بُكَائِهَا وَلَا حَادَثٌ  
 آنچه *می* *باز* *این* *چشمها* *بر* *گرفتار* *از* *شد*  
 مُتَشَبِّهَةٌ بِمَا نَهَا وَلَا أَشْهَدُهَا يَجِبُ الشَّاكِلَاءُ  
*شمنه* *باب* *از* *مکنند* *از* *بجسبان* *که* *بگویند*

فَدَعَرْنَا بِهَا إِلَّا مَا أَسْلَفْتُهُ مِنْ عَمَلِهَا وَحَطَّاهَا  
*مغوشیده* *غزای* *آن* *که* *پیش* *رفتاد* *از* *عمل* *او*  
 وَمَادَعَاهَا إِلَيْهِ عَوَاقِبُ بِلَايَتِهَا وَأَنَا لَقَائُهَا  
*و* *آنچه* *خواستاد* *انها* *بر* *او* *در* *قبضه* *های* *بجای* *از* *در* *بیا* *نادر*  
 يَا عَزُّو عَلَيَّ كَيْفَ عَمَّا نَهَا **اللّٰه** *ان* *کنا* *محرمین* *فانما*  
*ای* *عزیز* *بر* *بر* *آن* *غما* *از* *الغنائک* *الربیم* *که* *کاران* *بر* *بستی*  
 تَبَكِّي عَلَىٰ إِضَاعَتِنَا مِنْ حُرْمَتِكَ مَا لَسْتُ وَجِيبُهُ  
*که* *بکنیم* *بر* *ضایع* *نمون* *ما* *از* *حرمت* *تو* *آنچه* *مستوجب* *رحمت*  
 وَإِنْ كُنَّا مُحْرَمِينَ فَإِنَّا تَبَكِّي إِذَا فَاذْنَا مِنْ جُورِكَ  
*در* *آن* *بجای* *ما* *محرم* *بر* *آن* *که* *بکنیم* *کند* *کند* *تو* *از* *آن* *که* *مکن*  
 مَا نَطْلُبُهُ **اللّٰهِي** سُبُّ حَلَاوَةٍ مَا يَسْتَعِيدُ  
*آنچه* *طلب* *کنیم* *در* *آن* *جوان* *غیب* *کند* *بشری* *آنچه* *بشیر* *و* *غدا*  
 لِإِنِّي مِنَ النَّطُونِ فِي بِلَاغَتِهِ بِرِهَا دَرَهُ مَا يَعْرِفُهُ  
*زبان* *من* *از* *کوبان* *در* *بلاغت* *بهر* *نمون* *آنچه* *مستعد*  
 قَلْبِي مِنَ النَّصْحِ فِي دَلَالَتِهِ **اللّٰهِي** أَرْتَبُ بِالْمَعْرُوفِ  
*قلب* *من* *از* *نصیحت* *در* *دلالت* *از* *ان* *برای* *من* *از* *مرد* *تو* *بود*

بجای



الذليل

وَأَنْتَ أَوْلَىٰ بِهِ مِنَ الْمَأْمُورِينَ أَمَرْتُ بِصِلَةِ  
 دَر. اولاد باد ارك بكم از خود پندار از خودی بطلان  
 السُّؤَالِ وَأَنْتَ خَيْرُ الْمَسْئُولِينَ **اللَّهُ** كَيْفَ نَبْعُدُ  
 سوال در بهترین سوال کننده اندامها چگونه فعل شود  
 بِنَاءِ الْإِيمَانِ عَمَّا لَمْ يَجْلِبْ لَهُ وَقَدْ أَدْرَعْنَا  
 با نگاه داری از آنچه فقط خود بطلب او و تحقیق روح در زنده  
 مِنْ تَأْيِيدِنَا إِيَّاكَ أَسْبِغْ أَوْامِرَ **اللَّهُ** إِذَا هَزَبْتَ  
 در از روی، ترا بهترین جا صبر در او معاذرا، هرگاه بخوشی را  
 الرَّهْبَةَ أَفَنَانَ خَافِنَا انْقَلَعَتْ مِنَ الْأَصُولِ  
 خوف فترتین محفل خوف، کینه از صبرها  
 أَسْبَاوَهَا وَإِذَا انْتَمَت أَرْوَاحُ الرَّغْبَةِ فَمَا انْصَا  
 در تنهای ما در هرگاه نسیم بود روحهای خویش از آنچه شخیر  
 رَجَائِنَا أَنْبَغَتْ بِنَالِجِ الْبَارَةِ أَمَا **رَبُّهَا** **اللَّهُ**  
 پیرمات با کز بود روزی با برت بر ایای صبر بود  
 إِذَا فُلُوْنَا مِنْ صِفَانِكَ شَدِيدَ الْعِقَابِ آيَفْنَا  
 هرگاه بیایم و نگریم از صفتهای تو که سختی عجزت بهت از خود بود

الکبائر الى  
بهر لری

الذليل

وَإِذَا فُلُوْنَا مِنْهَا الْعَقُورَ الرَّحِيمَ فَوَجْنَا قَحْنَ بَيْنَ أَمْرَيْنِ  
 هرگاه، بکیم از آن صفت زنده از خودی رحمت تو در بین ما بین دو امر  
 فَلَا مَنَحْضَكَ نُؤْمِنُ وَلَا رَحْمَتَكَ نُؤْيِسُ **اللَّهُ**  
 پس از صفت تو ایمان در رحمت تو ایمان در غم  
 إِنْ قَصُرَتْ مَسَاعِينَا عَنِ اسْتِحْضَانِ نَظْرِكَ فَمَا  
 اگرگاه است سببهای، از سختی در نظر تو پس  
 قَصُرَتْ رَحْمَتُكَ مِمَّا عَنِ دِفَاعِ تَعْمِيكَ **اللَّهُ** إِنَّكَ  
 گزافه است رحمت تو از دفع کردن عذاب تو از ما که  
 لَمْ تَزَلْ عَلَيْنَا مَحْضُوظِ صِنَائِكَ مِنْعًا وَكُنَّا مِنْ  
 پیشه بر ما هر چه ای صفتهای تو منع ایم و از اولاد در  
 بَيْنِ الْأَقَابِلِيمِ مُكْرَمًا وَبِطَلِكِ عَادَتِكَ اللَّطِيفَةُ  
 میان شرفها، که جسم در از رحمت تو با کز بود  
 فِي أَهْلِ الْخَبْرَةِ فِي سَالِفَاتِ الذُّهُورِ وَعَايِرًا  
 در اهل صفت در گذشتهای زمان و از اولاد  
 وَخَالِبَاتِ الْكِبَالِي وَبِإِقْبَالِنَا **اللَّهُ** اجْعَلْ مَا  
 در گذشته سببها در ایامه از ما معاذرا، کردان آنچه



جَبُونَا مِنْ نُورِ هُدَايِكَ دَرَجَاتٍ نُورِي

*عطا یا بین از روشنی هدایتی که از نور هدایت تو می*

بِهِيَ إِلَى مَا عَرَفْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ اللَّهُ كَيْفَ تَفْرَحُ

*بله بر روی آنچه شمام از رحمت تو انصافان بخود عطا کردی*

يُصِحِّبُ الذُّبَابَ صُدُورَنَا وَكَيْفَ تَلْتَمِسُ عَمْرَانَا

*بصحت رین سینه های ما چگونه هم بر تنه ریشی آن*

أَمُورَنَا وَكَيْفَ تَجْلَسُ لَنَا فِيهَا سُرُورَنَا وَكَيْفَ

*امور ما چگونه حاضر در آنجا در دنیا خود را در آن چگونه*

يَمْلِكُنَا بِاللَّهُوِ وَاللَّعِبِ غُرُورَنَا وَقَدْ دَعَانَا

*بگفتند ما را با الهو و لعب و غرور ما و قد دعانا*

يَا فَيَرَابِ الْأَجَالِ فَمُورَنَا اللَّهُ كَيْفَ تَبْدِيهِ فِي دَارِ

*بدری ای فیراب ایام و امور ما خدا چگونه بدی در دار*

حُفْرَتِ كُنَا فِيهَا حُفَايُ وَصَوَعِيهَا وَقِيلَتْ يَا بَدِي

*گفته بود در آنجا حفره ها و صوعیها و قیلت ای بدی*

الْمَنَا يَا حَبَابُ بِلْ عَدْرَتِهَا وَجَعْنَا مَكْرَهِيْنَ جَرَعَ

*المنای ای حباب بلبعدرتها و جعنا مکرهین جرعه*

مَرَارَتِهَا وَدَلَّسْنَا النَّفْسَ عَلَى انْقِطَاعِ عَيْشِهَا لَوْ

*مرا را و دلگشاده نفس را بر قطع مشورتی از ما*

لَا مَا أَصَعَتْ إِلَيْهِ هَذِهِ النَّفُوسُ مِنْ زَفَايِغِ

*سبک بر نفسی از عویشهای*

لَدَيْهَا وَأَفِينَا بِهَا يَا الْفَائِنَاتِ مِنْ فَوَاحِشِ

*لذتها و از جزاینها بگشاید از دراکون*

زَيْدِيهَا اللَّهُ يَا لَيْتَكَ تَلْتَمِسُ مِنْ مَكَائِدِ خُدْعِهَا

*زیدت را خداوند ای لایت که از مکارهای تو بگشاید از کرمها و زبانیهای تو*

وَبِكَ تَسْعِينُ عَلَى عَجُورِ فِطْرَتِهَا وَبِكَ تَسْقِطُ

*و بیک بیایم بر کشتن از پیمانها و بارانهایم*

الْجَوَارِحِ عَنِ اخْتِلَافِ سَهْوِهَا وَبِكَ تَسْكِيْفُ

*مضای خود را از انواع گناهان و پاره زبانیها*

جَلَابِيبِ جَبْرِيَّتِهَا وَبِكَ تَقُومُ مِنَ الْقُلُوبِ انْتِصَانَا

*پوششهای جبریتها و بر روی زمین از دلها و کوازی*

جَهَائِهَا اللَّهُ كَيْفَ لِلدُّرْيَانِ تَمَسُّعٌ مِنْ فِيهَا

*جواهرت را خدا چگونه بداند از دریا که در آنجا*







السؤال ثم تمنعهم التوال أنت الكرم المود  
 سوال نمودن پس منکر کردن عطی خود را به منکران تو به منکران تو  
 فی کل ما نضعه باذا الجلال والاكرام  
 در هر کاری که میکنی ای صراطی بزرگ و کرامت  
 الهی ان كنت غير مستوجب لي ارجو من  
 الهی ای ایستمن که من مستحق نیستم از تو ایستادم  
 رحمتك فانك اهل الفضل على بكرتك  
 رحمت ترا پس تو ای اهل فضل و رحمتی بر من  
 فالكرم ليس يصنع كل معروف عند من  
 پس بزرگواری را نمی کند هر شناخته شده نزد کسی  
 يستوجبه الهی ان كنت غير مستاهل لي  
 که مستحق است از من الهی ای ایستادم که من مستحق نیستم از تو ایستادم  
 ارجو من رحمتك فانك اهل ان تجود علي  
 ایستادم از رحمت ترا پس ای اهل بزرگواری ایستادم  
 المذنبين لبعثه رحمتك الهی ان كان ذنب  
 گناه کاران بجز رحمت خود از من ایستادم که گناه من

قد اخافني فان حزنك بك قد اجازني الهی  
 در حق تو خدایت نمودم پس بر من ایستادم که گناه من تو به منکران تو  
 لیس تشبه مسئلتی مسئله الشايلين لان  
 نیست شبیه سوال کردن من سوال سوال کننده گان پس ایستادم  
 الشايل اذا اذع امتنع عن السؤال وانا لا اذع  
 سوال کننده. هرگاه امتنع از من می نمود از سوال و منم نیست غیر  
 بی عیاشا لئلا علی کل حال الهی ارض عینی فان  
 در ایام امانت سوال بکنم از تو بر هر حال که میخوام عیاشی من  
 لم ترض عینی فاعف عینی فقد بعثوا التبتد عن عینی  
 تو نرضایت از من پس بخش بر من پس بخش تو ایستادم که ایستادم  
 وهو عنه غير راض الهی كيف ادعوك وانا  
 و ایستادم که ایستادم از من و منم نیست مستحق از من  
 انا ام كيف ابلس منك وانت انت الهی ان  
 منم نیست از من و ایستادم که ایستادم از من و ایستادم از من  
 قضی قائمه بین يدك وقد اظلم احسن  
 قضی شد استقامت پس تو و در حق من ایستادم که ایستادم از من







وَقَدْ أَحْسَنَتْ لِي إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِلْعَصَائِبِ مِنْ  
 وَتَجَنَّبَ حَسَنَ نَوِي مِنْ بَرَاءِ شَرِّهَا كَمَا أَنَّ  
 الْمُسْلِمِينَ فَلَا تَقْضِيَنِي بِهَا يَوْمَ الْعِزَّةِ عَلَى رُؤْسِ  
 طَائِفَةٍ مِنْهُمْ بِمَا لَمْ يَكُنْ مِنْهُمْ فِي حَسَنَتِهِمْ  
 الْعَالَمِينَ **اللَّهُ** جُودٌ لَمْ يَبْطَأْ أَمَلِي وَتُكْرَمٌ  
 أَلِ دَالِمٍ حَقْدًا عَجْشٌ زِيَّ بِنُورِهِ أَسْرَى وَشَكَرٌ  
 فَبَلَّ عَلَيَّ قَسْرِي يَلْعَانِيكَ عِنْدَ اقْتِرَابِ أَجَلِي  
 بِشَرِّهِ عَلَيَّ مِنْ بَرِّهِ عِنْدَ اقْتِرَابِ حَقْدِي دُونَ تَوَكُّلِي بِهِ  
**اللَّهُ** لَبَسَ عِذَارِي إِيَّاكَ إِعْتِدَارِي مَنْ  
 عَادَا نِيَّتَ عِذْرِي مِنْ بَرِّهِ وَاعْتَدَى لِي  
 كَسَفْتِي عَنْ قَبُولِ عَذْرِي فَأَجْبَلْ عَذْرِي بِأَجْبَرِ  
 سَتْفِي بِهِمْ فِي قَبُولِ عَذْرِي بِسَتْفِي لِي عَذْرِي أَيْ هَبْتِي  
 مِنْ عِذْرِي إِلَيْهِ الْمُسْتَهْوُونَ **اللَّهُ** لَا تُؤَدِّي  
 لِي كَعَذْرِي عِزَّتِي لَوْلَا كَمَا كَانَ الْإِسْلَامُ فِي كَرْدَانِهَا  
 فِي حَاجَتِي قَدْ أَقْبَبْتُ عَمْرِي فِي طَلِبَتِي مِنْكَ  
 « حَبْرٌ لَمْ يَأْخُذْ بِمَعْرِفَتِي عِزَّتِي مِنْ طَلِبَتِي لَوْلَا

وَهِيَ الْمُغْفِرَةُ **اللَّهُ** لَوْ أَرَدْتُ إِهَابَتِي لَمْ يَهْدِيَنِي  
 وَاللَّيْلِ إِتْرَافَتِ الْعِزَّتِي الْخَوَافِي خَيْرًا يَدِي عَابَتِي لَمْ يَهْدِيَنِي  
 وَلَوْ أَرَدْتُ فَصِيحَتِي لَمْ تَسْرُبْنِي فَيُعْنِي بِمَا لَهُ قَدْ  
 دَاوَى خَوَافِي بِالْوَقْفَةِ لَمْ يَسْرُبْ عِزَّتِي بِمَا لَمْ يَسْرُبْ عِزَّتِي  
 قَدْ بَلَّيْتُ وَأَدِيمُ لِي مَا يَرِيهِ سَتْرُفِي **اللَّهُ** مَا وَصَفْتُكَ  
 بِرَيْتُ كَرِيْمًا دَالِمًا بِرَاءً كَثِيرًا بِرَيْتُ بَرِّكَ الْإِسْلَامِي كَثِيرًا بِرَيْتُ  
 مِنْ بَلَاءِ ابْنَتَيْتِيهِ أَوْ إِحْسَانِ أَوْلِيَّتَيْتِيهِ  
 لَوْلَا بَلَاءُ كَرِيْمَتِي لَوْلَا بَلَاءُ كَرِيْمَتِي لَوْلَا بَلَاءُ  
 فَمِثْلُ ذَلِكَ يَمِينُكَ فَصَلِّتُهُ وَعَقُولُ تَمَامُ ذَلِكَ إِنْ  
 بِرَيْتُ نِيَّتَ بَرِّكَ كَرِيْمًا دَالِمًا بِرَيْتُ نِيَّتَ بَرِّكَ  
**اللَّهُ** لَوْلَا مَا وَفَّقْتُ مِنَ الذُّبُوبِ مَا  
 نَامَ نَادِي الْإِسْلَامِي الْبَرِّمْ كَثِيرًا بِرَيْتُ نِيَّتَ بَرِّكَ  
 قَوَّفْتُ عِزَّتِيكَ وَلَوْلَا مَا عَرَفْتُ مِنْ كَرَمِكَ مَا  
 قَوَّفْتُ نِيَّتِي لَوْلَا مَا عَرَفْتُ دَالِمًا نِيَّتِي بِرَيْتُ نِيَّتَ بَرِّكَ  
 رَجُوتُ تَوَابِكَ وَأَنْتَ أَوْلَى الْأَكْرَمِينَ بِخِيَابِي  
 بِرَيْتُ نِيَّتَ بَرِّكَ لَوْلَا مَا عَرَفْتُ دَالِمًا نِيَّتِي بِرَيْتُ نِيَّتَ بَرِّكَ



آمِلِ الْأَمِلِينَ وَارْحَمِ مَنِ اسْتَرْحَمَ فِي حَاوِزِهِ  
 از روی اندوختن در هر کس که از لطف من است در کشتن  
 عَنِ الْمَذْنِبِينَ **الهي** تَقْسِي تَمَثَلِي يَا نَكَّ تَعْقِلِي  
 از گناهکاران ای خداوند من با اندوختن با نیکوئی همانند  
 فَأَكْرَمَ بِهَا أَمْنِيَّةَ كَثْرَتِ يَعْقُوكَ صِدْقِي بِرِ  
 پس از آنکه با او از روی کثرت داد بچشم تو پس است گدازان بر خود  
 مَيْشِرَاتٍ مَيْشِرَاتٍ وَهَبْ لِي بِجُودِكَ مَكْتَرَاتٍ  
 بشارتی از روی داد و بچشم بر کم خود چیزی را از کفایت  
 جَذِبْهَا **الهي** الْفَيْئِي الْحَسَنَاتُ بَيْنَ جُودِكَ  
 جانت باقی تا ای خداوند از نعمت ما تو ایس بیان بخشش تو  
 وَكَرَمِكَ وَالْفَيْئِي السَّيِّئَاتُ بَيْنَ حَيْوَتِكَ  
 و کم و داد نعمت ما کن ایس بیان عجز تو  
 مَغْفِرَتِكَ وَقَدْ جَوْتُ الْأَضْيَعُ بَيْنَ دِينِي وَ  
 از پیش تو و بخشش امید دارم که ضایع شود میان این دنیا و آخرت  
 دِينِ مَيْسِي وَحَسْنِ **الهي** إِذَا اسْتَهْدَى الْإِبْرَاءُ  
 این دنیا که با این دنیا و آخرت ایس بیان هرگاه مشاهدت شود از این بیان

انور

يُوَجِّدِكَ وَأَنْظُرُ لِيَابِي بِمَجِيدِكَ وَرَدَّ لِي  
 بترسد و گدازی تو و همیشه زدن با دکان از گداز دهانت کرد  
 الْقُرْآنُ عَلَى قَوَائِدِ جُودِكَ فَكَيْفَ لَا يَدْبَحُ  
 قرآن بر زود بترسی کم تو پس بگردد خوشحال شود  
 رَجَائِي بِحَسْنِ مَوْعُودِكَ **الهي** تَتَابِعُ إِحْسَانِكَ  
 همین بر نیکی و دلمه تو ای خداوند در اولت بگردد  
 إِنْ بَدَلْتَنِي عَلَى حَسْنِ نَظَرِكَ لِي فَكَيْفَ تَبْتَعُ أَمْرِي  
 بوی من ده لطف بر سبب و نظرت تو مرا پس بگردد شفیق بر خود مردم  
 حَسَنَ لَكَ مِنْدَ النَّظَرِ **الهي** إِنْ نَظَرْتُ إِنْ  
 نیکی است از ایاد از تو ایست نظرت خداوند از نظر کنی بوی من  
 بِالْهَلَاكِ عَجُونٍ سَخَطِكَ فَمَا نَأْمَتْ عَنِ اسْتِنْقَاةِ  
 بهاکت چشمهای غدا تو پس بجزاب زده از نجات من  
 مِنْهَا عَجُونٌ رَحِيمِكَ **الهي** إِنْ عَرَضَنِي دِينِي  
 از نظر تو چشمهای رحمت تو ای خداوند اگر عرض کند مرا کن من  
 لِعِفَائِكَ فَغَدَّ دُنَايِي رَجَائِي مِنْ تَوَائِلِكَ **الهي**  
 بجزاب تو پس بخشش تو بگردد ایس بیان همین بجزاب تو خداوند



ان عَصَوْتُ فِیْضَلِكُمْ وَاِنْ عَذَبْتُ فِیْ عَذَابِكُمْ

*اگر بگویی مرا بس فضل تو و اگر عذاب کنی مرا بس عذاب تو*

فَبِمَنْ لَّا يُوْجِیْ اِلَّا فَضْلُهُ وَاَلَا خَافُ اِلَّا عَدْلَهُ

*بر آن کسی که بپروردگارش جز رحمت او و خوف او نیست مگر عدل او*

صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاٰمِنٌ عَلَيْنَا بِفَضْلِكَ

*صلوات بر محمد و آل محمد و ما را از فضل خود*

لَا تَسْتَفِیْضِعْ عَلَيْنَا فِیْ عَذَابِكَ **اللّٰهُ** خَلَقْتَ لِي

*فصل نغز ما بر ما بجهل خود عذاب خود خلقی از ما*

جِسْمًا وَاَجَلْتَ لِيْ فِیْهِ الْاٰنِ اِطْعَمَ بِهَا وَاَعَصَبَ وَاَنْخَبَ لِيْ بِهَا وَاَرْضَبَ لِيْ بِهَا وَاَجَلْتَ لِيْ مِنْ نَفْسِيْ دَاعِيَةً اِلَى السَّهْوَانِ وَاَسْكَنْتَنِيْ دَارًا قَدْ مَلِئْتُ مِنَ الْاَفَاكِنِ ثُمَّ قُلْتَ لِيْ اَنْزِلْ

*دعا تو ای که پروردگار من را از همتی بس گویی مرا غفلت کن*

بِر

وَبَدَّ اَعْيُنَهُمْ وَاَسْجَرَ وَاَسْجَرَ وَاَسْجَرَ وَاَسْجَرَ

*و آن بزم محفلت برجم از انوار سخن تو بر زبانم زبانی در روزی که بگویم آنچه در قلوبم نهفته است*

لِيَا بُرَيْدِكَ وَاَسْأَلُكَ بِاَمْوَالِيْ فَاِنْ سُوْا لِيْ

*بخش منی است در مال من از آن آتایی بس برحق بر مال من*

لَا تُخَيِّبْ **اللّٰهُ** اَرْعَوْلَ دُعَاءٍ وَاَوْجِ لِيْ اَلْاَمِيْلَ

*مخفی نیست از انوار تو در مسکن دعا می بکنم که مال من برسد*

دُعَاءَ مَوْلَاهُ وَاَنْضِعُ اِلَيْكَ تَضَرُّعًا مِنْ قَدْرِيْ

*دعا او از مالش را در آید بگویم بگو در زاری کسی که صفت او را در آن روز بطن خود بگفت در دعای خود از انوار تو*

اَوْ عَلٰی نَفْسِيْ بِالْحُجَّةِ فِیْ دَعْوَاهُ **اللّٰهُ** لَوْ اَعْرَفْتُ اَعْيُنًا اَرَامِنَ الذَّنْبِ فِی النَّصِيْلِ اَلْبَلِغِ

*اگر می دانستم عذر گناهان از کف در سپید گناه کمال برکت من از اعتراف به لا یبئنه قطب لی ذنبی از اعتراف بگناه که در روزی از بس با او را کنی مرا*

بِالْاِعْتِرَافِ وَلَا تُؤَدِّبْنِيْ بِالْحُبْدَةِ عِنْدَ الْاَضْرَابِ

*با اعتراف نزن در کف مرا بنا بریدی از درز برکت من*



اللّٰهُ سَعَتْ نَفْسِي إِلَيْكَ لِنَفْسِي تَنَوَّهْتُهَا

*از دل من سوزد نفس من بود ز نفس مرا طبع سخن بگفته اند*

وَفَحَّتْ أَفْوَاهُهَا تَحْوِظُ مِنْكَ لِأَنَّ تَوَجُّهَهَا

*دگرزده است و منبها و فواجا ب نظر من است که سر ز جبهت*

فَهَبَ لَهَا مَا سَأَلَتْ وَجَدَ عَلَيْهَا بِمَا طَلَبَتْ

*پس بخش او را آنچه بر او گفته و کم تا بر او آنچه میطلبید*

فَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ يَخْشَوْنَ آمِلِ الْأَيْلِينَ

*پس برترین گوی ای که دگر دارنده نام دادی بچنین شدن از روی از دور از برین*

اللّٰهُ فَمَا أَصَبْتُ مِنَ الذُّرُوبِ مَا قَدْ عَرَفْتُ

*منازدها بچنین مرتبه شوم از گناهان آنچه بگفته دانسته*

وَأَسْرَفْتُ عَلَى نَفْسِي بِمَا قَدْ عَلِمْتُ فَأَجْعَلْنِي

*دهراف نمودم بر نفس خود آنچه دانسته ام پس گردان مرا*

عَبْدَ الْإِطَاعِ بِمَا كَوَّنْتَهُ وَإِنَّمَا عَاصِمًا

*بنده بگفته است تو بنام پس اگر نام بنامی در آنچه مرا کرده ای*

وَحَمِيدٌ **اللّٰهُ** كَأَنِّي بِنَفْسِي فَمَا صَبِحْتُ فِي

*پس صبح کنی بن منازدها که با من بفس خود بچنین صبح کردم در*

حَفَرْتُهَا وَأَنْصَرَفَ عَنْهَا الْمُشْتَعُونَ مِنْ جِبْرِيلِهَا

*خبر خود دو آورید از آن شربت کتکمان از من بگردد*

بَلَى الْغَرِيبُ عَلَيْهَا الْغَرِيبُهَا وَجَادَ بِالذُّرُوعِ عَلَيْهَا

*ای برادر غریب بسخت غریبت او و پیش نرود بر او*

الْمُشْتَعُونَ مِنْ عَشِيرَتِهَا وَنَادَتْهَا مِنْ سَخِيرِ

*شغفت از آن از آن آداب او و نوا کرد او از اطراف*

الْعَبِيدِ ذُرُوعًا وَمَوَدَّةً وَرَحْمَةً الْمَعَادِي لَهَا

*قربان در دوستان او در هم نرود یاد دشمنان او*

فِي الْحَيَاةِ عِنْدَ صَرَعِهَا وَمِنْ خَفِّ عَلَى الشَّاطِرِينَ

*در حیات او در روز بهوشی او در خوف کرد و نظر کند گمان*

إِلَيْهَا عِنْدَ ذَلِكَ ضَرْفًا فِيهَا وَلَا عَلَى مَنْ رَأَاهَا

*پس او نزد هر چه در رخسار او در آن وقت کسی که در آن*

فَلَتَوَسَّدَ الثُّرَى عَجْرَ جِلْدِهَا هَلَّتْ مَلَا

*بچنین پیش نرود خاک او در آن زمانه از چاه پس نرود او را گمان*

قَرِيبًا نَأَى عَنْهُ الْأَفْوُونَ وَوَجِدَ جَنَاهُ

*شاید در شرف از او نزدیکان او شرف نامند چنانچه از او*



الاهلون قول لي قريبا واصبح في الحد عرا  
*انما كسر اهل واهل اهل من ذكركم واهل من ذكركم واهل من ذكركم*  
 وقد كان لي في اربال الدنيا داعيا ولنظري  
*يعني هو واهل من ذكركم واهل من ذكركم واهل من ذكركم*  
 اليه في هذا اليوم راجيا فحين عيذ ذلك  
*لوي او واهل من ذكركم واهل من ذكركم واهل من ذكركم*  
 ضيافتي ويكون رحم من اهلي وقواي الله  
*وهي اني واهل من ذكركم واهل من ذكركم واهل من ذكركم*  
 لو طبقت ذنوبي ما باين السماء الى الارض  
*بما كسر اهل واهل اهل من ذكركم واهل من ذكركم واهل من ذكركم*  
 وخوفت النجوم وبلغت امقل الثرى ما ردت  
*وكسر واهل من ذكركم واهل من ذكركم واهل من ذكركم*  
 الياس عن نوح عظامك ولا صرقتي القنوط  
*ياوس او نوح عظامك واهل من ذكركم واهل من ذكركم*  
 عن ابيغاء رضوانك الله دعوتك بالدعاء  
*او طبقت ذنوبي واهل من ذكركم واهل من ذكركم واهل من ذكركم*

الذي

الذي علمتني به فلا تخزني خزاك الذي وعقدت  
*انما كسر اهل واهل اهل من ذكركم واهل من ذكركم واهل من ذكركم*  
 من النعمية ان هديتني بحسن دعائك ومن  
*لوي او واهل من ذكركم واهل من ذكركم واهل من ذكركم*  
 بما فيها ان نوح لي نحو ذرايعك الهى و  
*تاهل او واهل من ذكركم واهل من ذكركم واهل من ذكركم*  
 عزيك وجلالك لقد احببتك تحبة استغرت  
*بموت واهل من ذكركم واهل من ذكركم واهل من ذكركم*  
 حلا ونها في قلبي وما سعت قد صارت موحديك  
*بموت او واهل من ذكركم واهل من ذكركم واهل من ذكركم*  
 على انك نبغض محبتك الهى انتظر عفوكم كما  
*بموت او واهل من ذكركم واهل من ذكركم واهل من ذكركم*  
 بديع المديون ولست اطلب من رحمتك الهى  
*بموت او واهل من ذكركم واهل من ذكركم واهل من ذكركم*  
 بوقوعها المحنون الهى لا تضرب على فلتك  
*او واهل من ذكركم واهل من ذكركم واهل من ذكركم*



أَفْوَىٰ لِيضِيكَ وَلَا لِنَخْطِ عَلَيَّ فَلَسْتَ أَفْوَىٰ  
 زانا *بمحل نخبه در وقت زخم خوردن پس زمین من که در سالک است*  
 لِيَخْطِكَ **اللّٰهُ** الْلِنَارِ رَبِّ بَيْتِي أَيْ فَلَيْسَتْهَا لَمْ  
 که محل عذر از من خداوند ای از آن است در پیش ظهور او در پیش من که در وقت  
 قَرِيبِي أُمُّ لِي الشِّفَاءِ وَكَدَنِي فَلَيْسَتْهَا لَمْ يَلِدْنِي  
 زبیر را *از ای شفاء زاید است پس کدنی ز زبیر است*  
**اللّٰهُ** أَنْفَسْتُ عَجْرَانِي حِينَ ذَكَرْتُ عَشْرَانِي  
 ای همان روان بود شکم من ای کعبی که پادشاهم کنان بود  
 وَمَا كُنْتُ لَأَنْتَهِيْلُ وَلَا أَدْرِي إِلَىٰ مَا يَكُونُ  
 آنچه از آن است نمی شد از آن که در سر من بود چه پیش  
 مَصْبِرِي وَعَلَىٰ مَا ذَا أَبْجُمُ عِنْدَ الْبِلَاعِ  
 بگشت من *در چه عجزت من بجزم نزد رسیدن*  
 مَبْرِي وَأَرَىٰ نَفْسِي تَخَابِئِي وَأَبَا حِي تَخَادِ  
 نفس من *دری هستم نفس خود را که خجسته را از آن است که رسیدن*  
 وَفَلَحَقْتُ عُنْدَ رَبِّي أَيْ حَيْضَةُ الْمَوْتِ وَرَبِّي  
 وحققت ای من نزد سر من بهای مرگ و زخم بر تو

لایز

مِنْ قَرِيبٍ أَعْبَسَ الْفَوْبُ فَمَا عَذْرِي وَقَدْ حَسَا  
 از نزدیک بچشم زت پس چه عذر است و بچشم بر تو  
 مَسَامِعِي رَافِعِ الصَّوْتِ **اللّٰهُ** لَقَدْ رَجَوْتُ مِنْ  
 گوشهای را برافزود از آن که خداوند بخش امید دارم من کنی  
 الْبَيْتِ بَيْنَ الْأَحْبَاءِ ثَوْبٌ غَافِقِيهِ الْأَبْرَجِي  
 که پیش از میان زیان زمانه جبهه غایت بگذرند  
 مِنْهُ بَيْنَ الْأَمْوَالِ يُجْوِدُ رَافِقِيهِ وَقَدْ رَجَوْتُ  
 ازین بر میان مردا بگرم رحمت خود بخش امید دارم  
 مِمَّنْ تَوَلَّانِي فِي حَيَاتِي يَا حَيِّ انْ شَفَعَهُ لِي  
 آنکه بگذردت که در ایام حجرت من همان خود بگردد شفاعت نماید از آن  
 وَفَالِي يُعْقِرَانِي يَا أَيُّسَ كُلِّ عَرَبٍ انْتِرَعِي  
 وفات من بفرمان از آن تو ای من هر عرب را پس در  
 الْعَبْرِ عَرَبِي وَبِأَثَانِي كُلِّ وَجِيدٍ ارْحَمِي فِي الْعَبْرِ  
 غیر عربی را ای در آن تو ای من هر سبب را در هر که در غیر  
 وَحَدَنِي وَبِأَعْلَامِ السِّيرِ وَالنَّجْوَىٰ وَبِأَكَا شِفَا الصُّرِّ  
 شایان را ای در آن تو ای من هر سخن را ای در آن تو ای من



وَالْبَلَوُى كَيْفَ نَفَرْنَا لِي بَيْنَ مَكَانِ التَّوْبَى

*دلا ۴ چگونه تفرقت زمین میان ساکنان خاک*

وَكَيْفَ صَبَعْنَا إِلَى فِي دَارِ الْوَحْشَةِ وَالْبِلَى

*و چگونه تفرقت رهزانه بر زمین در خانه وحشت دلا*

فَصَدَّقْنَا فِي كَيْفِهَا آتَامَ جَبْوَةِ الدُّنْيَا بَا أَضَلَّ

*پس تحقیق چنانچه ایمن در کف و دام در ایام نذولی دنیا ای بستر*

الْمُنْعَمِينَ فِي الْأَيَّامِ وَأَنْعَمَ الْمُفْضِلِينَ فِي تَعْلَمِ

*نفت در مکران در مکران بفرموده در وقت در فضل داران در وقت چون*

كُنْتُ أَيَادِيكَ عِنْدِي فَخَرْتُ عَنْ إِحْصَائِهَا

*بسیار است فتیله از تو آن پس تفرقت از شماره آنها*

وَصِفْتُ دَرْعًا فِي مَشَايِ لَكَ يَجْرَأُهَا فَلَا لِحْدُ

*و گفتم در مکران در مشایق مرتقا بجای لبت پس انداز لبت*

عَلَى مَا أَوْلَيْتَ وَكَذَلِكَ عَلَى مَا أَبْلَيْتَ جَاهَا

*و آنچه ترا دادیم و از برای تو مقرر کردیم آنچه عطا نمودیم از این*

مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَأَفْضَلَ مِنْ رَجَاءِ رَجَاءٍ يَدْرِمُهُ

*کسی که بخواند او را و کسی که بیشتر کسی که بیدار بود بر وقت و هر*

السلام

الْإِسْلَامِ أَوْ تَسَلُّوا إِلَيْكَ وَجِزْمَةَ الْقُرْآنِ أَعْيَدُ

*سوره موعود بر نام برود کجاست قرآن عطا کند*

عَلَيْكَ وَبِحَبْلِ مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ الْقَرَّبِ إِلَيْكَ فَصَلِّ

*بر تو و بحبل محمد و آل محمد تقرب بچشم برود تو سر حرمت*

عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ وَأَعْرِفْ ذِمَّتِي الَّتِي رَجَوْتُ بِهَا

*بر محمد و آل محمد و بشناسان ذمه مرا که بهر نام با*

فَضَاءً حَاجِبِي بِحَبْلِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ثُمَّ أَفْبَلُ

*برادون عجبش بخت تو ای رحیمتر از رحمتت که ای پس درود*

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى فِضَاءٍ بِهَا مَبْنُوءَاتُهَا

*امیر المؤمنین بر سلام بر عرش خود عجايب را بخت ای*

الْمُنَاجِي رَبِّي بِأَنْوَاعِ الْكَلَامِ وَالطَّالِبُ مِنْهُ

*مناجیه کننده بر او در انواع کلام و طلب کننده از او*

مَسْكَاةً فِي دَارِ السَّلَامِ وَالْمُسَوِّفُ بِاللَّوْثِ عَامَا

*مسکانه در دار السلام و مسووف با لوث عامه*

بَعْدَ عَامٍ مَا آرَاكَ مُنْصِيفًا لِنَفْسِكَ مِنْ بَيْنِ

*بعد از سال که بینی با من تا ایضا منزه در نفس خود از میان*











مُعَايِنَةُ الْمُؤْتِ **الهي** الْأَمَانِ الْأَمَانِ  
 شهادت برک ای عباد من امان امان  
 عِنْدَهُوَلِ الْمُطَّلِعِ وَعِنْدَ الْوُفُوفِ بَيْنَ يَدَيْهِ **الهي**  
 نزد پروردگارش و درگاه او ایستادن پیش روی تو **الهي**  
 الْأَمَانِ الْأَمَانِ عِنْدَهُوَلِ الْفَهْمِ وَشِدَائِدِهَا  
 امان امان نزد پروردگارش و درگاه او ایستادن پیش روی تو  
**الهي** الْأَمَانِ الْأَمَانِ يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ  
 ای عباد من امان امان روزی که مردم مثل پرده  
 الْمَبْتُوثِ **الهي** الْأَمَانِ الْأَمَانِ يَوْمَ تَقُومُ  
 برکند ای عباد من امان امان روزی که همه می ایستند  
 النَّاسُ رَبِّ الْعَالَمِينَ **الهي** الْأَمَانِ الْأَمَانِ  
 مردم بگفته اند پروردگارش ای امان امان  
 يَوْمَ لَا يَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ  
 روزی که هیچ نفسی بر نفسی چیزی ندارد و امر در آن روز  
 لِلَّهِ **الهي** الْأَمَانِ الْأَمَانِ يَوْمَ يَبْضُجُ وُجُوهٌ  
 برضایت پروردگارش امان امان روزی که بچرخند رویها

وَتَوَدُّ وُجُوهَ **الهي** الْأَمَانِ الْأَمَانِ يَوْمَ يَفِرُّ  
 و سپاه برضایت پروردگارش امان امان روزی که فرار  
 الْمُرءُ مِنْ أَخِيهِ وَأَقِبَهُ وَأَبِيهِ وَصَاحِبِيهِ وَ  
 مرد از برادرش و مادرش و پدرش و از شوهرش و از برادرش  
 لِكُلِّ مِمَّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ أَنْ يُغْنِيَهُ **الهي** الْأَمَانِ  
 از برای هر مردی از ایشان روزی که بهایش زود او را امان امان  
 الْأَمَانِ يَوْمَ يَهُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا  
 امان روزی که روحی هستند روح در صفی که صف کشیده  
 لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ  
 کسی می گویند کسی که اذن پروردگارش از او بگوید  
 صَوَابًا **الهي** الْأَمَانِ الْأَمَانِ يَوْمَ يَنْظُرُ الْمُرءُ  
 صحابت پروردگارش امان امان روزی که نظر میکند مرد  
 مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ بِالْإِسْنِي كُنْتُ  
 آنچه پیش از او کردش برضایت پروردگارش و می گوید کافر ای کاش می بودم  
 وَأَبَا **الهي** الْأَمَانِ الْأَمَانِ يَوْمَ كَانَ عَقْدُ  
 خاک پروردگارش امان امان روزی که همه می ایستند

از پروردگارش



خَبِيرٍ فَاصْبِرْ صَبْرًا جَدِيدًا **الهي الامان**  
 بمانه بمانه... بمانه بمانه...  
**الامان يوم يوذ الخرم** لو يفتدي من عذاب  
 لان...  
**يومئذ يبينه وصالجه واخيه الهي الامان**  
 روزی...  
**الامان يوم تجف الواجبه ثلثها الوارثه**  
 لان...  
**قلوب يومئذ واجبه ابصارها خاشعه**  
 روزی...  
**الهي الامان الامان يوم يوزن الملكة لا يبري**  
 خدای...  
**يومئذ للمجرمين وبقولهم جحور الهي الامان**  
 روزی...  
**الامان يوم بعض الظالم على يد يه وبقول**  
 لان...

بمانه بمانه...  
 روزی...  
 روزی...

**بالبني اخذت مع الرسول سبيلا با وبقلي**  
 ای که...  
**لبني لم اخذ فلما اخذت الهي الامان الامان**  
 ای که...  
**يوم يجعل ولدان شيا الساء منقطين وكا**  
 روزی...  
**وعده مقولا الهي الامان الامان يوم**  
 وعده...  
**فقول لجهنم هل املاك وبقول هل من مزيد**  
 بگو...  
**الهي الامان الامان يوم يعنى مولى عن مولى**  
 خدای...  
**شياء ولا هم بضرون الهي الامان الامان**  
 چیز...  
**يوم ياتي كل نفس ما كسبت وهم لا يظلمون الهي**  
 روزی...

سوره نوره...  
 روزی...

مولى از او گسند و از او گسند...  
 شده و از او گسند و از او گسند...  
 بگو...  
 روزی...  
 روزی...



الْأَمَانَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ

*لان لان رسيدك جزا داده ميشود نفس بول از نفسی*

شِبَاءٌ وَلَا يُعْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا

*چیزی در سبب بگوشه از نفسی شفاعت و اگر چه بشود از*

عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُبْصَرُونَ إِلَهِي الْأَمَانَ الْأَمَانَ

*عدل و در پناه منی که بشود خدا لان لان*

يَوْمَ قُورِنًا يُنَادِيهِمْ لِكُلِّ فِرْقَةٍ شَيْءٌ أَرْسَلْنَا

*روز که نفسی در روز منی از هر گروهی که بشود از هر گروهی که بشود از هر گروهی که بشود*

وَنُصِّعُ كُلَّ فِرْقَةٍ خَلْقَهَا وَنُورِي النَّاسَ

*بسیکند از هر گروهی که بشود نور خدا و نور منی مردم را*

سُكَّارٍ وَمَا هُمْ بِبُكَارٍ وَلَكِنَّ

*مستگان و اینستند اینستند مستگان و اینستند*

عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدًا إِلَهِي الْأَمَانَ الْأَمَانَ

*عذاب است سخت عذاب لان لان*

يَوْمَ أَزْفَرُ الْأَرْقَمَ لِنَسْرِ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَانَتْ تُعَذِّبُ

*روز که نزدیک شود منی بپسند از برای او از دوزخ غیر از خدا بر طرف راست منی*

*بغیر کردن استناده نفسی بوی  
اعض و از دور است خستیا*

إِلَهِي الْأَمَانَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدٍ

*خدا لان لان روز که جزا کرده بشود پدری بول پدری*

وَلَا مَوْلُوهُمْ جُورًا عَنْ وَالِدِهِمْ شِبَاءٌ إِنْ وَعَدَ

*دینت بر سر که جزا داده شود بول پدری چیزی در سبب و عدل*

حَقَّ إِلَهِي الْأَمَانَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ

*حق است خدا لان لان روز که نفع نبرد مال و*

لَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ إِلَهِي

*نه سستند زود کسی باید بپسند خدا بول سقیم خدا*

الْأَمَانَ الْأَمَانَ بِحَمْدِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَيُحَقِّقُ

*لان بود لان بود بکن حمد و آل محمد و آل محمد و این*

الْأَيْدِيَاءَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْأَيْمَةَ الرَّاشِدِينَ

*بمزان در سبب و جمله و پسران و صاحب رشت*

الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ يَوْمَ حَمْدِ بَا أَرْحَمَ

*که پاکان و پاکیزه گانند برکت خود ای او که کند برین*

مُنَاجَاتٍ يَبْكُ الرَّاحِمِينَ أَخْضَرُ عَلَيْهِ السَّلَاةُ

*رو کند*

*باز است اسرار*



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ إِلَيْكَ اسْتَجِبْ

وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَأَكْفِئْنِي بِمَا كَفَى أَمْرَ الدُّنْيَا وَ

الْآخِرَةِ وَرَجِّعْهُمَا أَنَا عَبْدُكَ يَا بِيابِكَ هَبْ لَكَ

يَا بِيابِكَ يَا بِيابِكَ يَا بِيابِكَ يَا بِيابِكَ يَا بِيابِكَ

يَا بِيابِكَ يَا بِيابِكَ يَا بِيابِكَ يَا بِيابِكَ يَا بِيابِكَ

يَا بِيابِكَ يَا بِيابِكَ يَا بِيابِكَ يَا بِيابِكَ يَا بِيابِكَ

يَا بِيابِكَ يَا بِيابِكَ يَا بِيابِكَ يَا بِيابِكَ يَا بِيابِكَ

الغائبين المفرق بيايك يا ارحم الراحمين الظالم

بيايك يا مامل الظالمين المسمى بيايك

الباش الخاشع بيايك ارحمني يا مولاي مولاي

مولاى انت الغاير وانا المسمى وهل يرحم

المسمى الا الغاير مولاى مولاى انت الرب

وانا العبد وهل يرحم العبد الا الرب وانا

مولاى انت المالك وانا المملوك وهل يرحم

المملوك الا المالك مولاى مولاى انت الغاير







وَأَنَا الذَّلِيلُ وَهَلْ يَحْمُ الذَّلِيلُ إِلَّا الْعَزِيزُ  
 مَوْلَايَ مَوْلَايَ أَنْتَ الْفَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ  
 وَهَلْ يَحْمُ الضَّعِيفَ إِلَّا الْفَوِيُّ مَوْلَايَ مَوْلَايَ  
 أَنْتَ الْكَرِيمُ وَأَنَا الْكَنِيمُ وَهَلْ يَحْمُ الْكَنِيمَ إِلَّا  
 الْكَرِيمُ مَوْلَايَ مَوْلَايَ أَنْتَ الْوَارِثُ وَأَنَا  
 الْمَرْذُوقُ وَهَلْ يَحْمُ الْمَرْذُوقَ إِلَّا الْوَارِثُ  
 مَوْلَايَ مَوْلَايَ أَنَا الضَّعِيفُ وَأَنَا الذَّلِيلُ  
 وَأَنَا الْحَبِيرُ وَأَنْتَ الْفَوِيُّ وَأَنْتَ الْخَتَانُ وَأَنْتَ

المتنان

المتنانُ وَأَنْتَ الْغَفَّارُ إِلَهِي أَسْئَلُكَ الْأَمَانَ الْأَمَانَ  
 فِي ظِلِّهِ الْقُبُورُ وَصَبَقِيهَا إِلَهِي أَسْئَلُكَ الْأَمَانَ  
 الْأَمَانَ عِنْدَ سُؤْلِ مَنْكِرٍ وَنَكِيرٍ وَهَبْ لِيهَا  
 إِلَهِي أَسْئَلُكَ الْأَمَانَ الْأَمَانَ عِنْدَ وَحْشَتِهِ  
 الْقَبْرِ إِلَهِي أَسْئَلُكَ الْأَمَانَ الْأَمَانَ مِنْ يَوْمِ  
 كَانَ مِقْدَارُ حَيْبِنَ أَلْفَ مَسْنَةٍ إِلَهِي أَسْئَلُكَ  
 الْأَمَانَ الْأَمَانَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ قَصِيفُونَ  
 فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ إِلَهِي

*صفت چون در آن آرزوی خداست سوال کن از این در این دنیا  
 در آن یکی برتر و مشکلی برتر خدا سوال کن از این  
 در این دنیا نزد سوال کن برتر در این دنیا  
 خدا سوال کن از این در این دنیا نزد جنت  
 خدا سوال کن از این در این دنیا از روی که  
 بوده است مقدار آن از پنجاه هزار سال خدا سوال کن از  
 این در این دنیا از روی که بود در صورت این بر این صورت است که  
 در این است که کسی که در این است خدا*



اسئلك الامان الامان اذا زلزلت الارض

*سوال کنم از تو ای دلا که زمین را زلزلد*

زلزالها الهی اسئلك يوم تشق السماء بالغما

*بشدت خطراتش خدایا سوال کنم از تو روزی که آسمان را بشکند*

الهی اسئلك الامان الامان يوم تطوى

*خدایا سوال کنم از تو ای دلا که روزی که زمین را جمع کند*

السماء كطي التجل للكب الهی اسئلك

*آسمان را مثل چمدان طیار بگردانند خدایا سوال کنم از تو*

الامان الامان يوم تبدل الارض غير الارض

*ای دلا که روزی که زمین را به غیر زمین بگردانند*

والسوات وبرر والله الواحد الفقار

*وایسانها وایکار بجز تو که خدایا وایکبار وایقتار*

الهی اسئلك الامان الامان يوم يظلم المرء

*خدایا سوال کنم از تو ای دلا که روزی که مرد را ظلم کند*

ما قدمت بده و يقول الكافر يا ليتني كنت

*ببخشیده باشم و بگویم کافر ای که ای کاش من بودم*

تو ابا الهی اسئلك الامان الامان يوم ينادي

*تو که خدایا سوال کنم از تو ای دلا که روزی که ندا برآورد*

من بطنائ العرش ابن العاصون و ابن المذبذبون

*از نزاعش که بر سر عرش نشینند و که بر سر زمین نشینند*

و ابن الخاضون و ابن الخائرون هلموا الى الحياتا

*و که بر سر زمین باشند و که بر سر زمین باشند بیستند به بر سر صاب*

انت تعلم سيري و علايتي فاقبل معذرتي و

*تو میدانی باطن مرا و ظاهر مرا ای که قبول کنی عذرم را*

تعلم حاجتي فاعطني سؤلي آه من كثرت الذنوب

*میدانی حاجت مرا پس بده من را ای که از بسیاری گناهان*

والعصيان آه من كثرت الظلم والجفاء و

*و عصیان ای که از بسیاری ظلم و جفایت*

الظفیان آه من النفس المظرودة آه من النفس

*سختی ای که از نفس روانه شده ای که از نفس*

المسبوعة المضووعة آه من الهوى اغثنني يا معيذ

*برای کرده شده ای که برده شده ای که از خواهشش برآورد مرا ای که*











عبدالرزاق بن يحيى  
مسئله  
عندك  
فصل

بفأ البند راسي ويظلم بها الساني إلا أن

*بني كبريا بوي تو سر و نوم را و يك يم بينه رهن و زودا كرايكه*

الوجاء في رحمتك يسوي مني فقد سمعت

*ايد و اير در رحمت تو بشي كرهت از من بس كمن بسق كرهت*

رحمتك عضبك ولا يجيني إلا النضرع البند

*رحمت تو غضب و زودا و منات عيده باو تفرغ و ذلل بوي تو*

اللهم اني انضرع اليك تضرع المذنب الخبير

*خدا و زودا تفرغ و بس بوي تو تفرغ كرهت و بقر*

وامسلك مسلك الخائف المشحير وادعوك

*و سوال كنه تو را سوال ترسان و طلب بياستنده و بخواه كرهت*

دعاء البائس الفقير وقلت وقولك الحق

*خودون با و دار و فقير و فرمودي و زودا بس رحمتت*

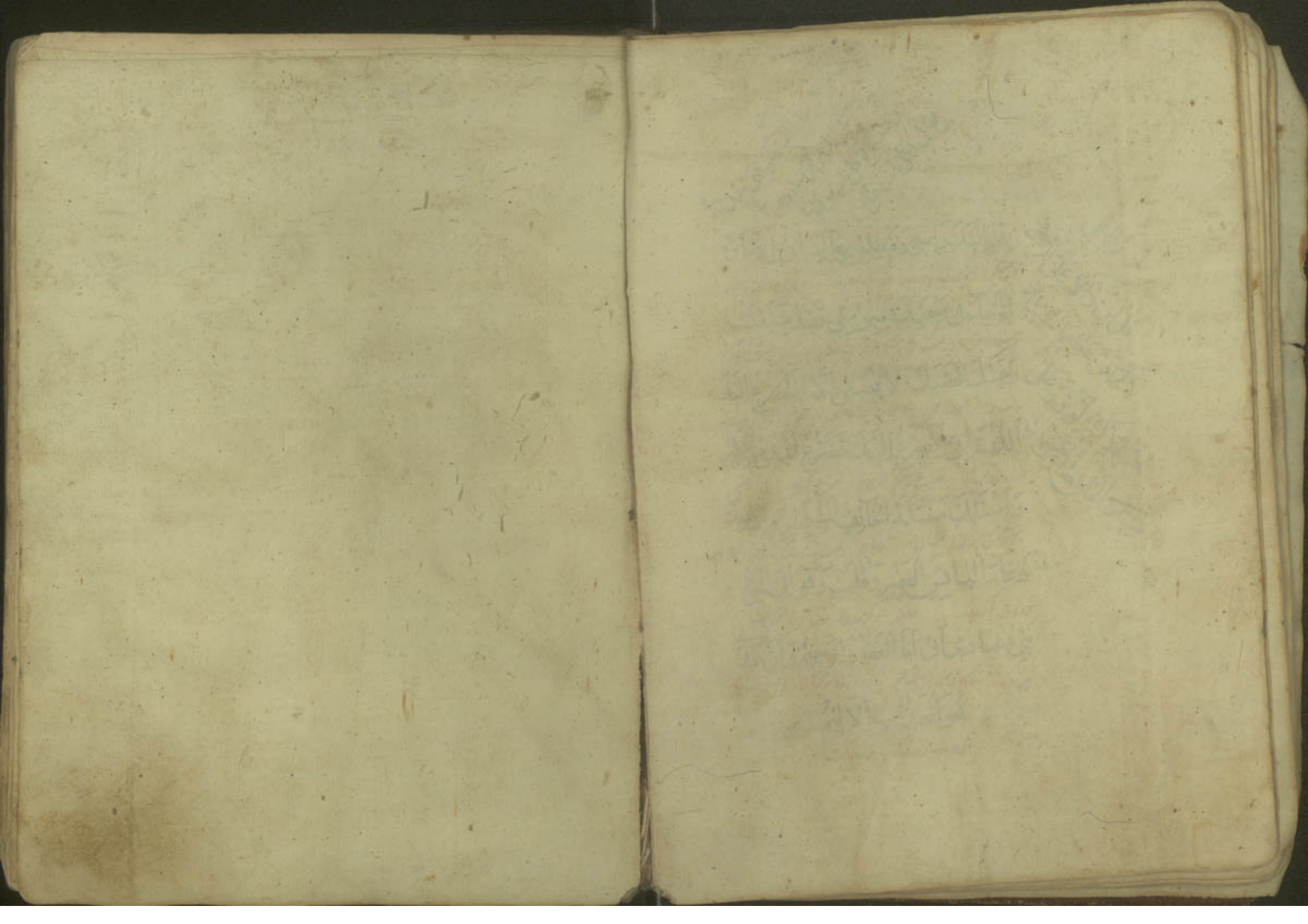
كفي عبادي ابي انا الغفور الرحيم وان عذابي

*خبره و بسكه با و بركه من با و ارزوا و بركه بنده و بسكه عذابك*

هو العذاب الاليم  
*ان عذاب من عذاب و زودا كرهت*

رابعي  
قل لمن والاعلى  
لا تخافن عظيم  
و ذللا كرهت و زودا  
سببات الخوف و كرهت







که اگر این چند آیه که در اعمای بن رضوان علیه السلام جمع کرده است  
 علی بن ابی طالب صدیق را بر سر سینه انداخته که بگفت که هر کس  
 همت از قرآن مجید استخراج نموده اند در قرآن آورده که هر کس بخواند  
 ماهیچ معصوم نباشد و جمیع مقصودات و طالب ادب و روح مرام بر آن  
 و مسکنه و طاعتی بری رسد و اگر بعد در یک پیمان در یک درخت  
 نظرات از آن گناه و شمشیر در محل امرش باشد و اگر از شمشیر رسد  
 برت ظالمی گرفتار باشد خدای عزوجل او را از شره و شمشیر و کینه حسان  
 بجات و هر در کلمات از کلمات الفرج و الشرح و الفکر و الفکر خوانند  
 و هر کس را از کفر ای دین و اول بعضی غمی را می پشاید این تالیفات را  
 البته از شرح و ابیات بطور رسیدی و هیچ مراد خواننده نشود و اگر آنکه آن  
 خود طهر شود و باید که این ابیات را بر سینه او را در هر روز بخواند

کما صد که انما فرستادت بر می طهر شود که نزدی تو فرستاده شد انما الله

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ**  
*سوره بخت نیکه در روزی در حوضه ای*  
**افْعَلْ لَنَا اَبْوَابَنَا خَيْرًا وَ قَضِ لَكَ وَ رَافِعَكَ**  
*بخت از برای ما در ای باب خیر عزت و چون عزت از شرمه هر روز*  
**وَرَحْمَتِكَ وَ رِزْقِكَ وَ كَرَمِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ**  
*در بخش عزت روزی عزت و ام عزت از شرمه این بخشه که*  
**وَ اِذَا الْعَوَالِدُ الَّذِينَ اٰمَنُوا اَلَوْ اٰمَنُوا وَاِذَا اَحَلَّ**  
*و حق که فتنه در هر روز از آن که با حق بگفتند ای ابا در طهر حق که فتنه*  
**بَعْضَهُمْ اِلَى بَعْضٍ فَاَلَوْ اَلْحَدِثُوهُمْ بِمَا فَخَّرَ اللَّهُ**  
*بعضی از آن برای بعضی گفتند ای خبر میدهد این ان با کمال این در بعضی*  
**عَلَيْكُمْ وَ كَا تُوَامِنُ قَبْلُ تَسْتَعِينُونَ عَلَى الَّذِينَ**  
*بر شما روزی از پیش طهر بخواند بر این*  
**كَفَرُوا وَ الْحَاجُّوْكُمْ يَدُ عِنْدَ رَبِّكُمْ صَعَى اللَّهُ اَنْ**  
*که که شرمه تا آنکه غم نماند با این در پیش بود و شما بر این است خدا بخواند*















المَعْرُوفِ الْمُقَدَّسِ الْمَيْمُونِ الْمُبَارَكِ أَنْ تَعْفَى  
 سرفهت منزلهت مجتهدت مبارکت بکجا پاره  
 لِي ذُنُوبِي وَتَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَتَضْرِبَ عَلَيَّ  
 لغزین کنه مرا دلاوی از اینان چتبره و قفسه می را بر  
 اَعْدَائِي وَتَقْضِيَ لِي أَسْوَابَ خَيْرِكَ وَتَقْرِضَنِي مِنْ  
 دشمنان من وکن راندن درای خیر خود را در حق دی را از  
 كُلِّ هَيْمٍ وَعَيْمٍ وَيُحْمِدُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى  
 هر ایمنی و عینی بجهت خودت انچه در آن بخشیده باشی در هر کس  
 اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 خدا بر محمد صلی الله علیه و آله  
 وَإِلَيْهِ أَجْمَعِينَ  
 و الیه اجمعین

روایت کرده است ائمه فرموده اند که هر که این دعا را بخواند در روز قیامت  
 که آنحضرت را در جوار رحمت بر او درود آید و او را در روز قیامت  
 به فضل صلی الله علیه و آله بار بار کند بفرموده که هیچ کس از این دعا را نخواند  
 سجدت اقبال لای از اسباب کورانیه یا کورانیه یا در روز قیامت که در کس از این دعا  
 در باب اول که استبانه شود و اگر کسی در کس از کس که استبانه رسیده باشد بخواند

مبارک

صدای بخانه که در ادب و طعم و از برساند و اگر بر کسی بخواند که از جوی خود  
 بر خیزد بیکت این دعا بر طرف شود و اگر بر کسی که وضع عمل بر او در آورده  
 باشد بخواند بر او اس کرد و اگر کشت در شهری فقه باشد و خانه او درین  
 ان شهر باشد و ان که بخواند خانه او از زویش کانت باید و اگر چه در جمع خواند  
 خدا یتالی کنان او را پاره زده هر کس می رسیده باشد که او مرص یا بدو اگر  
 از پادشاه رسد که طلم باشد این شود و این دعا را شرح بسیار در کتاب شمارت  
 مختصه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 سب م خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَلَا أَسْأَلُكَ غَيْرَكَ وَأَرْغَبُ  
 بار خدایا بختی من سوال غیر تو و سوال می کنم غیر تو و رغبت کنم  
 إِلَيْكَ وَلَا أَرْغَبُ إِلَى غَيْرِكَ أَسْأَلُكَ يَا أَمَانَ  
 بوی تو و رغبت نمی کنم بوی غیر تو سوال نمی خواهم از دیگران  
 الْخَائِفِينَ وَجَارِ الْمُسْتَجِيرِينَ أَنْتَ الْفَتْاحُ  
 رستگان دای پناه پناه خدایان تو ای کس که ترسیده است



مُقْبِلُ الْعَرَابِ مَا حِجِّي النَّبَاتِ كَاتِبُ الْحَسَنَاتِ  
 در که نژاد لغزشها و محبت کند که آن در سینه عملهای نیک و  
 رافع الدرجات مسئلت با فضل المسائل کلها  
 بلند کند در صحت سوال بجز در بهترین سوال اهداش  
 و انجها النبي لا ينبغي للعباد ان يسئلوك الا بفضلك  
 در که نژاد ان الله عز وجل من كان لا يملك لولا الله العرش  
 يا الله يا رحمن و يا من ائيل الحسنى و امثال ذلك العباد  
 ای خدا ای بخشنده و پرمهر ای بخوی تو در شرفهای بلند  
 و تعجل النبي لا تحصى و يا اكرم اسمائك عليك و  
 در شرفهای تو که بشماره نمی آید و گرامی ترین اسمهای تو بود  
 احتيا اليك و انشرفها عندك منزلة و افر بها  
 در بران اسما بوی تو در شرفهای آنرا پیش تو بجز منزله و زکوة آنها  
 منك و سبيلك و اجرها مبلغا و انشرفها عندك  
 تو که در شرفها بجز آنرا بجز مبلغ و سبب آنرا از تو  
 اجابه و يا من ائيل الخزون الحكيم الاجل العظيم الذ  
 بجا بیاورد و بسم تو که فرزند شریف است بزرگ است آن بزرگواران است

الاعظم

مُجِبُّهُ وَ تَوْضِيحُهُ وَ تَوْضِيحُهُ عَمَّنْ دَعَاكَ بِهِ فَاسْتَجِبْتَ  
 در که نژاد ان الله عز وجل من كان لا يملك لولا الله العرش  
 كد دعائه و حق عليك ان لا تحرم مضايلك و بكل  
 در که نژاد ان الله عز وجل من كان لا يملك لولا الله العرش  
 اسم هولك علمته احدا من خلقك او لم تعلمه  
 ای که ان الله عز وجل من كان لا يملك لولا الله العرش  
 احدا و بكل اسم دعاك به حمله عرشك و  
 ای خدا و بسمه ای که خوانده بشود با کلام حمدان عرش تو  
 ملائكتك و اصفيائك من خلقك و تجو الشايلين  
 در که نژاد ان الله عز وجل من كان لا يملك لولا الله العرش  
 لك و الراغبين اليك و المنعوقين بك و المنصرون  
 در که نژاد ان الله عز وجل من كان لا يملك لولا الله العرش  
 لديك و تجو كل عبد معتقد لك في قرا و غير ان  
 در که نژاد ان الله عز وجل من كان لا يملك لولا الله العرش  
 سهل و جيل از عولك دعاء من قد اشددت فاق  
 در که نژاد ان الله عز وجل من كان لا يملك لولا الله العرش

تجبا  
 في التوراة والآ  
 في التوراة والآ  
 و التوراة والآ  
 و بكل اسم هولك  
 و بكل اسم هولك

الابد



وَعَظْمَ جُرْمِهِ وَأَشْرَفَ عَلَى الْهَلَاكَةِ وَصَعَفَتْ  
 وَتَوَلَّى كَتَمَتْ كَتَمَتْ لَا وَتَوَلَّى كَتَمَتْ بَرَاكٌ فَصِيحٌ مَدِينَةٌ  
 قَوْمٌ وَمَنْ لَا يُؤْتِيهِمْ مِنْ عَمَلِهِ وَلَا يَجِدُ لَدَيْهِ عَاوِفًا  
 تَوَلَّى لَا كَيْفَ لَمْ يَخْلُقْهُمْ إِلَّا بِحَسْبِ قُوَّةٍ وَتَوَلَّى بِرَبِّهِمْ أَلَمْ يَكُنْ لَهُ  
 عَمَلٌ وَلَا لِيَسْعِيَهُمْ مِثْلَ أَمْوَالِكَ هَرَبْتُمْ مِنْكَ  
 فِيمَا تَدْرِكُونَ أَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ لَكُمْ تَوَلَّى كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ  
 إِلَيْكَ غَيْرَ مُسْتَكْفِرِينَ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ  
 بَرِي تَرِي بَرِي تَرِي بَرِي تَرِي بَرِي تَرِي بَرِي تَرِي  
 يَا أَسْرُكُ كُلِّ فَهَيْرٍ مُسْتَكْفِرِينَ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ  
 أَيْ هُنَّ فِي قَبْرِ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ  
 لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْمَلِكُ الْقَدِيمُ بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ  
 وَالأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَالإِكْرَامِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ  
 الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ أَنْتَ التَّوَكَّلُ وَأَنَا الْعَبْدُ  
 تَوَلَّى كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ

وَأَنَا

وَأَنْتَ الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ وَأَنْتَ الْغَزِيُّ وَأَنَا  
 تَوَلَّى كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ  
 الدَّلِيلُ وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ وَأَنْتَ الْحَيُّ وَ  
 تَوَلَّى كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ  
 وَأَنَا الْمَيِّتُ وَأَنْتَ الْبَاقِي وَأَنَا الْفَانِي وَأَنْتَ  
 تَوَلَّى كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ  
 الْحَيُّ وَأَنَا الْمُسَيِّءُ وَأَنْتَ الْغَفُورُ وَأَنَا الْمَذْنُوبُ  
 تَوَلَّى كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ  
 وَأَنْتَ الرَّحِيمُ وَأَنَا الْخَاطِعُ وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا  
 تَوَلَّى كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ  
 الْمَخْلُوقُ وَأَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ وَأَنْتَ  
 تَوَلَّى كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ  
 الْمُعْطَى وَأَنَا السَّائِلُ وَأَنْتَ الْآمِنُ وَأَنَا الْخَائِفُ  
 تَوَلَّى كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ  
 وَأَنْتَ الْوَازِقُ وَأَنَا الْمَرْزُوقُ وَأَنْتَ أَحَقُّ مَنْ سَكُنَ  
 تَوَلَّى كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ كَتَمَتْ



الْيَدِ وَاسْتَنْتُ بِهِ وَرَجَوْتُ لَاتِكَ كَمَنْ مَلُونِي  
 بوی دو طلب زیاد که بیدار بود و میخواست که از خواب بیدار شود که کار را  
 فَدَعَفْتُ لَهُ وَكَمْ مِنْ مُسِيءٍ فَدَجَّأُ وَزَتْ عَنْهُ  
 که از روی تو دور او چو پل بر کار را مخفی کردنش بود  
 فَاعْفُرْ لِي وَجَاءُ زِعْمِي وَأَرْحَمِي وَعَافِي مَا تَوَلَّيْتُ  
 پس با من در روز ازین در پیش مرا دفعه مرا از آنکه توبه کنم  
 وَلَا تَقْضِي مَا جَبَيْتُهُ عَلَى نَفْسِي وَخَلِّبِي  
 در روزی که مرا از آنکه توبه کنم بر خودم و چه کردت مرا  
 وَيَبْدِدِ الْوَالِدِيَّ وَوَلَدِي وَأَرْحَمْنَا بِرَحْمَتِكَ يَا  
 دوست دلبر من در روز مرا در پیش مرا که توبه کنم خود را  
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ  
 بخشنده ترین بخشنده ای صاحب جلال و اکرام  
 در این طریقی در روز رسول است که از وی از هر باب است و آنکه  
 اللَّهُمَّ احْسِنَا بَعْدَكَ الَّتِي لَا نَسْأَلُهَا وَانْصُرْنَا  
 بار خدا یا مصلحت کن ما بچشم خودت آن چیزی که خواستیم در روز ما بگردان

بلا

يُرْكِيكَ الَّذِي لَا يُرَامُ وَأَعِزَّنَا بِسُلْطَانِكَ الَّذِي  
 بر کن حوزت که قصد که می شود عزیز ما را بطرف حوزت که  
 لَا يُضَامُ وَأَرْحَمْنَا بِدُرِّكَ عَلَيْنَا وَلَا نُفْلِكُنَا  
 نهم کرده می شود در هر کس ما بقدرت حوزت ما و ما که کن ما  
 وَأَنْتَ الرَّجَاءُ رَبِّ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ أَنْعَمْتَ بِهَا  
 در روز امید ما بر دل ما من صلیب نعمتی که انعام فرمودی ما  
 عَلَيَّ فَلِلَّكَ عِنْدَهَا سُكْرِي وَكَمْ مِنْ بَلِيَّةٍ  
 بر من که شد ترا نزد اوست سکون و چه بسیار در روز ما  
 ابْتَلَيْتَنِي بِهَا فَلِلَّكَ عِنْدَهَا صَبْرِي يَا مَنْ  
 که امتحان کردی مرا با آن که شد ترا تو در روز صبر من بر آن که می  
 خَلَّ عِنْدَ نِعْمَتِهِ سُكْرِي فَلَمْ يَخْرِمْ نِي وَبِأَمْنٍ قَلَّ  
 که شد نزد نعمت او سکون و محروم کرد مرا و ای کسی که شد  
 عِنْدَ بِلَايَةِ صَبْرِي فَلَمْ تَجْزِلْنِي يَا ذَا الْمَعْرِفَةِ  
 تو امتحان در صبر من رخا فرمود مرا ای صاحب معرفت  
 الدَّائِمِ الَّذِي لَا يُنْقَضِي أَبَدًا وَيَا ذَا النِّعْمَاءِ  
 همیشه ای آنکه که تمام نمی شود هرگز ای صاحب نعمت



الْبَنِي لَا تُحْصِي عَدَدًا اسْتَلَمْتَ أَنْ نُصَلِّيَ عَلَى  
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الظَّاهِرِينَ وَأَدْرَأَيْكَ فِي تَحْوِ  
 الْأَعْدَاءِ وَالْجَائِرَةِ اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى دِينِي  
 يَدُنِي مَا وَعَلَى الْحَوِي بِتَقْوَايَ وَاحْضَنِي فِيمَا  
 غَيْبْتُ عَنْكَ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي فِيمَا حَضَرْتَنِي  
 يَا مَنْ لَا تَنْقُصُهُ الْمَغْزَةُ وَلَا تَضُرُّهُ الْمَغْصِبَةُ  
 اسْتَلَمْتَ وَجَاعًا جَلًّا وَصَبْرًا جَمِيلًا وَرِزْقًا  
 وَاسْعًا وَالْعَاقِبَةَ مِنْ جَمِيعِ الْبَلَاءِ وَالشُّكْرِ

*که شماره هزار عدوش سوال کنیم تا آنکه خیزد بر  
 محمد و آل محمد صدها که پادشاه در محکم بود در سینه  
 دشمنان دستم کاران صدها بیگانه را بر دین من  
 بر نیای من در اوقات بر پیشکاران صدها در دین  
 ناپوشتم ام از او دعا کن مرا بخودم در آنچه حضور دارم  
 ای کسی که کم بخندد او را از برون و ضرر نرسد با او از دین  
 سوال کنیم تا فرجی که از او بماند و صبر شکونی در روزی  
 بسیار در وقت از جمیع بلاها و شکر*

عَلَى الْعَاقِبَةِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
 بر رحمت رحمت تو ای بخشنده ترین بخشنده

که اگر این دعا را سه عظیم است ن صیل الله منقول است از حضرت رسول صلی  
 علیه و آله که فرمود تقسیم کند این دعا را ابدان و نعمت کند بخوابان پس هر که  
 این دعا را در سه خود بخواند خوب در دل برش برود و دشمنان بگریزند  
 بالهای خود را بجهت خواننده این دعا در هر سال سه مرتبه بخواند و هر کس که خدا بخواهد  
 شقاوت او را در لوح محفوظ ثابت کند و از او آگاهی کند او را از ال برشت است  
 کس خالصی فرج نشسته در کسند از فرج داری و غریبی و غمی خواند این دعا  
 که اگر خدا بخواهد فرج دهد او را و رضا که حاجت او را دهد که این دعا را بخند  
 دارد در امان خدا باشد از هر چه ترسد و هر که کرد این دعا را بر نفس خود کند  
 و هر که خدا بخواهد عز و دل ببرد او که در هر چه که کفایت شود او را از او بگریزد  
 است و در هر روز در هر ششگان بخورد و عثمان دعای او در اعلی علیش منقرض شود



در خانه ار مردار بخشد باشد که از غایت لطافت و صفا سپردن او از آن روز  
 ماه و دهگانه را صد هزار باشد و خواننده این دعا در همه روزها بخشد و کند که در  
 هر شنبه هزار خند باشد و در هر جمعه صد هزار خنده و در هر چهارشنبه صد هزار خند  
 و در هر غنچه صد هزار سر بر روی صد هزار خوش در هر زنی خوری که  
 در هر یک روز بخندد و در هر صبح صد هزار رکعت در با هر خوری صبحی از هر یک  
 باشد و نظر کند خدا تعالی او را بخش و کلام ای بند من از تو آسیم  
 و خواهد بود خواننده این دعا با حضرت رسول صلی الله علیه و آله و در روز آخر حضرت  
 بعد از آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودم بخندانی که در سواد است مرا  
 بحق بر پیغمبری که هیچ بنده نیست که بجز از او دعا را بریت حاصل نکند که شفیع  
 شود در روز قیامت و در هر است من ده خند که در آن شب زاری برت  
 او خواننده این دعا افضل است و در هر آفتابی او خدا هزار شکرید من حاجت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

*بسم نام خدای بخشنده و رحیم*  
 اللَّهُمَّ أَنْتَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ وَذُو جَلَالٍ وَإِكْرَامٍ وَرَبِّي  
*خدایا بخشنده و بزرگوار و پروردگار من و پروردگار*

مَلِي اللَّهُمَّ أَنْتَ تَوَّابٌ وَهَاتُ مَبِيعِ الْحِسَابِ  
*مال داری خداوند بخشنده و رحیم که در هر روز بخندد و در هر حساب*  
 جَلِيلٌ عَزِيزٌ مُتَكَبِّرٌ خَالِقُ بَارِي مُصَوِّرٌ  
*بزرگ غیب متکبر خالق از پندیده صورت بخش*  
 وَاحِدٌ فَادِرٌ فَاهِرٌ اللَّهُمَّ لَا تَنْفُذْ مَا وَهَبْتَ  
*یکتن از ما چه چیزی خنده را کنم نمی شود هر چه را که بخشنده*  
 وَلَا يُرَدُّ مَا مَنَعْتَ فَلَا الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَ وَصَوَّرْتَ  
*بردی شود آنچه را که منع نمودی بر نیت ما بخشید چنانکه از روی و صورت*  
 وَفَلَدَرْتَ وَقَضَيْتَ وَأَصْلَبْتَ وَهَدَيْتَ وَ  
*دادند کردی و حکم کردی و کلام کردی و راه نوری د*  
 أَصْحَكْتَ وَأَنْكَبْتَ وَأَمَكْتَ وَأَحْبَبْتَ وَأَفْرَطْتَ  
*خدا بیدنی و کرامتی و برتری و دروغ کردی و زینت کردی*  
 وَأَغْنَيْتَ وَأَمْرَضْتَ وَشَفَيْتَ وَأَطْعَمْتَ وَسَقَيْتَ  
*و در نیاز کردی و بیمار کردی و شفقت کردی و طعام دادی و برادر کردی*  
 وَكَلَّمْتَ فِي كُلِّ مَا قَضَيْتَ وَلَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا  
*و کلام کردی در هر چه حکم کردی و رفت نهایی از تو*







سُئِلْتُ بِهِ اعْطَيْتَ وَإِذَا أُنْسِمَ عَلَيْكَ بِهِ  
 سوال کرده بودی باد عطا کنی و هرگاه قسم داده بودی تو باد  
 كَفَيْتَ أَسْئَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَ  
 کافی کنی حال من را که می خردم بر من و محمد و آل محمد  
 إِزْنِي كَيْفَ بِنَا مَا أَهْمْنَا وَمَا لَمْ يُهَيِّئْنَا مِنْ آخِرِ  
 آنچه گفتی کنی ما را آنچه لازم شد از آنچه فراهم نیست از امر  
 دِينِنَا وَدُنْيَانَا وَأَخْرِيْنَا وَتَعْوَعْنَا وَتَغْيِرْ كُنَا  
 دین ما دنیای ما آخرت ما دشمنی از ما دین ما را  
 وَتَقْضِي حَوَائِجِنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ  
 در ادوی حاجت های ما خداوند بخوان ما را از کس باشد  
 إِذَا أَحَدٌ تَوَاصَدَّقُوا وَإِذَا السَّاءُ انْتَفَرُوا  
 هرگاه خیر دهند ذات کنند هرگاه بی نیازی هستند  
 وَإِذَا سِيلُوا صَبَرُوا وَإِذَا غَاهِدُوا وَوَاوُوا  
 هرگاه قهرت کرده اند بجزای هرگاه عجز می کنند و گشاده  
 إِذَا عَصَبُوا عَفَرُوا وَإِذَا جَهَلُوا رَجَعُوا وَإِذَا ظَلَمُوا  
 هرگاه غضب کرده اند پشیمانند هرگاه نادانند برمی گردند هرگاه ظلم کرده اند

عظیم

لَمْ يَظْلَمُوا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا  
 ظلم نمی کنند هرگاه خطاب کنند با آنها نادانان گویند سلام  
 وَالَّذِينَ يَدْعُونَ لِرَبِّهِمْ يُحَدِّثُونَ قِيَامًا وَالَّذِينَ  
 و کس بخندد بفریادند از برای پروردگاری خود و یاد در قیام می کند  
 يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ  
 بگویند پروردگارا دلوان از ما عذاب جهنم را بگردان  
 عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا  
 عذاب جهنم بودست لازم بخورد کسبم هرگز گامی است در بهشت  
 اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ  
 خداوند بخوان ما را از کس بود هرگاه برسد به او سببستی  
 قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا  
 گویند بپس ما را درنا ای پروردگارا خداوند بخند کن  
 أَسْئَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ لِحَيْلِنَا وَمِنْ قَوْلِكَ لِصَفِيحِنَا  
 سوال می کنم از معرفت تو بخوان ما را در روز قیامت و در روز قیامت ما  
 وَمِنْ غِيَاكِ لِغَفْرِنَا اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنَا إِلَىٰ أَعْيُنِنَا  
 در روز قیامت تو بخوان ما را خداوند ما را بخوان ما



طَرَفَ عَيْنٍ وَلَا أَفَلَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا تَوَدَّ فاعلى  
 نغم چشم بهم زنی دنیا کمتر از این در دین ۱۱۱  
 اعطانا ولا تؤزل اقدامنا ولا تفرغ فلوبنا و  
 بر پندای ما و مغز ما قهرمانی ما و دل ما از این دلها ۱۱۱  
 ولا تدهض حجبتنا ولا تفتح معذرتنا ولا تفسر  
 چسب من حجت ۱۱۱ و من عذر ۱۱۱ و مشکل من  
 علينا سعيانا ولا تثبت بنا اعدائنا ولا  
 بر ما سعی ۱۱۱ و دشمنان ما را دشمنان ما ۱۱۱  
 تسلط علينا سلطانا نجيفا وهب لنا من تد  
 سلط من بر ما پادشاه ترسانه ۱۱۱ و بخش ما از دست پادشاه  
 رحمة انك انت الوهاب ربنا هب لنا من  
 رحمت حق که از تو بسیار بخشنده بودی ما بخش ما از  
 آرزو اجلا و ذريتنا قره اعين واجعلنا  
 از بروج ما و ذریه ما چشمت چشمی ما ۱۱۱  
 للمنفين اماما اللهم لا تؤمننا مكرك ولا  
 از برای پنداران ما چشم ما صادق ما ای من خدا را مکر ما ۱۱۱

تو

تكشف عنا سترك ولا تصرف عنا وجهك  
 بر ما از ما پندار تو را در گردان دنیا ای خود را  
 ولا تخلل علينا غضبك ولا تفتح علينا كرمك  
 و نخلل ما بر ما غضب خود را در دین از ما کرم خود را  
 واجعلنا من الصالحين الاخيار و ازرقتنا  
 بگردان ما از صالحین بندگان ما در دین ۱۱۱  
 ثواب دار القرار واجعلنا من الاقبياء الاكابر  
 ثواب خلد قرار بگردان ما از بزرگان پنداران  
 و وفتنا في الدنيا و الآخرة واجعل لنا مودة  
 در دین ما در دنیا و آخرت بگردان ما مودت  
 في فلوب المؤمنين امين رب العالمين اللهم  
 در دین ما امین متجسس ای پنداران ما ای رضای  
 كما اجبتك ادم و بنتك عليه نب علينا و كما  
 چنان که از تو ادم و بنو آدم را بر خود برگزید ما و چنان  
 رضىك عن نوح فارض عنا و كما صبرنا نستعيرك  
 خوشتر شدی از من پس خود را بر ما و چنانکه صبر ما را



عَلَى الْبَلَاءِ مَصْتِرًا وَكَمَا كَسَفْتَ الضَّرْعَ عَنِ أَيُّوبَ

*بسم الله الرحمن الرحيم* در بیان مصیبت و گناهان حضرت ایوب

فَاكَيْفَ ضَرَبْنَا وَكَمَا جَعَلْتَ لِسُلَيْمَانَ زُلْفَى وَحَسَنَ

*بسم الله الرحمن الرحيم* در بیان مصیبت و گناهان حضرت سلیمان

مَنَابٍ فَاجْعَلْ لَنَا وَكَمَا آعَظَيْتَ مُوسَى وَهَرُونَ

*بسم الله الرحمن الرحيم* در بیان مصیبت و گناهان حضرت موسی و هرون

نُؤُوسًا فَاعْظِنَا وَكَمَا رَفَعْتَ إِذْ رَسِمْنَا مَكَانًا عَلَيْنَا

*بسم الله الرحمن الرحيم* در بیان مصیبت و گناهان حضرت ادریس

فَارَفَعْنَا وَكَمَا دَخَلْتَ الْيَأْسَ وَالْبَسْعَ وَدَا الْيَهُودَ

*بسم الله الرحمن الرحيم* در بیان مصیبت و گناهان حضرت یونس

وَدَا الْقُرْبَيْنِ فِي الضَّالِّحِينَ فَادْخُلْنَا وَكَمَا كَرَّمْتَ

*بسم الله الرحمن الرحيم* در بیان مصیبت و گناهان حضرت عیسی

عَلَى قُلُوبِ أَهْلِ الْكَيْفِ إِذْ فَاوَأْنَا لَوَارِثِنَا

*بسم الله الرحمن الرحيم* در بیان مصیبت و گناهان حضرت ابراهیم

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهَا

*بسم الله الرحمن الرحيم* در بیان مصیبت و گناهان حضرت اسماعیل

*بسم الله الرحمن الرحيم*

لَقَدْ فَلْنَا إِذْ اسْتَطَا وَحَسُّ نَقُولُ كَذَلِكَ فَارْتَبِطْ

*بسم الله الرحمن الرحيم* در بیان مصیبت و گناهان حضرت یونس

عَلَى قُلُوبِنَا وَكَمَا دَعَاكَ زَكْرِيَّا فَاسْتَجَبْتَ لَهُ

*بسم الله الرحمن الرحيم* در بیان مصیبت و گناهان حضرت زکریا

فَاسْتَجِبْ لَنَا وَكَمَا آيَدْتَ عَيْنِي بِرُوحِ الْقُدُسِ

*بسم الله الرحمن الرحيم* در بیان مصیبت و گناهان حضرت عیسی

فَايَدْنَا بِمَا نَحِبُّ وَرُضِيَ وَكَمَا عَقَرْتَ لِحْمًا عَطَا

*بسم الله الرحمن الرحيم* در بیان مصیبت و گناهان حضرت ابراهیم

اللَّهُ عَلَيْهِ وَإِلَيْهِ فَانْخِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَيْفَ

*بسم الله الرحمن الرحيم* در بیان مصیبت و گناهان حضرت یونس

عَنَّا سَيِّئَاتِنَا مَا قَدَّمْنَا وَمَا آخَرْنَا وَمَا آسَرْنَا

*بسم الله الرحمن الرحيم* در بیان مصیبت و گناهان حضرت یونس

وَمَا آعَدْنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَاجْعَلْنَا

*بسم الله الرحمن الرحيم* در بیان مصیبت و گناهان حضرت یونس

اللَّهُمَّ وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ عِبَادِكَ الْعَالَمِينَ

*بسم الله الرحمن الرحيم* در بیان مصیبت و گناهان حضرت یونس

*بسم الله الرحمن الرحيم*



الْعَامِلِينَ الْخَاشِعِينَ الْمُتَّقِينَ الْمُخْلِصِينَ  
 عمل کنندگان فروتنان پرهیزگاران نیکوکاران  
 الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ وَ  
 کس که بر او بیم نیست و بر او غم نرسد  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى  
 ستایش را برای خداوندی که پروردگار عالمیان است و رحمت بر او نازل کند  
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ  
 محمد و آل او را و سلام

در اس که سلمان اس بر اسم از سوی اس بر نه از اس می اس از سوی اس  
 صلوات از سوی اس که بر سر فرود که بر سر خدای از سوی اس از سوی اس که بر سر اس  
 اس از سوی اس از سوی اس است که از سوی اس از سوی اس از سوی اس که بر سر اس  
 از سوی اس است بر سر اس که از سوی اس است از سوی اس از سوی اس بر سر اس که بر سر اس  
 از سوی اس است از سوی اس از سوی اس است از سوی اس از سوی اس از سوی اس از سوی اس  
 بر سر اس است از سوی اس از سوی اس است از سوی اس از سوی اس از سوی اس از سوی اس

سلسله بود از امیران زاریان آن در آن کوه مردی چهل شب جمعه می ارزید  
 آنکه از آن در آن و نیز خلی می شد و آنچه در آن او و در آن کارش می شد و گفت  
 سلمان که نسی پروردگارم خدای تبارک و تعالی از سوی اس از سوی اس از سوی اس  
 عالم مردی کس خواند آن اسما اینها که فرود بر سر زرد ای سلمان  
 کس بر سر کس می برسم که از سوی اس از سوی اس اسما که اسما  
 در آن کس نمیدانم فرود بر سر صلی از سوی اس از سوی اس می از سوی اس از سوی اس  
 اسما اسما اسما اسما اسما اسما اسما اسما اسما اسما اسما اسما اسما اسما اسما اسما

والله اعلم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 بسم خداوند بخشنده مهربان  
 اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ وَأَنْتَ الرَّحْمَنُ وَأَنْتَ الرَّحِيمُ  
 ای خداوند تو ای خداوند تو ای بخشنده ای مهربان  
 الْمَلِكُ الْعَدْلُ وَسُورَةُ السَّلَامِ الْمُؤْمِنُ الْمُتَّقِينَ الْعَرَبُ الْجَنَّةِ  
 پادشاه عدل و سوره صلوات مؤمنان پرهیزگاران عرب بهشت



الْمُسْكَبُ الْأَوَّلُ الْأَخِي الظاهر الباطن المجدد  
 بزرگ اول امر ظاهر نهان بسند  
 المجدد المبدئ المعيد الودود الشهيد القديم  
 زکاد تجدید کننده برود و صند هر دو ظاهر قدیم  
 العلي العظيم الصادق الرؤوف الرحيم السكوت والنور  
 بعد بزرگ اول علیت هر دو در بسته سکوت نور  
 العزيز الحكيم ذو القوة المتين الوفي الحفيظ ذو  
 غاب درت کوه صفت زبانه حکم نهان غلط صبر  
 الجلال والإكرام العظيم الخلاق العليم الغني الوفي  
 بزرگ درین بزرگ بسیار گفته درانی بسیار درت  
 الفتح المبرح العايد الباسط العدل الوفي  
 کیش نموده کسب کرده رحمت همه عادل وفادار  
 الولي الحق المبين الخلاق الرزاق الوهاب  
 درت ثابت ظاهر بسیار گفته بسیار شنیده  
 الثواب الوكيل اللطيف الخبير السميع العليم  
 بسیار گفته بسیار شنیده بسیار شنیده بسیار شنیده

الديان المتعالي القريب المحب الباعث الوارث  
 خدادیده بجز مرتبه ازلی که هر چه در کوه و دریا باقی بماند  
 الواسع الباقي الحی الذائم الذي لا يموت القبوم  
 بسیار گفته در این بود زنده همیشه بماند که هر چه از  
 النور النفاذ الواحد العفار الاصل الذي لم يلد و  
 در حقش بسیار گفته بماند بسیار بماند بی زوال  
 لم يولد ولم يكن له كفوا احد ذو القول المنذر  
 زاده نشده است زنده است برادر ما در حقش بسیار گفته در آن  
 علام الغيوب البديع الهدى العايد الباسط الذي  
 برت و در باطن ابتدا گفته بماند بماند بماند  
 الظاهر المحب المحب الدافع الوافع الصادق النافع  
 پاک فیت بخشنده زبانه برنده در بسته نور زنده گفته  
 الميز المذل المطمئ المعتم المصم المكرم المحسن  
 بزرگسته در بسته بماند تمام زنده الهمه جاهلنده  
 المحجل الختان المفضل الحی الميئ القفال الما يورث  
 سکون گفته شده در حقش بماند بماند بسیار گفته در آن



مَا لَكَ الْمَلِكُ تَوَنِي الْمَلِكُ مِنْ تَنَاءٍ وَتَنَزَعِ الْمَلِكِ  
 بِمَنْ تَنَاءٍ وَتَنَزَعِ مَنْ تَنَاءٍ بِبَيْدِكَ الْخَيْرُ أَنْكَ عَلَى كُلِّ  
 سَمِيٍّ فَيَذُرُّ تَوَجُّحُ اللَّيْلِ فِي التَّهَارِ وَتَوَجُّحُ النَّهَارِ  
 فِي اللَّيْلِ وَتَخْرُجُ الْحَيِّ مِنَ اللَّيْلِ وَتَخْرُجُ اللَّيْلِ  
 مِنَ الْحَيِّ وَتَوَزُّونَ مَنْ تَنَاءٍ بِغَيْرِ حِسَابٍ قَالُوا لَا  
 وَفَالِ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُسْجِدُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ  
 وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اللَّهُمَّ مَا قُلْتَ مِنْ  
 قَوْلٍ أَوْ حَلْفٍ مِنْ حَلْفٍ أَوْ نَذْرٍ مِنْ نَذْرٍ  
 كَفَقْتُ بِأَقْسَمِكُمْ أَرْسَمْتُ بِأَنْزَارِكُمْ رَزَقْتُمْ

يَوْجِي هَذَا أَوْ لَيْلِي هَذِهِ فَتَشْتَبِكُ بَيْنَ يَدَيْكَ  
 كَلِمَةً مَا شِئْتَ مِنْهُ كَانَ وَمَا لَمْ تَشَأْ لَمْ يَكُنْ فَا  
 عَنِّي اللَّهُمَّ تَحْوِيلِكَ وَقَوْلِكَ فَا تَهْلِكُ لِحَوْلِكَ وَلَا قُوَّةَ  
 إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ بَعِي هَذِهِ الْأَسْمَاءُ  
 عِنْدَكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفُ عَنِّي وَأَعْفُ عَنِّي  
 وَتُبُّ عَلَيَّ وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَأَصِلْ لِي شَأْنِي وَتَبِّرْ  
 أُمُورِي وَوَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَأَعِزَّنِي بِكَرَمِ  
 وَجْهِكَ عَنِ حَيْبِ خَلْفِكَ وَصُنْ وَجْهِي وَبَدَأْ







سُلْطَانِكَ وَصَبْرَهُ فِي قَضَائِكَ وَتَوَرُّهُ بِكَائِدٍ وَ

*سلطنت خود و دلجوئی او را در تصرف خود در دشمنی که او را کتبت خود*

النَّبَةِ وَفَارَاكَ مِنْكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَطْلُبُ الْبَدَأَ

*پرتابنده او را قوی از خود ایضا ایضا طلبه ام پیش تو*

أَنْ تَحْوِيَ عَنِّي فَأَخِ مَا أَتَيْتُكَ بِهِ وَأَنْزِعْ بَدَلِي عَنْ

*بگو چون او را ازین بگردان آنچه را که آورده ام گناه و در آن بگردان*

مِثْلِهِ فَإِنِّي يَا إِلَهَ الْآلَاءِ أَتُوبُ وَإِيَّاكَ

*ش در پیش من بگردد ای سرور من بگردان و بگردان*

الَّذِي فِيهِ تَفْصِيلُ الْأُورِكِ لِمَا مَوْجُودٍ فِي هَذَا

*آنکه که در دولت تفصیل کارها همه در این است از جهت*

إِعْرَافِي لَكَ فَلَا تُخْذِلْنِي وَهَبْ لِي عَاقِبَةَ وَ

*اوردن مرا بر غیر کن مرا در پیش من بنام تو*

يُخْتَبِي مِنَ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ الَّذِي هَلَكَ فِيهِ فَلَا أَسْأَلُكَ

*کاستن من را از گناه عظیم که هلاک شد در آن از تو ای سرور*

بِحَقِّ حَقِّكَ كُلِّهَا يَا كَرِيمٌ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

*بجای حقهای تو مرا ای سرور بسم الله الرحمن الرحيم*

اراده کند و دعای او را چه بکنیم و او را از آن کسره خدای من بگردان

او را ای سرور من و همیشه او را از آن کسره پاک بگردانم زیرا که من تو را

تو ای سرور من که کسب اینها چه بکنم و در این دعا تو را ای سرور من از

عذر دادم هرگز از آن ترک مبادر بگردانم و من و تو را همیشه

بگردد از کتاب اینها در آنچه در پیش تو که در تو و من و تو را

از تو و من تو را بگردانم که در تو و من تو را بگردانم

يَا رَبِّ فَلَا تَنْفَكْ عَنِّي يَا رَبِّ فَلَا تَنْفَكْ عَنِّي

*ای سرور من فلان سرور من فلان بنده من است که در پیش تو جای او*

مِنْكَ لِعَرَضِهِ لِحَبْلِكَ لِأَسْأَلُكَ عَنِّي يَا رَبِّ

*از تو بگردانم تو را بگردانم از جهت تو ای سرور من تو را*

عَنِّي مِنَ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ يَا عَظِيمُ إِنَّ عَظِيمٌ مَا أَتَيْتُكَ

*از تو ای سرور من عظیم ای عظیم عظیم تو را ای سرور من*

بِحَقِّ حَقِّكَ كُلِّهَا يَا كَرِيمٌ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

*بجای حقهای تو مرا ای سرور بسم الله الرحمن الرحيم*



يَبْدِي الْبَدَ طَعَا لَا يُرَوِّاجِدٍ وَطَعِي ذَلِكَ

*بیت خود بگو که بجز طبع یک امر*  
فِي زَمَانِكَ فَارْحَمْنِي يَا ذَا الرَّحْمَةِ أَوْ اسْعِرْ وَلَا

*در وقت زاریت پس در آن زمان ما ای صاحب رحمت*  
بِالْمَغْفِرَةِ وَالْعَصِيمِ مِنَ الذَّنْبِ إِنِّي لِنَيْتِ

*بازرسی و گناهتین از گناه بخش کن ای پروردگار*  
مُنْضَرَعٌ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُزِيلُ أَقْدَامَ

*تغیر کننده نام بر آن کس که زایل کننده گناهان*  
حَمَلَةِ عَرَبِيَّةٍ ذِكْرَهُ وَوَعْدُ لِسَاعِيهِ أَرْكَانَ

*جان عربی تا بد آن نام و پیمان بر شنیدن آن ارکان*  
الْعَرِيسِ إِلَى اسْقِلْ نُحُومَ الْأَرْضِ بِنِ اسْمِكَ يَوْمَ

*عش تا ثابت حضرت زمین بر آن کس که روز قیامت*  
ذَلِكَ الْأَسْمِ الَّذِي مَلَكَ كُلَّ شَيْءٍ دُونَكَ إِلَّا

*این نام که بر کس است هر چیزی که غیرت است*  
رَحْمَتِي بِاسْمِكَ رَبِّي إِلَيْكَ وَيَا سَمِيكَ هَذَا يَا عَظِيمَ

*رحمت کن مرا بر پناه آورده ای پروردگار و ای نام ای عظیم*

تلا

أَبْنُكَ يَكْذِبُ أَوْ كَذَابًا لِمَا الَّذِي قَدَّ أَنْ يَبْدُ

*خونک بگو که کذب*  
فَاعْفِرْ لِي بَعْدَهُ وَعَافِنِي مِنْ أَتْبَاعِهِ بَعْدَ مَقَامِي

*پس با من در عفویت ای صاحب عفویت ای در بعد از مقام من*  
هَذَا يَا دَجِيمَ

*ای دجیم*  
أَدْرِبْ لِي كَلِمَةً خَسِيئَةً دَعَايَ أَوْلِيَاتِي مَكِينَةً وَأَدْرِبْ لِي دَعَايَ

*در برابر من کلمه خسته دعای اولیای من مکیه و در برابر من دعای*

*شرح دعای سیم ای محمد صلی الله علیه و آله کسی که گناهش به او داده تو*

*دایمان کند بایر که بدن و جان خود را از برای من پاک کند در روز قیامت*

*در روز خود را از زمین گوازد و در برای من سجد کند که میان من و او صافی باشد*  
يَا مَنْ تَقَشَّى لِبَاسَ التَّوْبِ الشَّاطِعِ الَّذِي

*ای کسی که در روز قیامت لباس توبت را پوشد*  
أَسْأَلُكَ بِهِ أَهْلَ سَمَوَاتٍ يَا مَنْ خَرَّ رُؤُوسُهُ

*روشنی یا شربت باد اهل آسمان را ای کسی که سرش را در*

إِتْبَاعِهِ

ای کسی که در روز قیامت توبت را پوشد



عَنْ كُلِّ مَنْ دُونَكَ وَكَذَلِكَ يَدْبَغِي لَوْحِهِ الَّذِي  
 از هر کسی که نوری است و چنین بر او است در هر دو که  
 عَنْتُ وَجْوهَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ لَهُ إِنْ  
 فاضح است روی او از روشن شدن سخن بر او تا جمعیت  
 الَّذِي كُنْتُ لَكَ فِيهِ مِنْ عَظِيمِكَ جَاحِدًا  
 که بودم من بر تو در او از بزرگوئی تو منکر  
 شَرِّ مِنْ كُلِّ نَفَاقٍ فَأَغْفِرْ لِي جُودِي فَإِنِّي  
 از هر نفاق پس با تو از نفاقان انکار را بر من و آن  
 أَبْذُوكَ تَائِبًا وَهَذَا أَعْرَفُ لَكَ عَلَى  
 ابراهیم تو را بوی منته و این منم بوی همان بجز بر تو و  
 أَقْرَبُ إِلَيْكَ نَفْسِي بِالْفِرِّيقِ عَلَيْكَ فَإِذَا مَهَلَّتْ لِي بِالْكَفْرِ  
 نفس خود با شما این از بوی بر بزرگی که است داده مرا بجز  
 ثُمَّ خَلَصْتَنِي مِنْهُ وَطَوَّقْتَنِي حُبَّ الْإِيمَانِ  
 پس غایب نشدی مرا از کفر و وقت عطل مرا دوستی ایمان  
 الَّذِي أَطْلُبُهُ مِنْكَ بِحَيِّ مَا لَكَ مِنَ الْأَسْمَاءِ  
 که طلب میکنم از تو بوی آنچه برایت در اسما

فصل على محمد  
 وال محمد و  
 اغفر لي في  
 ويا رب

الْهِيَ مَنَعَتْ مِنْ دُونِكَ عَلَيْهَا لِعَظِيمِ شَأْنِهَا وَ  
 که منع کرده کسی که بزرگی است از نفاقت من زنت و  
 شَدَّ جَلَالُهَا بِالْإِنِّمِ الْوَاحِدِ الَّذِي لَا  
 شده بزرگی است و بسم واحدی که است  
 يَبْلُغُ أَحَدَ صَفَةِ كُنْهِهِ وَيَجْفَأُ كُلِّهَا الْحَوِي  
 برسد به یکی صفت کُنْهِ او و بجفا کند تمام آن را  
 مِنَ الْكُفُورِ وَالرِّبَايَةِ وَالْفُجُورِ أَنْ أَعُودَ  
 از کفر و ربا و فساد و دوری از آن  
 لِي كُفْرِيكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَفَاكَ  
 بجهت کفر من تو خدایم که نیست مثل تو که است عفا کردی  
 إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ بِسْمِ رَبِّكَ كَمَا هُوَ  
 بخون بودم از ستمگاران  
 كَفَّ نَمْرُوسَ الرَّجْمَةِ بَرْدًا شَدَّ بِشِدَّةٍ كَمَا هُوَ  
 او را بر سر آرمید برف شد که من از او را می میزدم و بوی  
 كَمَنْ سَأَلَكَ بِحَقِّهِ عَمَّا سَأَلَكَ بِحَقِّهِ عَمَّا سَأَلَكَ  
 کسی را که از تو کی بسیار باشد پس هر که از تو در سر و بوی این دعا را

کسی را که از تو کی بسیار باشد پس هر که از تو در سر و بوی این دعا را



يا مؤنِّعُ يا جالِي الآخِرانِ ويا مُوسِعَ الصُّبْحِ ويا اَوَّلِي

*ای رطوبت منده و کبریا و ای کثرت و وسعت و ای شمس و ای نور و ای اول و ای آخر*

خَلِيفَهُ مِنْ اَنْفُسِهِمْ ويا فاطِمَةَ بِنْتَكَ الْاَنْفُسِ

*خلفش از خود است و یا فاطمه بنت این روحها*

اَنْفُسًا وِمالِها فُجُورُها وَاَلتَّقْوَى نَزَلَ

*و جانها و یا در همه آن بی باکی و دوری و دوری و آن که فرود آمد*

بِي يا فاطِمَةَ اَلْقِيَمُ هَمَّ ضَعْفُ يَدِ ذَرَعًا وَاَصْدُ

*بمن ای کثرت و وسعت از همه اندر که کشته و کشته از وقت و سینه*

حَتَّى خَشِبْتُ اِنْ اَكُوْنَ غَرَضَ فِتْنَةٍ يا

*تا آنکه ترسیدم از آنکه بودم از فتنه و در میان ای*

اَللَّهُ يَذِكرُكَ تَطَيُّنُ الطَّوْبِ يا مُغَلِّبَ

*خدا و یادآور اوامیر و دلای ای که بنده است*

اَلطَّوْبِ وَاَلانصارِ قَلْبِ قَلْبِي مِنَ الصُّومِ

*دلای ای که با او برودان دلها از حالت اندر*

إِلَى الرُّوحِ وَاَلدِّعَةِ وَاَلتَّعَلُّبِ عَنْ ذِكرِكَ

*بروگان تهیست در اوام و نفس سازمرا از یاد خود*

انلا

بِتَرْكِكَ ما بِي مِنَ الصُّومِ اِنِّي الْبَلَدُ مُصَنِّعُ

*سبب آن که من از آنچه که بابت از خود و جانی من است که من بگری تر از آنکه*

اَسْأَلُكَ يا مَنِيكَ الَّذِي لا يُوصَفُ اِلَّا بِا

*سوال میکنم ترا پسند نام از آنکه بیان کرده می شود که مقصد*

لِمَعْنَى لِي كَمَا نَيْكَ فِي عَجُوبِ ذَاتِ النُّورِ

*و نیز تو فقط برای همان که آن نام و قول بسیار است که صحت روشی است*

أَجَلُ يَحْفِيهِ آخِرَانِي وَاَشْرَحَ صَدْرِي كَلِمَتِي

*و طرف آن سخن نام از همه ایها و کثرت و دل سینه مرا بسبب این*

ما بِي الصُّومِ يا كَرِيمِ شَرِحَ دَعَائِي بِعَسِمِ اِي

*آنچه ما برت از خود ای صمیمانه*

عَمَدِ الْكَبِيِّ كَمَا صَبَبْتِي رَسِيدهً يا شَدِيدِ الرُّوحِ وَاَلدُّنْيَا اَوْ دُخْرِهِ

*عمود کبیری که صیبتی رسیده باشد از نظر در دنیا او و دوزخ او*

يا مَحَلَّ كُوزِ اَهْلِ العِنْيِ وَاِيا مَعْنَى اَهْلِ القافِيَةِ

*ای محله کوزه بندگان از کوزه ای بی ناسته از باب درویش*

مِنْ سَعَةِ نَيْكَ اَلْكُوزِ اَهْلِ العِنْيِ وَاِيا

*از فراخی آن کوزه*



مَعَى بِالْعَائِدَةِ إِلَيْهِمْ وَالنَّظِيرَ لَهُمْ بِاللَّهِ

*همان برسی چون در هر باقی برای بیان اینها*

لَا يُسَمِّيْ غَيْرَكَ إِلَّا مَا الْأَيْدِي كَلَّمَهَا

*نمیگوید کسی را که نامش را نامش را*

مَعْبُودٌ دُونَكَ بِالْفِرْيَةِ وَالْكَذِبِ لَا إِلَهَ

*پرستیده نیست غیر تو با حق و دروغ نیست خدا را*

إِلَّا أَنْتَ يَا مَسَادَ الْفَقْرِ يَا جَابِرَ الْكِسْرِ الْخَيْرِ

*مگر تو ای خزینه درویشی دانی بخشند بنده شکستی حق بخوشی*

وَيَا عَالِمَ السَّرَائِرِ أَرْحَمَ هَرَبِي إِلَيْكَ مِنْ قَهْرِي

*دانی دانا ای پنهان را رحم کن بر من از قهر تو*

أَسْتَلِكَ يَا سَمِيحَ الْحَالِ فِي غِنَاكَ الَّذِي لَا

*برال بکنم تو بسودم ز نزل کفایت در بیانی تو که*

تَقْتَرِدُ الْكِرْمَ أَبَدًا أَنْ تَعِيدَنِي مِنْ لَوْوَمِ

*تغیر نمی شود یا نشد مال هم از این در میان بگویم که در دهی مرا از لوم*

فَقِيرٍ أَنَسِي بِهِ الدِّينَ أَوْ يَسُوِّطُ غِنَى أَقْبَرِينَ

*درویشی که در پیش من است دین را یا بهر شکر ز غنای تو زوی که ز غنای تو*

کاشف  
دای بر طرف سوره

بِهِ عَنِ الطَّاعَةِ بِحَيِّ نُورِ أَسْمَائِكَ كُلِّهَا أَطْلُبُ

*بسیان از زمان بزرگ بخت ناهای آن نامی نهایی بکنم*

إِلَيْكَ مِنْ رُزِقِكَ كَيْفَا فَا لِلدُّنْيَا نَعِصُمُ بِهِ

*بروی تو از کافی برای دنیا که نگاه دارم آن*

الدِّينَ لَا أَحْدٌ لِي غَيْرَكَ مَقَادِيرُ الْأَرْزَاقِ

*دین را اگلی نمی دهم برای خودم غیر تو اندازه های اندازه های حق*

عِنْدَكَ فَانْفَعْنِي مِنْ قُدْرَتِكَ فِيهَا بِمَا تَنْزِعُ

*در نزد قدرت پس نفع بده از قوت تو در آن با آنچه می باری*

بِهِ مَا نَزَلَ لِي مِنَ الْفَقْرِ يَا غَنِيَّ بِسْمِ رَبِّكَ

*بسیان آنچه که تو دادی من از فقر در پیش ای دینار*

بِرَّكَاهِ الْبَيْتِ دَعَا رَجُلًا مَسْفُورًا أَرَادَ أَنْ يَسْتَعِينَهُ

*با پیش هم داد را از اسل شاعت که در آن شرح غایب*

أَيُّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بَارِكًا فِيهِ

*ای محمد صلی الله علیه و آله که ما بویستی نازل شده باشد در*

نَفْسِ ابْنِ مَرْيَمَ ابْنِ مَرْيَمَ ابْنِ مَرْيَمَ ابْنِ مَرْيَمَ ابْنِ مَرْيَمَ

*ادبش خواهد که از آن فرج یابد پس نازل شود بمن و بگویم*



این کجاست  
نخاست

بِأُمَّنَتَا عَلَيَّ أَهْلَ الصَّبْرِ يَطُوبُ نَعْيُكُمْ بِالَّذِي  
 ایست که در نزد من بر ارباب شکیبایی بودا کند و خوشتر از آن است  
 الَّتِي إِذْ خَلَقَهَا عَلَيْهِمْ بِطَاعَتِكَ لِأَحْوَالٍ وَ  
 که در وقت کرده ان حضرت را نشان بایب زمان بر دانی تو بنیکو بود از آن  
 لِأَقْوَةِ الْإِيمَانِ فَدَحْنِي مُصِيبَةً فَذَمَّنِي  
 زنجیر بودن کارگر بر سینه ز سنگین کرده ام صیبتی که تهنیت بقصد افتد  
 وَأَعْيَبَنِي الْمَسَالِكُ لِلرُّوحِ مِنْهَا وَأَضْرَبَنِي  
 زخم در دانه کرده ام راههای تلک برای پرورن آن که است و چاره و مجاز  
 إِلَيْكَ الظُّعُفُ فِيهَا مَعَ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَكَ فِيهَا  
 بوی تو طبع بیسالیست باینی امیدداری برای تو در این  
 فَهَرَبْتُ إِلَيْكَ بِنَفْسِي وَأَنْقَضْتُ إِلَيْكَ الْخُرَابَ  
 پس گریختم از بسوی تو بخودم و یک جبهه شوم بسوی تو ای خدایم  
 وَرَجَوْتُكَ لِدُعَائِي فَذَهَبَتْ فَأَعْيَبَنِي  
 و امیدوار شوم تو برای دعای من غنچه تلک بر طرف شوم بر نفوسم  
 وَأَجْرُ مُصِيبَتِي بِجَلَاءِ كَرَمِهَا وَإِدْخَالِي  
 و پند گزیده است سعیت مرا بر طرف کردن زنده است و در حقش تو  
 لهم

الصَّبْرَ عَلَيَّ فِيهَا فَإِنَّكَ إِنْ خَلَبْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ  
 شکیبایی را برین در آن است بر من بتی که در او گذری بیازنی و بیند  
 مَا أَنَا فِيهِ هَلَكْتُ فَلَا صَبْرَ لِي يَا ذَا الْإِيمَانِ  
 من در آن افتدم هلاک می شوم بر نیست شکیبایی با من ای صاحب ایمانی  
 الْجَامِعِ الَّذِي فِيهِ عَظِيمُ الشُّوْنِ كُلِّهَا  
 تمام آورده است روزش بزرگ کارها و مکارها  
 بِحَقِّكَ أَغْنَيْتَنِي بِفَرَجٍ مُصِيبَتِي عَنِّي يَا كَرِيمُ  
 حق توست که زود پس از غمزدادن محنت من از من ای محترم  
 پس بر شکیب که هرگاه این دعا را بخواند من صبر را یاد الهام کنم  
 و شکر را طوق او بگردانم و سعیت او را با تمام اراد و زایل بگردانم  
 شرح و معانی معنی ای محمد صلی الله علیه و آله کسی که در کعبه اعدا در روز  
 دستد باید که در رکعتی که مرسد این دعا را بخواند این دعا  
 بجز کعبه اعدا در روزان بخواند  
 بِالْإِخْتِيارِ إِنِّي أَخِي خَلِيفَةُ وَالسَّامِعُ بِهَا إِلَى الْقَدْرِ  
 ای خداگر زنده برای پیشانی از فرمان دانست نده آنها بسوی خدا







کُلُّ شَيْءٍ  
چیزی

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مِنَ الْبُصْرَةِ فِي بَدَنِ مِنْ سَبْعٍ أَوْ هَامِئَةٍ  
 ا بر چیز از بصره است از بصره در کمان یا جانور  
 أَوْ غَارِضٍ مِنْ سَائِرِ الدَّوَابِّ بِأَخَافِهَا لِيُظَرِّمَهُ  
 یا آنچه در دراز جسم جمع بیندگان ای از وقت تا آخر نفس  
 أَذْرَاهَا عَيْنِي وَأَحْجُرُهَا وَلَا تَنَاطُهَا عَلَيَّ وَعَافِي  
 دفع کن اندام از من دفع شو از من و نگاه دار من و نگاه دار  
 مِنْ شَرِّهَا وَبِاسْمِهَا يَا اللَّهُ ذَا الْعِلْمِ الْعَظِيمِ  
 از بیدارها و ضررها ای خدا که همه درش بیدار است  
 يَحْفَظُكَ مِنْ مَخَاوِفِي يَا رَحِيمُ  
 نگاه دار من از بیدارهای ترس من ای رحیم  
 دعا را احکام در اس زمین با و صبر در نماند خواه دیده شود و خواه  
 دیده نشود شرح دعای چشم ای محمد صلی الله علیه و آله که از جن و شیطان  
 رسد باید که در وقت ترس گوید یا الله الا الله الاكبر  
 ای خدا که جمود بزرگ است  
 الْفِيَاهِرُ يَقْدِرُ بِرَجْمِ عِبَادِهِ وَالْمَطَاعُ لِعَظِيمِ  
 غلبه است برزاد و حاکم است بر بندگان را و فرمان رده بر بندگان

عنه  
معه دفع جن و شیطان  
نخوانند

عَنْدِ كُلِّ خَلْقٍ فِيهِ وَالْمُسْحَىٰ مِثْلَهُ لِأَنَّ  
 در نزد تمام مخلوقش در که کند و است خواش خدا بر او  
 قَدْرَهُ أَنْتَ تَكَلَّمَ مَا خَلَقْتَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
 قدرش تو گفتی آنچه را که از تو در شب و روز  
 النَّهَارِ وَلَا يَمْنَعُ مَنْ أَرَدَتْ بِهِ سَوْءٌ لَيْسَ  
 روز و در روزی که کسی که اراده نماید تو یاد بری در روزی که  
 مِنْ ذَلِكَ السَّوْءِ وَلَا يَجُولُ أَحَدٌ دُونَكَ  
 از آن بری و در بطنی شود بچسب روی تو در میان  
 أَحَدٍ وَمَا تَرِيدُ بِهِ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّ مَا يُؤْتِي  
 کسی آنچه اراده کنی بکنی از خود تمامی آنچه در دست  
 وَمَا لَا يُؤْتِي فِي قَبْضِكَ وَجَعَلْتَ فَبِأَنْبَلِ  
 آنچه دیده نمی شود در قبضت است و کرده دیده تو طراوت  
 الْجِنِّ وَالشَّيَاطِينِ يَرَوْنَ سَائِرَ الْأَشْيَاءِ وَأَنْتَ  
 جینان را دیدان را این درش که می بیند اما دانستی می بیند را و در  
 لِكَيْدِهِمْ خَائِفٌ فَا مَنِّي مِنْ شَرِّهِمْ وَ  
 برای کوشش ترسم پس از ترس از او پس از ترس



بِاسْمِهِمْ يَجْرُ سُلْطَانُكَ الْعَرِيضُ يَا عَزِيزُ  
 مَرْدِيَانِ ابْنِ سُلْطَانِ سُلْطَانِ كَرْدِيَانِ ابْنِ سُلْطَانِ  
 هرگاه این دعا را بخواند از جن و شیاطین باد بری رسد هرگز  
 شرح دعای دهم ای محمد صلی الله علیه و آله کسی از سلطان رسد  
 با او در حاجتی باشد سلطان باید که در وقت دخول سلطان بود  
 یا ممکن هذا امثالی یدیه و مساطه علی  
 ای کاتب این دعا را در پنج روز در وقت که در وقت است  
 کل من خود و نه و معرضه فی ذلك لا میخاف  
 ای کسی  
 دینیه انبه بسطو بمرجه فيما ابنته من المملد  
 این دعا را در وقت که در وقت است در وقت است  
 و بجو و الفخار به بالذی ابنته به العظیم  
 هرگز بیاید از کوه بان خری از کوه بان که در وقت است  
 اسئلک صلی علی محمد عند عبادک ان تلته ما هو فيه انت  
 در وقت که در وقت است در وقت است

این دعا را در وقت که در وقت است

فینا و یخبرنا  
 در وقت که در وقت است

بِقُوهِ لَا اَمْتِنَاعَ لَهُ عِنْدَ رَادِكَ فِيهَا اِنِّي  
 این دعا را در وقت که در وقت است در وقت است  
 اَمْتِنِعْ مِنْ مَثَرِ هَذَا اِيْجِرْكَ وَاَعُوْذُ بِقُوِيْهِ  
 هرگز بیاید از کوه بان خری از کوه بان که در وقت است  
 يَفْدِرْ يَدَ اللّٰهِ اَذْفَعُهُ عَنِّي وَاِمْتِنِيْ مِنْ حِدَا  
 بر آن ای تو خداوند را در وقت است در وقت است  
 مِنْهُ بِجَوْ وَجْهَكَ وَعَظْمُكَ بِاعْظَمِ اَوَّلِي  
 در وقت که در وقت است در وقت است  
 يَهْدِ اَمِنْ نَفْسِيْهِ وَيَا اَقْرَبَ اِلَيْهِ مِنْ قَلْبِي  
 این دعا را در وقت است در وقت است  
 وَيَا اَعْلَمَ بِيْ مِنْ غَيْرِيْ وَبَارَا زِفَاهُ فَمَا هُوَ فِي  
 این دعا را در وقت است در وقت است  
 يَدِيْهِ مِمَّا اَحْتَا جُ اِلَيْهِ اِلَيْكَ اَطْلُبُ وَيَا  
 در وقت که در وقت است در وقت است  
 اَتَقَعُ لِحَا جِ حَاجَتِيْ فَحُذِلْ جِبْنِ اَكْلِي  
 در وقت که در وقت است در وقت است

یا کریم و لعل اذا اراد  
 ای صاحب سلام و نام بریم در وقت که در وقت است  
 طلب حاجه اليه يا من هو  
 هرگز بیاید از کوه بان خری از کوه بان که در وقت است  
 من هو  
 در وقت که در وقت است



لی  
برای

يُقَلِّبُهُ فَاغْلِبْهُ حَتَّىٰ اَنْزِلَ مِنْهُ حَوَاجِي كُلِّهَا  
 دل دروا پس بنویس که در این کتابه بر اینم از او حوائج خود تمامی  
 يَلَا اِمْتِنَاعَ مِنْهُ وَلَا مَنَ وَلَا رَدَّ وَلَا  
 بدون سرگشتی از او از دست کردن و نبرد کردن و نه  
 فَضَاظِلًا بِاِحْتِاجِي غَنِي لَا يَمُوتُ وَلَا يَبْلَى  
 درشت نویسی از آنکه در روزگاری زنده بماند و کهنه نشود  
 عَنْ رَدِّي وَلَا  
 از رده شدن من  
 فَضَاءَ الْحَاجَةِ  
 از فضا شدن حاجت  
 وَأَقْصَىٰ لِي  
 و اقصای من  
 طَلَبِي فِي الَّذِي  
 طلب من در آنکه  
 وَسَلَّمَ  
 و سلام  
 در روزگاری  
 مَنَازِلُهُ  
 منازل او  
 در روزگاری  
 اللَّهُمَّ اخْرِجْ بِيْعَلِيكَ وَوَقِّفْنِي بِعَلِيكَ لَوْضَاءِ  
 بار خداوند را بیاورد از من بیرون و ایستد بر من در روزگاری  
 بَارِئًا

و کسبها  
و نام بر آن  
کار

وَمَحَبَّتِكَ اللَّهُمَّ اخْرِجْ بِيْعَلِيكَ وَوَقِّفْنِي  
 در روزگاری تو بیاورد از من بیرون و ایستد بر من در روزگاری  
 بِعَزَائِكَ مَقْتًا وَسَخَطًا اللَّهُمَّ اخْرِجْ بِيْعَلِيكَ  
 بجزت بجز آنکه دشمنی ترا و دشمنی ترا بیاورد از من بیرون و ایستد بر من در روزگاری  
 أُرِيدُ مِنْ هُدًى الْأَمْرَيْنِ وَكُسْبِيهَا  
 از او در روزگاری از جسدان دو کار  
 أَجْمَعًا إِلَيْكَ وَأَرْضَاهَا لَكَ وَأَوْفِيهَا  
 مجموعی را بوی تو و پسندزه شهت تو را با او و وفای تو را  
 مِنْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي  
 از تو بار خداوند برترین می توانم از تو بگویم از آنکه  
 ذَوَّبْتَ بِهَا عِلْمَ الْأَشْيَاءِ عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ  
 چنان کردی بوی آن که از هر چیزی که تمامی از هر چیزی که  
 أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَغْلِبَ بَالِي  
 این را که از هر چیزی که بر محمد و آل محمد و غلبه کند و غلبه کند  
 وَهَوَايَ وَسِرِّي وَعَلَانِي بِأَخْذِكَ  
 در روزگاری و در روزگاری و در روزگاری و در روزگاری



وَأَسْفَعُ بِنَا صِبْيَانِي إِلَى مَا نَرَاهُ لَكَ رِضَى وَ  
 بِرَبِّكَ شَانِ مَرِيضَةً مَرِيضَةً أَيْ مَرِيضَةً مَرِيضَةً  
 لِي صَلَاحًا فِيمَا اسْتَجَبْتُ فِيهِ حَتَّى يَأْتِيَنِي  
 بِرَأْسِي وَأَلْتَمِسُ رِجْلَيْكَ وَأَسْتَجِيرُكَ بِأَنْفِيسِي  
 مِنْ ذَلِكَ أَمْرًا أَرْضَى بِحُكْمِكَ وَأَتَكَلَّمُ فِيهِ  
 وَأَنْتَ كَارِيءٌ رَاضٍ بِمَا نَزَلَ مِنْ رِجْلَيْكَ  
 وَلَا تَغْلِبْنِي بِعَوَالِي قَضَائِكَ وَكَفَيْ فِيهِ يُعَدُّ رَيْكَ الْبَنِي  
 لِقَوْلِكَ خَالِفًا بِرَحْمَتِكَ وَكَفَيْ فِيهِ بِرَأْسِي  
 عَلَى مَا أَحْبَبْتُ وَلَا مَا أُرِيدُ لِي تَفْضِي بِهِمَا مَا أَحْبَبْتَ يَهُوَ الْهُوَ أَيْ وَيَسِّرْ لِي  
 تَوَيْدِي بِحُكْمِكَ وَكَفَيْ فِيهِ بِرَأْسِي وَكَفَيْ فِيهِ بِرَأْسِي  
 أَعَانِي يُعَدُّ لِي الْبَسْرَى الْبَنِي تَوْضِي بِهَا عَنْ صَاحِبِهَا وَلَا  
 بِرَأْسِي لِي أَنْ تَكُونَ خَوْفِي لِي وَبِحَبْلِ لِي مِنْ رِجْلَيْكَ  
 تَحْذِرْ لِي تَعَدُّ تَعْوِيضِي إِلَيْكَ أَمْرِي بِرَحْمَتِكَ  
 وَتَرْتَابِي لِي بِرَأْسِي وَكَفَيْ فِيهِ بِرَأْسِي وَكَفَيْ فِيهِ بِرَأْسِي  
 الْبَنِي وَبِعَثِّ كَلْسِي بِالدَّهْمِ أَوْ قَعِّ خَيْرِي لِي  
 أَنْ تَكُونَ لِي بِرَأْسِي وَكَفَيْ فِيهِ بِرَأْسِي وَكَفَيْ فِيهِ بِرَأْسِي

قَلْبِي وَأَفْخِ قَلْبِي لِلزُّوْمِهَا يَا كَرِيمُ أَيْ  
 وَمِنْ رِجْلَيْكَ وَكَفَيْ فِيهِ بِرَأْسِي وَكَفَيْ فِيهِ بِرَأْسِي  
 أَيْ دَرْدِي وَدُنْيَا وَخَيْرِي شَرَحَ فِي دَرْدِي وَكَفَيْ فِيهِ بِرَأْسِي  
 كَيْ رَأْيِي لِي بِرَأْسِي وَكَفَيْ فِيهِ بِرَأْسِي وَكَفَيْ فِيهِ بِرَأْسِي  
 يَا مُصَحِّحَ أَبْدَانِ مَلَائِكَتِكَ وَبِأَمْرِغِ نَلَاكَ أَيْ  
 أَيْ حَقِّقْ لِي بِرَأْسِي وَكَفَيْ فِيهِ بِرَأْسِي وَكَفَيْ فِيهِ بِرَأْسِي  
 لِطَاعَتِهِ وَبِأَخَالِئِ الْأَدْمِيئِينَ صِحَّاهُ وَمُبْطَلَا  
 بِرَأْسِي وَكَفَيْ فِيهِ بِرَأْسِي وَكَفَيْ فِيهِ بِرَأْسِي  
 وَبِأَمْرِغِضِ أَهْلِ السُّعْمِ وَأَهْلِ الْفِصَّةِ لِلْأَجْوِ  
 وَكَفَيْ فِيهِ بِرَأْسِي وَكَفَيْ فِيهِ بِرَأْسِي وَكَفَيْ فِيهِ بِرَأْسِي  
 الْبَلِيَّةِ وَبِأَمْدَاوِي الرِّضَى وَسَائِفِهِمْ صُنَا  
 بِرَأْسِي وَكَفَيْ فِيهِ بِرَأْسِي وَكَفَيْ فِيهِ بِرَأْسِي  
 بِأَمْرِغِ أَهْلِ السُّعْمِ بِالْبَاسِمِ عَافِيَتِكَ وَبِأَمْرِغِ  
 أَيْ حَقِّقْ لِي بِرَأْسِي وَكَفَيْ فِيهِ بِرَأْسِي وَكَفَيْ فِيهِ بِرَأْسِي



عَنْ أَهْلِ الْبَلَاءِ بَلَاءُ بَاهُمْ جَلِيلٌ رَحِيمٌ فَذَقُوا  
 فِي مِيسِرِ الْأَمْرِ مَا رَضَيْتُمْ فِيهِ أَفَارِبِي وَأَهْلِي  
 وَالصِّدِّيقِ وَالْبَعِيدِ وَمَا سَمِيتَ لِي فِيهِ  
 أَعْدَائِي حَتَّى صِرْتُ مَذْكُورًا بِلَايِي فِي أَفْوَاهِ  
 الْمُخَافِينَ وَأَعْلَمْتَنِي أَفَاوِيلَ أَهْلِ الْأَرْضِ  
 لِعَلَّةَ عَلَيْهِمْ يَدَوَاءٌ ذَائِي وَطِبُّ دَوَائِي  
 فِي عَمَلِكَ عِنْدَكَ مُبْتَدَأٌ فَانْفَعْنِي بِطِبِّكَ فَلَا  
 طَبِيبَ أَرْجِي عِنْدِي مِنْكَ وَلَا حَيِّمَ أَسْتَدُ

*در این محنت محنتها را بر سر من رحمت خود محضی نمودند*  
*بنی از همه کار آنچه زکوه را در انبیا در زبان*  
*در دست من در درین و آنچه در شام و صبح من در زبان*  
*دشمنان من تا آنکه کردم یاد کرده شده محنت من در دهان*  
*مخوفین محنتی در هر کجای که ای اول زمین*  
*برای من در این برود درین و صبح در درین*  
*در این که در نزد تو است که در من پس نشانی بر این محنت*  
*نویسنده در درین لذت در خوشی من باشد*

حیل علی محمد ال محمد  
 و انفعنی

تظف

تَعْظَا مِينَا عَلَى فِدَا غَيْرَتِ بَلْبَتِكَ نِعْمَكَ عَلَيَّ  
 فَحَوَّلَ ذَلِكَ عَنِّي إِلَى الْفَرَجِ وَالرَّخَاءِ فَأَقْبَلُ أَنْ  
 لَمْ تَفْعَلْ لِرُجْعَةٍ مِنْ غَيْرِكَ فَانْفَعْنِي بِطِبِّكَ وَذَا  
 وَبَنِي بَدْوَانِكَ يَا رَحِيمٌ بِسْمِ رَبِّكَ هَكَذَا ابْنُ دَعَارَا  
 حَمْدُكَ مِنْ حَضْرَاتِ مَرْضَى الْأَزَلِ وَنِعْمَ الْكَفِيمُ وَادْرَأْ نِعْمَتَ مَدِينِمْ شَرِح  
 دَعَايَ سِيرَتِهِمْ أَيُّ جَمْعٍ صَالِي الْعَمَلِ وَالرَّامِتِ تَرْكِي كَيْ يَطْعَمَ مَبْلَاثُورُ  
 يَا مَعْيِنَنَا عَلَى دِينِنَا يَا حَيَّ يَا قَيُّوْمُ يَا الَّذِي كَثُرَ  
 عَلَيْنَا مِنْ رِذْوَانِ قَوْلِنَا أَرْعِضْ لَنَا بِعَدْرِ عَلِيٍّ

*مردان در لذت بنی خجندی را که محنت آن نعمت است در این*  
*پس کردن لذت ازین برای کشتن در رحمت پس پیش که در*  
*کنی از او و همه را که در زبیر که پس نفع آن را بر این محنت*  
*و در این امر بر او در وقت آن که در*  
*حمد من حضرات مری از ازل و نفع کفیم و در آن نعت مدینم شرح*  
*دعای سیرت مردم ای جمع صلی العمل و الرامت ترکی که بطن مبلاثور*  
*پس برنگه من از ذریه است که نام که در نفع کند حضرت صایرا*  
*ای که در این در این بیست و نه در این در این در این در این در این*  
*در این در این در این در این در این در این در این در این در این*

تظف  
 رساله  
 رساله



لَعْرَجِيهِ عَنَّا غَيْرَ مُنْزِلِهِ بِأَمْنٍ لَكُمُ عِزَّ الْعِبَادِ  
 عَنْ فَوْجِهِ هَذَا مُشْرِفِ الْأَبْدَانِ عَلَى الْهَلَاكِ  
 وَإِذَا هَلَكَ هَلَكَ الَّذِينَ بَادَتَانِ الْعِبَادِ  
 وَمَدِيرِ أُمُورِهِمْ يَفْقِدُونَ أَرْضَ فِئْتِهِمْ لَا تَحُولُونَ لَيْسَ  
 بَلَيْنَا وَبَيْنَ رِزْقِكَ وَهَمْدُنَا مَا أَصْبَحْنَا فِيهِ  
 مِنْ كَرَامَتِكَ لَكَ مَعْرِضِينَ فَدَأْ صِيبَ مَنْ لَا  
 ذَنْبَ لَهُ مِنْ خَلْقِكَ يَدُ تَوْبِنَا فَارْحَمْنَا بِمَنْ  
 جَلَّتْهُ أَهْلًا لِذَلِكَ حِينَ نُسَلُّ بِهَ بَارِحِيمُ

الآبِدَانِ  
بِسْمِ

مَعْرِضِينَ  
سَمَاءِ

بِسْمِ

لَا تَحْبِسْ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ مَا فِي السَّمَاءِ وَنَشْرُ  
 عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ وَابْطِءْ عَلَيْنَا كَفْرَكَ وَعُدَّ  
 عَلَيْنَا بِصَبْرِكَ وَإِنَّا مِنَ الْعُقَدَةِ فِي الذَّنْبِ  
 وَسَمَائَةِ الْعَوْمِ الْكَافِرِينَ بِأَذَا التَّفْعِ وَ  
 الضَّرَائِكِ إِنْ تَجِدْنَا قَبْلَ تَقْدِيمِ مَنِيَا  
 لِأَعْمَالِ حَسَنَةٍ وَلَكِنْ لِإِيمَانِ مَا بَيْنَا مِنْ  
 الرَّحْمَةِ وَالتَّفْعِ وَإِنْ رَدَدْنَا قَبْلَ  
 ظُلْمِ مَنِيَا لَنَا وَلَكِنْ حِينَا بَدِينَا فَاغْفِرْ عَنَّا

وَالدُّنْيَا  
وَدِينَا

بِسْمِ



مَنْ أَنْصَرَفْنَا وَأَقْلَبْنَا بِإِجْحَاحِ الْحَاجَةِ

*من از کشتن و بگردانیدن در روزانگان با اراده حق کند*

يَا عِظِيمُ لَسْ يَسْرُكَ مِرْكَاهُ اسْدِيَا اِكْوَانِدُ وَغَيْرُ مِرْ ارَادَةُ

*بزرگوار است که کسی را در کارهای خود برساند و غیر اراده*

مَنْ حَمَى اِلْا اَنْ يَمَادِرَ اَسْمَا لِي وَوَسَّيْتُ رَا اَبَا سِ عَسْرَ اَيَّ زَا لِي

*من کسی را که بخواهد از من جدا شود و من او را در راه خود نگاه میدارم*

دَعَايِ چَارِ مَسْمِ اِي تَحْمَلُ صِلَى اَزْ عَمَلِ دَا لِكِي اِرَادَةُ كُنْ بِي اَهْطُ حَقِي

*با سفری از اهل خود بگردانم و در راه خود نگاه میدارم که او را سلامت باقی*

حَمْرُ رُو كُنْ بِي طَنْ اَدَا بِي اِدْ كُ دَر دَقْتِ بِي رَنْ مِشْنِ اِرْضَا خُودِ كُ

*بسیار از من بگردانم و در وقت پریدن من از خانه خود*

بِسْمِ اللّٰهِ خَرَجِي وَيَا ذِي نَبِي حَرَجْتُ وَقَدْ عَلِمَ

*بسم الله خراجی و یا ذی نبی حرجت و قد علم*

مَنْ اَنْ اَحْجُ خُورُجِي وَقَدْ اَحْصَى بَعْلِيَهْ مَا

*من آنکه خراج خود را و آنچه را که بر من است*

*من که خراج خود را و آنچه را که بر من است*

وَلِي خَرَجِي وَرَجَبِي تَوَكَّلْتُ عَلَى الْاَلَا

*و لی خراجی و رجبی توکلت علی الاله*

تَوَكَّلْتُ عَلَى الْاَلَا اَمْرَةً مُسْعَبِينَ بِي عَلَى

*توکلت علی الاله امره مسعبین بیه علی*

سَبُو دِي مَسْتَرِي دِي مَن فَضْلِيَهْ مَبْرِي نَفْسِيَهْ

*سبوت من مستری من فضل من مبری نفس من*

مِنْ كُلِّ حَوْلٍ وَمِنْ كُلِّ قُوَّةٍ اِلَّا بِمِ خُرُوجِ صُرِّ

*من کل حول و من کل قوه الا بخرج صر*

خُرُجِ بَصْرِيَهْ اِلَى مَن يَكْتَسِبُهُ وَخُرُوجِ فَيْبِرِ

*خروج بصریه الی من یکتسبه و خروج فایبر*

خُرُجِ بَعْلِيَهْ اِلَى مَن يَغْنِيهَا وَخُرُوجِ مَن رَبِي

*خروج بعلیه الی من یغنیها و خروج من ربی*

اَكْبَرُ تَقْنِيَهْ وَاعْظَمُ رَجَائِيَهْ وَافْضَلُ اَسْمِيَهْ

*اکبر تقنیه و اعظم رجائی و افضل اسمیه*

اللّٰهُ تَقْنِي فِي جَمِيعِ اُمُورِي كُلِّهَا يَهْ فِيهَا

*الله تقنی فی جمیع اموری کلها یه فیها*



جَمِيعًا اَسْعِيْبِيْنَ وَلَا شَيْءَ اِلَّا مَا شَاءَ اللهُ فِي  
 عَلَيْهِ اسْتَدُّ اللهُ اَلْحَبْرَ لَخَرْجِ وَالْمُدْخَلَ  
 لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ اِنَّهُ الْمَصِيْرُ  
 پس بدستگاه هرگاه اس دعا را بخواند در وقت فوج و دخول  
 ادرسه در آنصورتی سالم داد در سلامت برگیرد اسم شرح  
 دعای پانزدهم ای محمد صلی الله علیه و آله هر کس از امت تو  
 که خواه میان من و دعای او صل نباشد و اجابت کنم دعای او را  
 از برای هر امری که باشد خواه آن امر عظیم باشد یا صغیر در بر باشد  
 یا عانیه پس باید که گوید این دعا که مستجاب شدن و اجابت خواننده  
 يَا اللهُ الْمَانِعُ بَعْدَ رِيْءِ خَلْفِهِ وَالْمَالِدُ بِهَا  
 ای خداوند که مانع کننده هست بر آنکه خودش او را مانع او را مانع کند

سُلْطَانَهُ وَالْمُمْلِكَةَ مَا فِي يَدِهِ مِنْ كُلِّ مَوْجُودٍ  
 كُلُّ مَوْجُودٍ وَوَمَنْ يَحْبِبُ رَجَاءُ رَاجِيهِ  
 وَرَاجِحٌ مَسْرُورٌ لَا يَحْبِبُ اسْتَلْكَ بِكُلِّ  
 رِضَى لَكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ اَنْتَ فَيَدِ وَيَكْفِي  
 شَيْءٌ يُحِبُّ اَنْ تَدْكُرِيَهُ وَبِكَ يَا اللهُ فَلَيسَ  
 بَعْدُ لَكَ شَيْءٌ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
 اَنْ يَحُوْطَنِيْ وَوَالِدَتِيْ وَوَالِدِيْ وَمَالِيْ وَاهْلِيْ  
 اِحْوَانِيْ وَنَحْوِيْ مَخِيْطِكَ وَاَنْ تَقْضِيْ خَائِ  
 وادار نما  
 بخند و در دعا خود و اینکه را در حقیت مرا  
 و اولم را  
 و خواهرم را

وَالنَّسِيطُ بِمَا  
 از تقدیر و اب هر که در  
 آگاه و شناخته



لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي كَذًا وَكَذَا هَس

*در دنیا و آخرت در باجهین چنین*  
برسی که هرگاه اس دعا را بخواند پیش از آنکه از مکان خود برود

حجت او را رد کنم شرح دعای ش زده ام ای محمد صلی الله

داله کسی خواهد که جری که کسب ان نزدیک شود رحمت من و

من بکث هم از برای ان باب از ایام که بگوید *بسم الله الرحمن الرحیم* و بگوید صد بار

يَا ذَا النِّعَةِ عَلَى الْمَنَافِعِ لِأَقْسِيَانِ مِنْ لَوْ رَمِ طَلَا

*ای دانه ای ما رحمتان نفع برای خودی ما که از چسبیدن زودمان*

و بِأَهَادِ بِنَا لِعِبَادَةِ رَبِّ الْبَنِي جَاهِلًا سَبِيلًا

*دای باریت گشته . برای بی روش ان عبادت که گدیزد و نادان راهی بود*

دَرَكِ رِضَاةٍ إِنَّمَا نَفَعِ الْحَجْرَ وَلَيْتَهُ يَا وَدِي

*در یافت خوشنودی از برای آنست که می باید در زیر ان حجرت خیمه از خشت بود*

الْحَجْرُ قَدْ آرَدَتْ مِنْكَ وَبَسْتِي ذَلِكِ الْأَمْرُ  
*خیمه جنتی که داده کلام از تو بنام پیردان کاره که در لوله که*

سبنا

کذا

كذًا وَكَذَا وَحِجَّتْ خُذْرًا نَمُ بَرْدٌ وَلَمْ أَحِدِ الْبَيْتِ

*چنین چنین دنیا خردم بویان*

بَابَ سَبِيلٍ مَغْنُوحًا وَلَا نَاهِجَ طَرِيقِي وَأُخِجَ

*در راهی را کشته دنیا خردم باها برای که سواد نمایان*

وَلَا يَهْدِيهِ سَبَبٌ لِي وَأَعْبَتْنِي فِيهِ جَمِيعٌ

*زده اماده کردن سببه خسته کرده مرا در راهی*

أُمُورِي كُلِّهَا فِي الْمَوَارِدِ وَالْمَصَادِرِ وَرَأَى

*کارهای من و کل آنها در درون شرف در کشتن ا در تو*

وَلِي الْفَيْحِ لِي بِذَلِكَ لَا تَنُكَ دَلَلْتَنِي عَلَيْهِ

*عاشق گشته ای برای من در کار برای بگو تو راه خورده مرا بران*

وَلَا تُخْضِرْ عَيْنِي وَلَا تُجَفِّفْنِي عَنْهُ بَرْدٌ فَلَيْسَ

*پس منع کن زرد از من و دست بر نشاندن من که در راهی که بپزد*

بَعْدُ عَلَيْهِ أَحَدٌ غَيْرُكَ وَلَيْسَ عِنْدَ أَحَدٍ  
*که تو ای همه بران کسی غیر تو دست در زد کسی دیگر*

الْأَعْدَاءِ اسْتَلَبَ بِمَفَاحِجِ غُيُوبِكَ كُلِّهَا وَ  
*کرازد تو میوزم ز تو بخی میاید ای غیبهای تو ای کل آنها و*

بَلِّغْتَنِي  
۲۲ بار



جَلَّالٌ عَلَيْكَ كُلِّهِ وَعَظِيمٌ سُؤُنُودُ كُلِّهَا  
 اِقْوَارِ عَيْنِي وَاقْوِاحِ قَلْبِي وَتَهْنِئَتِكَ اِيَّايَ  
 نَعْمَانٌ عَلَيَّ بِبَيْتِ بِرِّضَاءِ حَوَائِجِي وَتَسْخَاكُمَا  
 فِي حَوَائِجِي مِنْ تَسْخَا حَاجَتِهِ مَقْضِيَةً لَا  
 تَقْلِبُنِي بِحُكْمِكَ عَنِ اعْتِمَادِي لَكَ الْاِيَّاهَا  
 فَاِنَّكَ اَنْتَ الْفَتْاحُ بِالْحِجْرَاتِ وَاَنْتَ عَلَيَّ  
 كُلِّ شَيْءٍ عَقْدِي فَاِفْتِاحُ بَا مَدِي بُو هَيْتِي  
 لِي بِبَيْتِ رَسِيهَا وَبِهَلْ عَلَيَّ بَابِ طَرَفِهَا

*حق زکما دیش تو ایان دکن بزرگ از مال تو مای دنیا  
 روشن سخن چشمها و ساز کردن دلها و کلام خوشی تو مرا  
 نعمتهای تو برین بوسید آن کردن بر آوردن حاجات من و توفیق تو را  
 در همه حاجات من که تو هستی حاجت او را بر آورده شد  
 برگردان مرا بحق خودت از همه کس که مراست بر آن تو که با صفات  
 هر مدتی که تو بودی که در همه محراب دوز  
 هر چیز تو را نی پس ای شاه دهنده ای تو بفرستنده راویان  
 بر آن تو که ایان بسین حاجت و هم درین بین در راه ایان*

وای

وَافْحُ لِي مِنْ غَيْتِكَ بَابَ مَدْخَلِهَا بَابِهَا وَ  
 لِنَفْعَتِي حَاجَتِي بِكَ فِيهَا بَارِحِي  
 يَا مُطِئِي الْاَوْدَارِ  
 بَوْرِهِ وَبَا مَنَافِعِ الْاَبْصَارِ مِنْ رُوْبِنِيهِ وَبَا  
 حَبْرِ الطَّوْبِ فِي مِثَابِكَ طَاهِرٌ مَطْهَرٌ  
 بَطْنِ طَهْرَانِ مِنْ طَهْرَتِهَا وَلَبْسٌ مِنْ دُوْبِكَ

*برکت بر آن که از بی نیازت در راه او حاجت او  
 بیه کس که حاجت او را بر آورده ای تو در بیای تو ای  
 پس برستی که هرگاه این دعا را بخواند من از او را ای میخوم داد او  
 دلی خود میگردانم شرح دعای مفید هم ای محمد صلی الله علیه  
 هر کس از است تو که بخواند من از او را حاجت او را بر آورده شد  
 در با و خرد در دست او را هم بر آورده ای تو که با صفات  
 ای تو که بر آن تو که  
 برستی خود دای بر آن تو که جمع دیا از دین خود دای  
 بر آن تو که جمع دیا در باب کار خود برستی که تو پاک کننده  
 پاک میگرد بسین تو مرکز که از او ایان ای دینش که برین*

نجاوری

ای تو که بر آن تو که







الْاَوَانَتْ رَجَاؤَهُ وَمِنْ اَرْجَى خَلْفِكَ  
 كَلَّا اَنَا وَبَا اَللّٰهُ وَلَيْسَ شَيْءٌ مِّنْ خَلْفِكَ اِلَّا  
 وَهُوَ بِيْكَ وَائْتِيْ وَمِنْ اَوْ تَقِيْ خَلْفَكَ بِيْكَ اَنَا  
 وَبَا اَللّٰهُ وَلَيْسَ اَحَدٌ مِّنْ خَلْفِكَ اِلَّا وَهُوَ  
 عَلَيْكَ فِيْ حَاجَتِهِ مُعْتَمِدٌ وَفِيْ طَلْبَتِهِ مَسْتَكِيْمٌ  
 وَمِنْ اَحْضِهِمْ سُوْا اِلَّا لَكَ اَنَا وَمِنْ اَشِدِّهِمْ  
 اِعْتِمَادٌ اِلَيْكَ اَنَا لِاِنِّيْ اَمْسَلْتُ شَدِيْدًا  
 يَغِيْبِيْ فِيْ طَلْبَتِيْ اِلَيْكَ وَهِيَ كَذَاوَكْذَا  
 فَالزود که از امید او بود و از خود امیدواران خفتان تو  
 برای تو ستم و دل خدا نیست چیزی از زبان که بود  
 که او بر تو خفای و از خود خفای آن خفتان از تو ستم  
 و ای خدا نیست هیچ کس از خود از زبان که بود  
 بر تو در طلب تو که کند بهت و در باب مخرج خود خفای تو  
 و از خود بجزیدن خفتان از خود بر او تو ستم و از خود سخت تر از آن  
 از خود بجزیدن بر تو ستم بر او بجزیدن بر تو ستم  
 خوارم بر تو ستم بر او ستم بر تو ستم و دل خدا چنین چنین است  
 فالز

وَسْتَيْهَا  
وَأَمَّ بِرَدَا

فَاِنَّكَ اِنْ قَصَيْدَهَا فُضِيْتُ وَاِنْ لَمْ تَقْضِهَا  
 فَلَا لِقَاضِيَّ اَبَدًا وَاَوْقَدُ لِرَمْنِيْ مِّنْ اَلْاَمْرِ  
 مَا لَا يَدُلُّ لِيْ مِثْلَهُ فَاَلَا لِيْكَ طَلْبَتُكَ اِلَيْكَ  
 بِاَمْنٍ فَاَمْنٌ اَحْكَامُهُ بِاَمْضَائِهَا اَمِضْ  
 فِضَاءَ حَاجَتِيْ هِدِيْهٖ بِاَمْتِنَا نَكْهَانِيْ حُجُوْبِ  
 اِلْاِجَابَةٍ حَتّٰى تَقْلِبَنِيْ بِهَا فَمَا مَجْحُوْبٌ  
 كَانْتُ تَقْلِبُ لِيْ فِيْهَا اَهْوَاَ جَمِيْعِ عِبَادِكَ  
 وَاَمْتِنٌ عَلٰى بِاَمْضَائِهَا وَبَسْبَرٌ هَاوَا اَعْدَا  
 چه بودی که از او بودی ان می را بر آورده می شود و در کار پنداری او را  
 بر آورده می شود هرگز و بختی لازم شده مرا از خود کار  
 آنچه چه نیست مرا در آن پس با آن است که خواهش کردم بوی تو  
 ای که آنگاه فرمان می تو بر او تو پنداری آنها و این کردن  
 بر او در طلب مرا که از آن است بر شت کردن تو در آن از خود پنداری  
 دعوت آنکه رو کردن می مرا بختی چو ای که پنداری  
 که برده باشد آن غلبه می بر او در آن در آن است خورشیدی تمامی پنداری  
 دست کرد برین بر او پنداری او ستم و دل کردن

وَسْتَيْهَا  
وَأَمَّ بِرَدَا



مِنْ تَكْدِيرِهَا عَلَى بَرِّهَا أَوْ بَطُولِهَا

وَكَبِيرِهَا لِي فَإِنِّي مُضْطَرٌّ إِلَى قَضَائِهَا

وَقَدْ عَلِمْتَ ذَلِكَ فَكَيْفَ مَا لِي مِنَ الضَّرِّ

بِحَبْلِكَ الَّذِي تَقْضِي بِهِ مَا تُؤْبَدُ بِهِ مِرَّتِي

كَمَا هَكَاهُ لِي فِي دَعَايِ خَوَانِ صِحَّتِي أَدْرَأُ لَكُمْ مِثْلَ أَرَاكُمُ

أَرَأَيْتَ لِمَا لَمْ يَزَلْ يَكْتُبُكَ شَرِيحَ دَعَايِ نَزْدِمْسِ أَيْ حَمْدِ

صَلَّى لَمْ يَزَلْ يَكْتُبُكَ شَرِيحَ دَعَايِ نَزْدِمْسِ أَيْ حَمْدِ

مَعْتَبَرِ حُودُرِ بَادِرِ كَرَامَتِ لَيْسَ كَيْسٍ كَمَا خَوَاهُ أَرَأَى

مَا سَأَلَكَ لِي بِمِثْلِ دَعَايِ بَرِّهَا لِي بِمِثْلِ دَعَايِ بَرِّهَا

بِأَمْرِ بَلِّ غُلُوبِ الْخَلُوفِ مِنْ هَوَاهُمْ إِلَى هَوَاهُ وَبِأَمْرِ

فَأَصْرَافِئِدَةِ الْعِبَادِ لِإِمْضَاءِ الْقَضَاءِ بِنِقَاطِ

الْقَدْرِ بَدَيْتُ فِي مِثْلِ مَضَائِكَ وَقَدَرِكَ وَإِذَا

وَصِرْتُ عَلَى وَبَدِي وَأَهْلِي وَمَالِي فِي لَوْحِ

الْحِطِّ الْخَوْفِ وَالْحِطِّ بِالْحِطِّ الْخَوْفِ وَالْحِطِّ بِالْحِطِّ الْخَوْفِ

بِالْحِطِّ الَّذِي جَعَلَ مِنْ حِطِّهِ بِهِ مَحْضُوقًا

وَصَبْرُ شَوْبِي كُلِّهَا بِمِثْلِكَ فِي الطَّاعَةِ مِثْلِي

لَكَ مَوَائِبُهُ وَحَبِيبَاتُ مَا حَبَّبْتُ مِنْ مِثْلِكَ

بِأَمْرِ بَلِّ غُلُوبِ الْخَلُوفِ مِنْ هَوَاهُمْ إِلَى هَوَاهُ وَبِأَمْرِ

تفسير

قَلْبِي عَلَى طَاعَتِكَ وَمَعْرِفَتِكَ

حِطُّهُ

إِلَّا



فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اِتَى فِي الدِّينِ وَالْدُّنْيَا حَسْبِي عَلَى ذَلِكَ

*بودن در دین و دنیا و دنیا و دین در دنیا و دین*

فِي الدُّنْيَا وَتَوْفِي عَلَيَّ وَاجْعَلْنِي مِنْ اَهْلِ

*در دنیا و در کربان در بیان و کربان مرا از اولاد*

عَلَى كُلِّ حَالٍ حَبِيبٌ اَمْ كَرِهْتَ يَا جِبْرِيْلُ

*بر هر حال خرد دوست تو ای جبرئیل من دوستی را دوستی*

بِرْسِي كَمْ هَرَكَةُ اَيْنَ اَكْفَتُ نِي نَائِمٍ اَوْ اَقْتَرُ ذَرِيْنِ اَوْ اَدْرِكُ

*طاعت خود را کرده ادنی سازم شرح دعای میستم ای محمد*

صَلَّى اَنْكَرَ عِلْمِ دَالٍ هَرَسَ اَرَاتُ ذَكَرْتُ حَمْدَ رُبُّكَ دَرِّضَا نَعْلَفُ

*و قمر و دوستی را جابت مرا خواهد باید که بعد از صحبت بگوید دعا*

بِحَمْدِ اَللّٰهِ شَدِيدِ حَمْدٍ بَرْدِ دَعَا رُبُّكَ اَتُورُ اَلْحَمْدُ

*بجسته بخدای شدن حمت پروردگار در دعای تو در ضوالت و در ضوالت*

اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا لَكَ اُحْمَدُ كُلُّهُ جَلَنَّهُ وَتَضَيُّدُ

*بار خدایا ای خداوند که زودت سببش نامی از محراب و تضرع*

وَكَأَسْحَدَتْ بِهِ اِلَى اَهْلِ اَلْبَيْتِ كَيْفَ خَلَقْتَهُمْ

*و چنان شکر از خدای تو گویم ای خدایا که از خدای تو که از خدای تو*

لَهُ اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا لَكَ اُحْمَدُ كُلُّهُ اَكْبَدُ لَكَ مَنْ بَا

*ای خداوند که زودت سببش چو که بپندرد در بیان خودت و کلمه کرده*

اُحْمَدُ رَضِبْتُ عَنْهُ لِكِسْرٍ مَا بَدِي مِنْ نَعْمِكَ اَللّٰهُمَّ

*شکرش را از منی شده از او ای خداوند که بپندرد در نعمت تو ای خداوند*

رَبَّنَا لَكَ اُحْمَدُ كَمَا رَضِبْتُ بِهِ لِقَبْلِكَ وَفَضَيْتُ

*ای خداوند که زودت سببش چو که بپندرد در بیان خودت و کلمه کرده*

عَلَيْكَ عِبَادُكَ حَمْدُكَ اَعْدَا اَهْلِ اَلْحَوْفِ مِنْكَ يَا

*ای خدایا که زودت سببش چو که بپندرد در بیان خودت و کلمه کرده*

وَمَرْهُوْبًا عِنْدَ اَهْلِ الْغُرَةِ بِكَ لِيَسْوَ اَمَّاكَ وَمَشْهُوْرًا

*و در مشهور شده زودت ای خداوند که زودت سببش چو که بپندرد در بیان خودت و کلمه کرده*

عِنْدَ اَهْلِ الْاِنْعَامِ مِنْكَ لِاِنْعَامِكَ نُبَاهَا

*تو ای خداوند که زودت سببش چو که بپندرد در بیان خودت و کلمه کرده*

رَبَّنَا مِنْكَ كَثْرًا فِي مَنَازِلِكَ نَدْبَدِي اَبْصَارُ الشَّاطِرِ

*ای خداوند که زودت سببش چو که بپندرد در بیان خودت و کلمه کرده*

وَحَجَرَتْ عَوَّلَهُمْ عَنِ بَلُوغِ عِلْمِ جَلَالِهَا بَارِكْ

*و در راه و حیران که عقوبت بفرمود ای خداوند که زودت سببش چو که بپندرد در بیان خودت و کلمه کرده*

*حمد از غویا فیه  
شکر از غیبش در بیان*



فِي مَنَازِلِ الْعُلَى كُلِّهَا وَتَقَدَّسَتْ فِي الْأَلْيَةِ  
 رَبَّهَا بِهَا عَزَّتْ *تأمل دنیا و دنیایت بشی در آن دنیا*  
 الَّتِي أَنْتَ فِيهَا أَهْلُ الْكِبَرِ بِإِعْلَالِ اللَّهِ إِلَّا  
 كَرَمًا *که در دنیا بجهت دنیا و عظمتی این آنکه تشبیه کرد*  
 أَنْتَ الْكَبِيرُ الْكَبِيرُ الْغِنَاءُ خَلَقْنَا وَأَنْتَ  
 كَرِيمٌ *تر که بزرگ بزرگتری و این در وقتش از خودی ما در دنیا*  
 الْكَلْبُ لِلْبِقَاءِ فَلَا تَنْفِي وَلَا تَبْغِي وَأَنْتَ الْعَالِمُ  
 بِرُجُودِ *بر وجود و این بود که پس در بدنی منی و ما باطنی منی و در دنیا*  
 بِنَا وَحْنٌ أَهْلُ الْعِرْقِ كِ وَالْغَيْلَةُ عَنْ مَثَانِكَ  
 بِإِزَالَةِ *با ازاله و ما اهل باطنی خودیم و در آن شرم از کاره*  
 وَأَنْتَ الَّذِي لَا تَنْفَلُ بَيْنَهُ وَلَا نَوْمٌ بِحَيْثُ بَا  
 وَ تَرَبُّ *و تری آنکه عالی بی تری بی شک و در خواب بختی خودت*  
 سَبَدِي أَحْرَبِي مِنْ حَوْبِلِ مَا أَعْنَتْ عَلَيَّ مِ فِي الدِّ  
 تَقَاتِي *تقواتی من پناه دهم از تشو و در آن آنکه چون خودم در آن با آن خودم در دنیا*  
 وَ الدُّنْيَا فِي أَتَابِ الدُّنْيَا بِأَكْرَمِ *در دنیا در ایام دنیا این عظیم است*

این دعا را خواندگان بگویند از برای ادب هر چیزی که را بی نیت کمال  
 خود کفایت کرده ام و از در رضی میزنم شرح دعای پیش بگویم  
 ای محمد صلی الله علیه و آله هر کس از اوست که خواهد که در آن حفظ کند و  
 یاری در همه با به که در صبح و شام دو وقت خواب کند *دعا کلمه*  
 حفظ دیا ری از پروردگار خود *تصدیق کردن به خدا و خود را از خدا*  
 الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهُ كُلِّ شَيْءٍ وَصَدَقْتَنِي  
 بِنَحْنِ *اینکه خداوند است خداوند که هر چیزی است و صدق است*  
 كُلِّ عِلْمٍ وَوَارَثَهُ وَرَبُّ كُلِّ رِبِّ أَنْشُدْ لِلَّهِ  
 بِرَدِّ *بر هر چیزی است و باقی خود را به هر دو که هر دو که است*  
 عَلَى نَفْسِي بِالْجُودِ تَبَرُّو الذَّلِّ وَالصَّغَارِ وَ  
 بِرُجُودِ *بر خودم برین که رضای و کمال خود را از آن بگویم*  
 حَسْبُ صَنَائِعِ اللَّهِ إِلِيَّ وَأَبُوءُ عَلَى نَفْسِي بِفِيهِ  
 بِرَبِّكَ *بر نیکی کرده ای خدا بر این و جهان کنم با خودم بری*  
 الشُّكْرُ وَأَسْأَلُ اللَّهَ فِي بَعْثِي هَذَا وَفِي تِلْكَ  
 كَرِيمٌ *کرمی است و بخوانم از خدا در این روز خودم با در شب خودم*

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم



هَذِهِ بِحَيِّ مَا بَرَّاهُ لَهُ حَقًّا عَلَى مَا بَرَّاهُ مِنِّي لَهُ  
 که اینست بحی بکوی بند از اولی خود شمع بر آنچه می کند از اولی بارش  
 وَحَيِّ مَا بَرَّاهُ وَأَخْلَصًا وَاتِّقَانًا وَابْتِغَانًا  
 بجز آنم خود در انصاف و خلوص و در یافتن  
 يَا لَيْتَكَ وَلَا اِرْتِيَابٍ حَسْبِيَ اَللّٰهُ مِنْ كُلِّ  
 ای لایست که و نه شک است مرا بعد از هر چه  
 مِنْ دُونِ رَوْحِ وَرَوْحِ اَللّٰهِ وَكَيْلِيْ مِنْ كُلِّ مَنْ سِوَاهُ  
 مرا که غیر کس و رضا و کفایتی بسوی من هر که او را می گزیند  
 اٰمَنْتُ بِسَيْرِ عِلْمِ اَللّٰهِ كَلِمَةً وَعَلَا بِنَيْهِ وَاَعُوذُ  
 عَزَائِفِ اَكْرَمِ بَرِيْهَانِ دَهْنِ صِدْقِ اَمِيْنِ وَكَلِمَةِ نَبِيِّهِ  
 عِيْنًا فِيْ عِلْمِ اَللّٰهِ كَلِمَةً مِنْ كُلِّ سِوَى سُبْحَانَ اَللّٰهِ  
 آنچه در دهن صفت از هر بی تنه بگویم صدارا  
 الْعَالَمِ بِمَآخِلِ اللَّطِيْفِ فِيْهِ الْمُحْصَى لَهُ الْقَادِرُ  
 که در دهن است آنچه از هر بی تنه در دهن است شمرده است از هر  
 عَلَيْهِ مَا شَاءَ اَللّٰهُ كَلِمَةً لَّا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اِيْنِيْهِ  
 بر آن آنچه خواهد بود خدا شده است بت زود گوهر بر سر خدا و بوی آن

وَقَدْ خَلَقْنَا خَلْقًا  
 و آنچه از هر بی تنه  
 رَدِّهَا وَابْتِغَانًا  
 در یافتن و فراخ بند

اَسْتَعِيْنُ اَللّٰهَ  
 طلب امر از خدا

الْمُصِيْرُ بِسْمِ رَبِّيْ كَمَا هُوَ اِسْمٌ وَهُوَ اِحْتِزَانٌ  
 سرودم را با ویل سید هم داد در آنکه سیدم در دین او دور  
 بیا مردم او را بزرگ میکنم شرح دایمیت در دین ای محمد  
 صلی الله علیه و آله همیشه بخورد و دوی بوده است و این سخن هرگز  
 ضرر نکند که با دین پس کسی که خواهد سخن یاد کار کند نامه که گوید  
 و ما یختمه دفع سخن بخواند اَللّٰهُمَّ رَبِّ مُوسَى وَ  
 یا محمد ای در دین کار می و  
 خَاصَّةً بِكَلِمَةٍ وَهَازِمٍ مِنْ كَادِهِ لِيُخْرِجَ  
 خصم منم و از سخن خود در گزاشد و او بر کرد او را بخارند  
 لِعِصَاهُ وَمَعْبَدَهَا بَعْدَ الْعُودِ تَعْبَانًا وَ  
 بر عصای او در او بنده ایضا بعد از کشتن آرد و  
 مَا يَفْضُوْا فَاِنَّكَ اَهْلُ الْاِفْلَاقِ وَوَقْفِ عَمَلِ  
 طبع فرستد آن باطل اهل باطل و ناگفته کار  
 التَّاجِرِيْنَ وَصَبْطِ كَيْدِ اَهْلِ الْفَسَادِ  
 جادو گران و دیکار گشته کار اهل بازاری

131



مَنْ كَادَ فِي بَحْرٍ أَوْ بَصْرٍ غَامِدًا أَوْ غَيْرِ غَامِدٍ  
 هر که که در بحر یا بصره یا غامد یا غیر غامد  
 أَعْلَمَهُ أَوْ لَا أَعْلَمَهُ أَخَافُهُ أَوْ لَا أَخَافُهُ  
 هر آنکه او را با علمم یا بدون علمم از او بترسم یا از او  
 فَاقْطَعْ مِنْ أَسْبَابِ السَّمَوَاتِ عَمَلَهُ حَتَّى  
 برش برید از اسباب آسمان کار او را تا  
 تَرْجِعَهُ عَنِّي غَيْرَ نَافِذٍ وَلَا ضَارٍّ وَلَا مُشَارِكٍ  
 برگرداند او را از من رسیده که در راه نماند و زیان نرساند و شریک  
 إِنِّي أَدْرِيهِ بِعَضُدِكَ فِي حُورٍ الْأَعْدَاءِ  
 من او را می دانم در کنج برتو در حور دشمنان  
 فَكُنْ لِي مِنْهُمْ مَدَافِعًا أَحْسَنَ مَدَافِعِهِ وَ  
 پس تو باش برای من از ایشان مدافعی که نیکوترین مدافعی  
 أَنْتُمْ يَا كَرِيمٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 ای محمد صلی الله علیه و آله هر که با دشمنان من  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 بسم الله الرحمن الرحيم

بی

بقره

فَرَايضٍ وَنَوَاسِلٍ أَدْرَأُ قَبُولَ كُنْمٍ بَائِدُكَ دَعْفُوبِ هَرْنَا زَرْفُضُهُ  
 ناسد این دعا را بخواند **دعا کتبه مقبول شد فرایض و نواسل**  
 يَا شَارِعًا لِلْمَلِكِ كَيْفَ الذِّبْنِ الْفَتْمَةِ دِينًا  
 ای خدایاننده ای در پیشگاهش دین مستقیم را دین  
 وَبَارِضِيًا مِنْهُمْ لِنَفْسِهِ وَبَاخًا لِقَامِنِ  
 دای ای از خودشان برای نفسش دای ای از خودشان  
 سُوَى الْمَلَأَ كَيْفَ مِنْ خَلِيفَهُ لِلْأَمَلِ  
 دای از خودشان است از جمله مقبولش ای خدایاننده  
 يَدِينُهُ بِمَا سَخَّطَ مِنْ خَلِيفَهُ لِدِينِهِ رُسُلًا  
 پیشش دای او را از آنچه خفتش برای پیشش رستاده که  
 إِلَى مَنْ دُونَهُمْ وَبَاخًا لِي أَهْلِ الدِّينِ يَا  
 برای من و برای آنکه در میان خودشان دای با دشمنان اهل دین  
 عَمَلُوا فِي الدِّينِ اجْعَلْنِي مِنْ أَسْمَاءِ الَّذِينَ  
 کرده اند در دین گردان را بکن نام من از آن می که  
 كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ مَسْئُومٌ  
 هر چیزی از خیرات به تو است و هر که از آن است

الخلافة







اعبا في باب طلبه الامينك باخر مطلوب  
 خسته کرده مرا در خوشن آن که از تو ای خبری که طلب  
 الله الخواج با مخرج الاها و بل فوج اها  
 بری در حات ای که زنده خرد و زین ما گوده و زنده  
 في الذي كرمي من دین ضلالتن با سبب  
 در باب آنچه کرمی در امور و در امور و در امور  
 لي من زرفك با فديو ولا يضي ادا الله ولا  
 برای من از زرف تو ای توانی و ضار من بر این است و در  
 بضيقه على و تير لي اداءه فاني  
 بر من که بر من در این ای که ای که ای که ای که  
 مسرنا فانك ربي من سعيت التي لا  
 بنده شده ام بر طرف من بنده که مرا در دایم فریاد خود ای که  
 نبتد ولا نقض ابدا پس درستی که هر گاه این دعا  
 بخواند صاحب دین را اراد بر یکدایم و دین او را او یکدایم  
 دعای بت عظیم ای محمد علی که هر داله کسی را که ترسی سید

عن عبادته همتی  
 زنده کار کند از خدا

فاضله عتی  
 بر همه از این است

باشد و خواهد که نعت خود را در تمام کنم و کرامت خود را با او کار کرده ام  
 اور از مردم و چه کنم پس باید که بگوید **دعا بجهت ترس بخواند**  
 يا حاشي العزيز فلوب اهل التقوى و با مؤمنينهم  
 ای بانه عزت دلای اهل برتر کار را و ای دوست برتر کار را  
 بحسن سراؤهم و با مؤمنينهم بحسن نعتهم استلک  
 بب بخوبی باطنهای آنان و ای صراط مستقیم آن بخوبی بنده که در آن بخواند  
 ما فداؤهم له اخصاء من كل شیء و قد افضنه  
 بکه بخفتی مگر رضای او در کشیدن روز هر چیزی که خفتی با او کرده او  
 علما ان تجيب لي بتبني فاني على الصابنة و  
 از هر کس که این بخواند که تمام است و در آن است و در آن بر حال صاف می  
 الايمان وان توليني من قولك ما يبلغني به  
 صدقن دلان او تمام که بهتری ما در بند من تو ای که ای که ای که ای که  
 يشن الرغبة في طاعتك حتى بالي احد اسواك  
 نترس خفتی در وقت در زمان بداد تو تا آنکه در او به تمام از هر چیزی  
 ولا اخاف شيئا من دونك يا رحيم پس درستی که هر  
 در رسم از صبح هر که روی دست ای هم نشسته

بکل  
 نای







بجاءه اهل اسما من اورا دست دارند و او را شکر نام نهند شرح عالی  
بیت هشتم ای محمد صلی الله علیه و آله هرگز از است و که خواهد که در تجارت  
حد و نفع یا بد و در وقت ابتدا و تجارت بگوید دعا بجزت روح یا من

از تجارت کجاست

باجر فی نفعات اهل التقوی و بامضا عیضا و یا یا  
الأوزانی سحاً الى الخلو فیین و بامفضلنا بالآز  
بعضنا علی بعض وجهی فی تجارتي هذه إلى حیر  
غنی عاصم مشکور اخذ حین شکره لیتفع  
سوی فی تجارتي هذه زرفا نور فی فیء حسن  
نفع

باجر فی نفعات اهل التقوی و بامضا عیضا و یا یا  
الأوزانی سحاً الى الخلو فیین و بامفضلنا بالآز  
بعضنا علی بعض وجهی فی تجارتي هذه إلى حیر  
غنی عاصم مشکور اخذ حین شکره لیتفع  
سوی فی تجارتي هذه زرفا نور فی فیء حسن  
نفع

الصنیع فیما ابتلینتی به و تمنعنی فیء من الضحیان  
و الفویط باخبرنا شرفه لا لثیمت بی بودک  
علی دعاء یا احسن عدو الی و اسعد فی طلبی  
منک و یدعانی ایاک یا ارحم الراحمین و صلی  
الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین الاخیار  
و اسع دعائی و اسحیب یدائی انک سمیع الدعای  
پس درسی که هر که این دعا خواند تجددت او روح میکند و کن قیمت  
بسیکتم نفع او را از برای او شرح دعای بیت هشتم ای محمد صلی  
الله علیه و آله هرگز از است تو اما خواهد از زمین و جمله بودی او تجار  
در وقت اذان حزب کرد دعا جسته اما نین از غریب الی کرب



يَا مُوسَىٰ أَفَبِمَا خَذَلْنَا لَكُمْ فِي الدُّنْيَا  
 اى كمانده چشم خود بر دشمن خود بترسني خداون بر پادشاه در دارنا  
 وَالْعَذَابُ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَاَبَا مُوسَىٰ فَضْلَهُ  
 و عذاب کردن بر پادشاه در اخرت و ابا موسی فضله  
 عَلٰى اَوْلِيَّائِهِ بَعْضُهُمْ اَبَاهُمْ فِي الدُّنْيَا وَرَحِمٰنٌ  
 بر دشمنان خود بخاهد ولى خود را که ابا بر پادشاه در دنيا رحيم بود  
 عَائِدِينَ عَلَيْهِمْ فِي الْآخِرَةِ وَاَبَا شَدِّدَ التَّكْوٰلِ  
 شفقت افام بر پادشاه در دار اخرت و ابا شدت و ابا شاد  
 بِالْاِنْتِقَامِ وَاَبَا حَسَنَ الْخِزَانَةِ بِالْاِنْتِقَامِ مِنَ الْخٰفِ  
 انتقام و ابا حسين خزانه دارن بر ابا  
 وَاَبَا بَارِي خَلْوِ الْجَنَّةِ وَالتَّارِ وَمَلِكُمْ اَهْلِيهَا  
 و ابا بارى خلدن بهشت و ابا ملك و اهل خانه  
 عَمَلُهَا وَاَلْعَالِمِ مِنْ بَصِيرَةِ الْجَنَّةِ وَنَارِهِ بِأَبَا  
 عمل انهاره در دنيا بپرس و بگفت كند كوي بهشت در بهشت او اى  
 هَادِيٍّ بِأَمْضَلِ الْكَلِمِ بِأَمْغَافِيٍّ بِأَمْغَافِيٍّ  
 راه نما اى كه كند راه اى كه بگردد اى كه بگردد اى كه بگردد

اهديني بهدالك وعافني بما فانيك من نكاحي  
 راه نما مرا اهل نكاح خود بگردد مرا بگردد اى كه بگردد اى كه بگردد  
 جَهَنَّمَ مَعَ الشَّابِطِينَ وَاَرْحَمِيْنَ فَاَنْتَ اِنْ لَمْ  
 در جهنم همراه ابراه در ارحم كن مرا چه در نكاح كند اى كه  
 تَوْحَمِيْنَ كُنْتُ مِنَ الْخٰمِسِينَ وَاَعِذْنِي مِنَ  
 در توحم كن مرا اى كه توحم از چهار نيك كاران نيا ده مرا  
 الْاِحْسَانِ بِدُجُولِ النَّارِ وَحَوْمَانِ الْجَنَّةِ  
 زيبان كاشدن بر اهل نكاح نكاح و حومان نكاح  
 مُحَمَّدٍ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ يَا ذَا الْفَضْلِ الْعَظِيمِ  
 محمدى كه بگردد كند بگردد اى كه بگردد اى كه بگردد  
 بِرَحْمَتِ خُودِ مَلِكِشَ تَمَّ شَرِيحُ دَعَايِ مَبْتِ بِيَهْتَمُ اى مُحَمَّد  
 صلي الله عليه واله كسى كه از اهل خود غيب باشد در خواهد كرد  
 بِاِقْتِنَايِ حَوَاجِ اِبْرَاهِيْمَ اَوْ رَبِّ نَمَّ بِيَهْتَمُ اى مُحَمَّد  
 بگويد در ابراهيم كه در غيب باز امدن بگردد خود بخواند



يَا جَامِعًا بَيْنَ أَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَى نَاقٍ مِّنَ  
 الْفُلُوبِ وَيَسِّدُ تَوَاجِدَ فِي الْحَمْدِ وَبِأ  
 جَامِعًا بَيْنَ طَائِعِيهِ وَبَيْنَ مَن خَلَقَهُ  
 لَهَا وَبِأَمْرِ جَاعِنِ كُلِّ مَحْزُونٍ وَبِأَمْرِ قَلِيلٍ  
 عَرَبٍ وَبِأَمْرِ أَحْمَرَ فِي عَرَبِيٍّ حَمِيٍّ حَفِظَ وَ  
 الْكَلَاءِ وَبِأَمْرِ نِيرَانِيٍّ وَبِأَمْرِ مَرَجٍ مَّابِي  
 مِّنَ الصَّبِيقِ وَالْحُورِ بِأَجْمَعِ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ  
 وَبِأَمْرِ مَوْقِفًا بَيْنَ الْأَجْنَاءِ لَا تَجْعَلُنِي بِأَنْفِطَا

بیتهم  
زیرین

أَوْ بَيْنَ أَهْلِ وَوَلَدِي وَلَا تَجْعَلْ أَهْلِي بِأَنْفِطَا  
 أَوْ بَيْنِي عَنْهُمْ بِكُلِّ مَسْأَلَةٍ أَدْعُوكَ فَآ  
 لِي بِذَلِكَ دُعَايَ آيَاتِكَ فَأَرْحَمَنِي يَا أَرْحَمَ  
 الرَّاحِمِينَ

دُوْبَيْدُ

جمع اولین و فرزندان من ازین درود یاد آور ای مرا برترین  
 جمع من ازین بر تمامهایی برال در سوزانم زار برترین  
 ای من بر این بیت دعای من را پس رحمت کن مرا ای رحیم  
 ای ترا رحیم پس برستی که هرگاه این دعا را بخوانی  
 در غربت ایمن او میزوم داد و سلامت با قضای حاجت او  
 برطن بر سر نم **شرح دعای سی ام** ای محمد صلی الله علیه و آله  
 هرگاه کسی از امت خواهد که نماز او در انصافه بسوی خود رنج کنم باید  
 که در وقت فریضه دستهای خود را بردارد و گوید **دعا کبر مع صلوات**  
**منصحت بخواند** یا مَسْدِي الْأَسْرَارِ وَمَهْتَمِ  
 الِكُفَّانِ وَبِأَمْرِ الْأَحْكَامِ وَذَارِي



الانعام وخالق الانام وارض الطام  
 چهار بون در روز ستمه نهن در روز دهمه زمان پروردگار  
 و ملازم الدين و موجب التبعيد استلذ  
 و در ستمه نهن و در ستمه نهن  
 و كليه كل صاوة زكيتها به ان جعل صاوة  
 بنی کوزدن هر غازی را که کوزده بود کوزده روز از کوزده روز ناز  
 هذه زكيتها منقبلة بفقيرها ونصير  
 که در نازت صحت نو پسندیده کرده بر فقیران و ناز  
 يهاديني زاكيا و الهامك فلي حسن  
 بی ناز دین را صحت نو بی ناز دین نو دلها خرد  
 الحافظة عليها حتى يجامعي من اهلها  
 گفته داری بران ناز تا که بگردان نما از اهل ناز  
 الذين ذكروهم ما خوع فيها انت و  
 ان جویی که بگردان نما از کوزده ناز از ناز از صحت نو  
 الحمد لله فلك الحمد كله بكل حمد انت له و  
 تبارک تمامان پس نازت تبارک تمامان تمام ناز که تو از ناز

و جوی من زکیتها له  
 و جوی من زکیتها له  
 من زکیتها له  
 انی که نوزده آن ناز  
 و زکیتها له  
 و بگردان ناز

فلا اله الا انت  
 بسم الله الرحمن الرحيم

وانت ولى التوحيد فلك التوحيد  
 در تبارک کلامه کلامه تبارک تمامان پس نازت کلامه تبارک  
 كله بكل توحيد انت له و انت و  
 تمامان هر روز کلامه تبارک که تو از ناز ناز  
 التهليل كله بكل تهليل انت له و  
 در روز ناز تمامان هر روز تهلیل که تو از ناز ناز  
 وانت ولى التكبير كله فلك التكبير  
 در تبارک کلامه تبارک تمامان پس نازت  
 كله بكل تكبير انت له و انت  
 تمامان هر روز تبارک که تو از ناز ناز  
 ولى التسبيح كله فلك التسبيح كله بكل  
 کلامه تبارک شریف تمامان پس نازت شریف تمامان هر روز  
 تسبيح انت له ولى رب عد على في  
 شریف ناز که تو از ناز ناز  
 صاوا لي هذه برفعكها زاكية منقبلة  
 ناز من که این نازت بر بگردان ناز صحت نو پسندیده شده

فلا اله الا انت  
 بسم الله الرحمن الرحيم  
 فلا اله الا انت  
 بسم الله الرحمن الرحيم  
 فلا اله الا انت  
 بسم الله الرحمن الرحيم  
 فلا اله الا انت  
 بسم الله الرحمن الرحيم



اِنَّمَا نَتَّ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ <sup>بسی برتری که هر کس</sup>  
 برتری که از شنوایی و دانایی  
 این دعا را خواند نماز او را رفع میکند در لوح محفوظ مصحفه  
 شرح دعای بسی برکتم ای محمد صلی الله علیه و آله هرگز از آن  
 نوز که خواهد که کسی را طغیانی نباشد و سر در او دروغ نم ماند که کوب  
 دعا بجهت دفع شر در یا قاضی علی الملک یا اذو

وَمَا يَعْاينَ دُورًا نَبِيًّا سَمِيًّا مِنْ مُلْكِهِ  
 يَا مَعْنى اهل القوي يا ماطنه الاذي  
 في جميع الامور عنهم لا يجعل ولا يبي في  
 الدين والدنيا الى احد سواك واسفع

يَتَواصى اهل الخبر كلهم الى حتى اناك  
 من خبرهم خبره وكن لي عليهم في ذلك نبيعا  
 وخذ لي يتو اهل الشتر كلهم حتى اعاني  
 من شترهم كلهم وكن لي منهم في ذلك حاضرا  
 وبعني مدافعا ولي ما يعا حتى اكون امينا  
 يا مانيك لي يولا بيتك لي من شتر من لا يوت  
 شتره الا يا مانيك لي يا كريم يا ارحم الراحمين  
 فانه اذا قال ذلك لم يضره كبد الكايد



پس برستی که هرگاه این دعا را خواند هرگز که کایدان  
باد ضرر نمی کند

از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده اند که هر که خواهد پیروز رود  
از دنیا حال آنکه پاک شده باشد از گناهان چنانچه پاک می شود طهارت  
که از زاد اصدی مظهره باز خویشت نماید در قیامت پس بخواند بعد از نماز  
پنجگانه نسبت روز دکار را یعنی کوره قل هو الله احد و دوازده مرتبه پس  
دستها را بسوی آسمان بکشد بدو این دعا بخواند پس حضرت فرمود  
که این از زمانای کمون است که تقسیم که ما رسول خدا صلی الله علیه و آله  
و امر کرد که تقسیم نماید بحین و حین صلوات الله علیه ما و علی ابنا

دعا این است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكُونِ الْخَرُونِ  
الظَّاهِرِ الْبَارِكِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

خ

الْعَظِيمِ وَسُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ يَا وَهَّابَ الْعَطَا يَا  
يَا مُطَوِّبَ الْأَسَارِي يَا فَكَالَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ  
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ  
وَأَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا آمِنًا وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ  
سَالِمًا وَاجْعَلْ دُعَائِي أَوَّلَهُ فَصَلِّحًا وَآخِرَهُ  
نَجَاحًا وَآخِرَهُ صَلَاحًا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ  
در بعضی از نسخ معتبره دعا چنین است يَا فَكَالَ الرِّقَابِ  
مِنَ النَّارِ أَنْ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

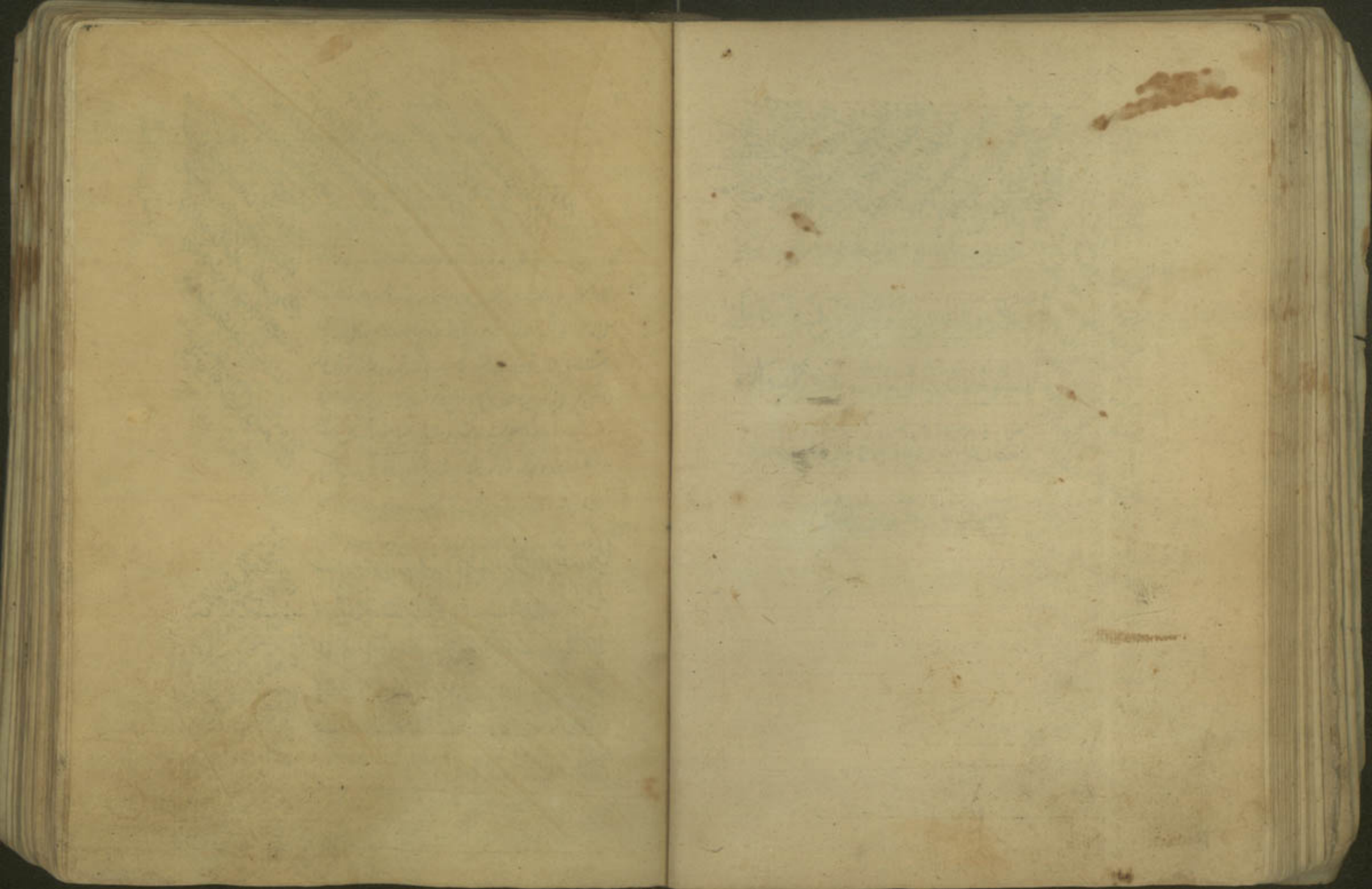


























بیت

اسْتَغْنِيَتْ وَيُعْمِدُكَ أَصْبَحَتْ وَأَمْسَبَتْ اللَّهُمَّ  
*سنتغنی شدم و بختی از صبح کردم بستم کردم خدا را*  
 إِنْ أُشْهِدَكَ وَكُنِيَ بِكَ شَهِيدًا أَوْ أُشْهِدَكَ لَيْلًا  
*بدرستی بن شهادت بکنم تا که بنی بتر شهادت بکنم و بکنم*  
 وَأَنْدِيَاءَكَ وَرُسُلَكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكَّانَ  
*و پیغمبران را رسولان را و حاملان عرش تو را و ساکنان*  
 سَمَوَاتِكَ وَأَرْضِيكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ يَا نَبِيَّ  
*سماوات تو را زمینهای تو را و جمیع خلق تو را ای نبی*  
 اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ  
*تو خداوندی نیستی مگر تو که شریک نداری*  
 وَأَنْتَ مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّكَ عَلَى كُلِّ  
*و تو محمدی هستی بنده تو و پیغمبر تو و بکنی*  
 شَيْءٍ قَدْ بَرَّحْتَنِي وَمَمِيتٌ وَمَجِيءٌ وَشَهِيدٌ  
*چیز تلاشی نرفتنی و می برانی و می بری و شهادت*  
 أَنْ أَلْجُئَ حَيْثُ وَالنَّارُ حَيْثُ وَالسُّورُ حَيْثُ وَالسَّائِرُ  
*کجای برفت حقیت ازین صحنه حقیت و مشرک شوی حقیت و حقیت*

و ارضيك

الذي

ان في الوتر

اَيْبَةُ لَا رَبِّبَ فِيهَا وَأَنْ اللَّهُ بَعَثَ مِنْ خَلْقِ  
*ایبده است هیچ شئی نیست در آن و بفرستد خدا بری از خلق که خدا کرد*  
 الْغُبُورِ وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ  
*خبر ایند و خداست بر همه که بر حق است علی بن ابی طالب*  
 أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَاضِرًا وَأَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ  
*پیشتر از زمان حقیت حقیت و بکنی ایمان را*  
 وَلَدِهِمُ الْأَئِمَّةُ الْهَدَاةُ الْمَهْدِيُونَ  
*از ذریه او پیشتر ایمان را هدایت کنندگان هدایت یافته اند*  
 غَيْرَ الضَّالِّينَ وَلَا الْمُضِلِّينَ وَأَنَّهُمْ أَوْلِيَاكَ  
*غیر از گمراهان را و غیر از گمراهان را و بکنی ایشان را*  
 الْمُصْطَفُونَ وَخَيْرُ بَنَاتِ الْغَالِبِينَ وَصِفْوَتُكَ  
*و بهترینان را و بهترین دختران را و درایت کنندهان را*  
 وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَجِبَابِكَ الَّذِينَ أَنْجَبْتَهُمْ  
*از خلق تو و بهترینان تو را و آنرا که از ایشان را*  
 لِذُرِّيَّتِكَ وَأَخْصَصْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ وَأَصْطَفَيْتَهُمْ  
*از ذریه خود و مخصوص از ذریه خود را از خلق خود و برگزیدی ایشان را*

در وقت بفرستد خدا  
 لا اله الا انت سبحانك انك  
 انت خالق كل شيء و انت الغفور  
 الحكيم من الظالمين ما حلتك  
 زودتر از زمان حقیت حقیت  
 از ذریه او پیشتر ایمان را  
 هدایت کنندگان هدایت یافته اند  
 از ذریه او پیشتر ایمان را  
 هدایت کنندگان هدایت یافته اند  
 از ذریه او پیشتر ایمان را  
 هدایت کنندگان هدایت یافته اند

و بکنی ایشان را  
 و بهترین دختران را  
 و درایت کنندهان را  
 از خلق تو و بهترینان تو را  
 و آنرا که از ایشان را  
 از ذریه خود و مخصوص از ذریه خود را  
 از خلق خود و برگزیدی ایشان را



صَلِّوا عَلَیْهِمْ  
اجتنبین

عَلَى عِبَادِكَ وَجَعَلْتُمْ حُجَّةَ عَلَى الْعَالَمِينَ وَ

*بر نبوی خود و کردید بر ما حجت خود بر اولی عالم*

السَّلَامَ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ

*رحمت و برکت رحمت خدا بر اولاد خود*

اَكْبُرُ لِي هَذِهِ الشَّهَادَةُ عِنْدَكَ حَتَّى نَلْقَيْهَا

*بزرگترین برای من شهادت است نزد خود تو این که تا ما را نماند*

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَنْتَ عِنْدِي رَاضٍ إِنَّكَ عَلَى مَا نَأْتِي

*روز قیامت و تو نزد من خوشنودی بر آن که ما را نماند خواهی*

فَدِرُوا لِلَّهِمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَتَّى يَضَعُوا أَوْلَادَهُمْ

*تا در روز قیامت از اولاد خود بگذرانند و اولاد خود*

يَقْدِرُوا حِزْبَهُ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَتَّى يَضَعُوا لَكَ

*تمام شود از اولاد خود از اولاد خود بگذرانند و اولاد خود*

السَّنَاءَ كَقَبَائِلِهَا وَتَسْبِيحُ لَكَ الْأَرْضُ وَمَنْ

*اسمان و اطراف آن را تسبیح کند از اولاد تو زمین و آنچه*

عَلَيْهَا اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَتَّى يَضَعُوا أَسْمَاءَهُمْ أَبَدًا

*بر زمین است خداوند از اولاد تو همه را همه در ابد*

اللهم

بَدِّلِي  
مخترجه

لَا انْقِطَاعَ لَهُ وَلَا نِفَادَ وَكَانَ يَنْبَغِي وَالْبِكَ

*که نظر از برای این است و قاصی مندر و از برای تو نماندند و بودی*

فِي وَعَلَى وَكَدَى وَمَعِيَ وَقَبْلِي وَبَعْدِي وَ

*درون و درین درون و درین و درین و پیش از من و بعد از من و*

أَمَامِي وَقَوْبِي وَنَحْيِي وَإِذَا مِتُّ وَلَيْفِي

*پیش از من و در پیش از من و در پیش از من و در پیش از من و*

قَوْلًا وَحَيْدًا وَكَانَ الْحَمْدُ إِذَا أَسْرَتْ وَ

*شرف و بی و در روز قیامت همه بگویند محمدا را شرف و*

بُعَيْتُ بِأَمْوَالِي اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ

*بر آنچه از من است خداوند از برای تو شکر و در شکر*

يَجْمَعُ حَمْدِيكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعْمَائِكَ كُلِّهَا

*همه حمدی تو را که در همه بر جمیع نعمتای تو هر زمانه*

حَتَّى يَبْدِي الْحَمْدُ إِلَى مَا نَحْبُ رَبَّنَا وَنُضِي

*تا که بدیدیم حمدی تو را آنچه دوست داریم و دوست داریم و*

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ كَلِمَةٍ وَسَمِيَةٍ

*خداوند از برای تو حمد بر هر سخن و نامی و*

وخالفی

مَنْ قَلْبُهُ  
پس از آنکه

لَكَ







الظلمات وَنُجْحَ مَرِّ فِي الظُّلَمَاتِ إِلَى  
 التَّوْبِ مَبْدَلِ السَّيِّئَاتِ حَسَابٍ وَجَاعِلِ  
 الْحَسَابِ دَرَجَاتٍ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ  
 غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ  
 الْعِقَابِ ذَا الظُّلْمِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْبَدِيعُ  
 الْمُحْسِنُ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذَا  
 نَامُوا وَكَانَ فِي النَّهَارِ إِذَا هُمْ يَحْيَوْنَ  
 فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى وَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا

*تاریخی درود از کتب بزرگ تاریخی بونی  
 در جوابی بر گفته که ما حسنها و کرد و خیزه  
 حسنها درجه حساب مرزب حد  
 از زنده کشته و قبول گفته توبه سخت سزای  
 عذاب عجب عطا بیت خود که از  
 بزرگت ضراب از کتب حد در شب بگو و بگو  
 در روزی که حد در روز بگو و بگو و در روزی که حد  
 در حسنت و دنیا و از کتب حد شماره ۱۱*

تَحْمِيمِ وَمَمْلَكِ فِي السَّمَاءِ وَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا  
 وَالْحَمْدُ وَالنُّوَى وَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا  
 وَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا مَا فِي جَوْفِ الْأَرْضِ  
 وَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا فِي الْجَارِ وَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا  
 أَوْزَانِ الْأَنْجَارِ وَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا عَلَى  
 وَجْهِ الْأَرْضِ وَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا  
 كِتَابِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا مَا أَحَاطَ بِهِ  
 عِلْمُكَ وَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا الْإِنْسِ وَالْحَيِّ وَالْحَيَّاتِ

*ستاره اولی که در آسمان و از کتب حد شماره خاک  
 در کتب زنده و حد در دنیا و از کتب حد شماره بیست و هفت  
 در روزی که حد شماره اجمار در دنیا و از کتب حد شماره  
 در حقای درختان در روزی که حد شماره که بر  
 روی زمین است در روزی که حد شماره که بر حایلی  
 کتب از در کتب حد شماره که اصطلاح بود  
 هم از در کتب حد شماره است جز در روزان*

ما فی  
 ما حور  
 آوزان  
 و نظیر الا



وَالطَّيْرَ وَالْبَهَائِمَ وَالسَّبَاعَ حَمْدًا كَثِيرًا  
 دَرَفْ وَجَارِبَانِ وَرَزَا حَمْدِ سَبَاعِ  
 طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ كَمَا حُبُّ رَبَّنَا وَرَوْحِي  
 سَبْعُ بَارَكَاتٍ دَرَانِ حَمْدِي كَرِيمَةٍ بِهَذَا دَرَانِ  
 وَكَسَائِنِ بِنِي لِكَرَمِ وَجْهِكَ وَعِزِّ جَلَالِكَ  
 وَجَمْعِ يَدِكَ خَدَائِكَ لِذَلِكَ ذَاتِ نُو وَنَعْتِ نَزْوَلَا  
 دَهْ مَرْتَبَةً سَبْعُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا  
 شَرِيكَ لَهُ لَمْ خَدَا لَمْ خَدَا لَمْ خَدَا لَمْ خَدَا  
 شَرِيكَ لَنَا لَنَا لَنَا لَنَا لَنَا لَنَا لَنَا لَنَا لَنَا لَنَا  
 الْحَبِيرُ وَدَهْ مَرْتَبَةً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ  
 دَرَانِ  
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَمْ خَدَا لَمْ خَدَا  
 شَرِيكَ دَرَانِ لَنَا لَنَا لَنَا لَنَا لَنَا لَنَا لَنَا لَنَا لَنَا  
 مِيمٌ وَمِيمٌ وَجِبِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ  
 دَرَانِ دَرَانِ دَرَانِ دَرَانِ دَرَانِ دَرَانِ دَرَانِ دَرَانِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَدَهْ مَرْتَبَةً اسْتَغْفِرُكَ اللَّهُ  
 دَرَانِ دَرَانِ دَرَانِ دَرَانِ دَرَانِ دَرَانِ دَرَانِ دَرَانِ  
 الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَنْتَ  
 الْيَسِيرُ وَدَهْ مَرْتَبَةً يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ دَهْ مَرْتَبَةً  
 لَبِيْ اَوْ اِيْ مَرْتَبَةً اِيْ مَرْتَبَةً اِيْ مَرْتَبَةً  
 يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ وَدَهْ مَرْتَبَةً يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ  
 اِيْ مَرْتَبَةً اِيْ مَرْتَبَةً اِيْ مَرْتَبَةً  
 يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَدَهْ مَرْتَبَةً يَا  
 تَارَةً مَرْتَبَةً اِيْ مَرْتَبَةً اِيْ مَرْتَبَةً  
 ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ دَهْ مَرْتَبَةً يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ  
 اِيْ مَرْتَبَةً اِيْ مَرْتَبَةً اِيْ مَرْتَبَةً  
 وَدَهْ مَرْتَبَةً يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ دَهْ مَرْتَبَةً يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ  
 اِيْ مَرْتَبَةً اِيْ مَرْتَبَةً اِيْ مَرْتَبَةً  
 وَدَهْ مَرْتَبَةً يَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَدَهْ مَرْتَبَةً يَا اللَّهُ  
 اِيْ مَرْتَبَةً اِيْ مَرْتَبَةً اِيْ مَرْتَبَةً







والله اعلم  
 وبالله التوفيق  
 والحمد لله رب العالمين  
 محمد بن ابي بكر  
 في رجب سنة ١٠٠٠

والله وعد على بحلمك وفضلك الهى امسى  
 والادرج بجزاى بربى باري خوت وفضل خوت خداوندان  
 ففرى مستجير اينك فصل على محمد  
 خستج من پناه ازدهت بنجاي تو بر خوت بر خوت  
 والله وارزفنى من فضلك الواسع الهى  
 والادرج دهرا از فضل وادج خوت كوشين  
 المربى الهى امسى ذنبى مستجير امغفرتك  
 وكوايت خداوندان كهت كنه من پناه جزدهت باغوش  
 فصل على محمد والله واغفر لي مغفرة عظيما  
 پس حرفت بر خوت الهى والادرج وپناه جزدهت  
 جزما لا تغادرى ذنبا ولا ارتكب معها  
 جزم كد كدازى از باى كنى ومرت فوم بان  
 حرمما الهى امسى ذنبى مستجير امغفرتك فصل  
 مرادى او از باى كهت ذنب من پناه جزدهت بر خوت  
 على محمد والله واغفر لي اغفر لى بعد  
 بر خوت الهى والادرج ومرت من پناه جزدهت خداوندان

ابدا

ابدا الهى امسى ضعفى مستجيرا بقوتك فصل  
 هرگز خداوندان كهت ضعف من پناه ازدهت بقوت تو بر خوت  
 على محمد والله وقوتك رضاك ضعفى الهى  
 بر خوت الهى والادرج والادرج ورتى من خوت من خوت  
 امسى ورحمى لى الفانى مستجيرا بخوتك  
 ش كهت روى كنه فانى من پناه جزدهت روى تو  
 اللاتم الباقى الذى لا يئلى ولا يفتنى  
 وپناه باقى كنه كنه من خوت وفاقى من خوت  
 فصل على محمد والله واغفر لي مغفرة عظيما  
 پس حرفت بر خوت الهى والادرج وپناه جزدهت  
 التار وفضل الدنيا والاخرة اللهم  
 ليش وادج خوت وادج خوت خداوندان  
 صل على محمد والله واقف لي باب  
 خوت رت بر خوت الهى والادرج وادج خوت  
 الامر الذى فيه اليسر والعافية و  
 كار بخالى در اوت بهت وادج خوت



الْبَخَّاحِ وَالْوَزَقِ الْكَثِيرِ الطَّيِّبِ الْحَلَالِ

*بکھاری دروزی بسیار پاکیزه حلال*

الْوَاسِعِ اللَّهُمَّ بَصُرْ مِنْ سَبِيلِكَ وَهَبْ لِي

*واسع خداوند آفریننده ای که در راه او راه آید و چیزی که از او آید*

مُخْرَجَهُ وَمَنْ قَدْ رَثَ لَهُ مِنْ خَلْفِكَ

*مخرج از او کسی که تقدیر کرده از برای او از خلق خودت*

عَلَى مَقَدَّتِ مَقَدَّرَةٌ لِسُوءِ فَصَلِّ عَلَيَّ

*بر من شغلی که مقدر کرده است بمجهدی پس در وقت نماز*

مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَخَذْ عَنِّي مِنْ يَمِينِ يَدَيْهِ

*تقدیر از برای او و آید و بگیر او را از جانب راستش از برای او*

وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَ

*و از پشت او و از دست راست او و از جانب چپ او و*

مِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ وَاجْعَلْ لِسَانَهُ وَقَعْرِيكَ

*از بالای او و از زرد او و تمام آن زبان او را گدازد از پشت او*

وَاخْرِجْ صَدْرَهُ وَاجْعَلْهُ مِنْ أَيْدِي

*او را از دل بیرون آید و بگردان او را از برای*

الْبَخَّاحِ

أَنْتَ وَالْأَحَدِ مِنْ أَهْلِ مَنْ يُعِينَنِي لَمْ أَوْ

*و ای یاری داری از اول آن کسی که او را شکر کند از او یاری*

شَيْءٍ مِمَّا حَوَّلْتَنِي وَرَزَقْتَنِي وَأَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ

*چیزی از آنچه انعام داده مرا در روزی کرده مرا و انعام کرده از او بر من*

مَنْ فَيَكِلُكَ وَكَثِيرٌ سُبُوهُ بَأْسٌ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ

*از آن که تو را بکشد بسیار بی روی ای کسی که من از او بگردد من از*

جَبَلٍ أَوْ مَرِيدٍ بَأْسٌ مِنْ حَوْلِ بَيْنِ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ يَا

*رک کردن ای کسی که از او بگردد میان مرد و دل او ای*

مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى بَأْسٌ هُوَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ

*کسی که من نظر کرده است بگذشت ای کسی که من است مثل او*

شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ يَا أَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقِّقْ

*چیزی را از شنیدن و بین ای کسی که از او بگردد تو حقیق*

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَضْرِبْ عَنِّي يَا أَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقِّقْ

*ای او را ضربه بکن از من شکر از او ای کسی که از او بگردد تو حقیق*

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ احْسِنِي يَا أَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقِّقْ

*ای او را حسنه بکن از من ای کسی که از او بگردد تو حقیق*







بمجلسی می فرسند و آن را می کند به پیش پسر و پسر سر کنند و در کجا  
و در هر کس سر کنند با به برز و بعضی گفته اند که پیش امور فاکر که در صورت  
بج و آن او که در بیت در وضع کوش است از برای جهات و چه که بیخ نرسد  
جمع است و ذکر کوش در این است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا مُبْتَدِيَا بِالنَّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا يَا رِثَاةَ يَا رِثَاةَ  
ای ای مبتدیا ای ای نعمت ای ای رثا که ای ای رثا که ای ای رثا که

يَا رَبِّي يَا رَبِّي يَا رَبِّي يَا رَبِّي يَا رَبِّي يَا رَبِّي يَا رَبِّي  
ای ای رب ای ای رب ای ای رب ای ای رب ای ای رب ای ای رب ای ای رب ای ای رب

رَغَبَاتِهِ اسْأَلُكَ بِكَ وَبِحَبْلِ وَعَلِيٍّ وَفِطْرَتِهِ  
رغبت ای ای رگبت ای ای رگبت ای ای رگبت ای ای رگبت ای ای رگبت ای ای رگبت ای ای رگبت

الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ  
حسن حسین علی بن حسین محمد بن

عَلِيِّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ  
علی جعفر بن محمد موسی بن جعفر

وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ  
علی بن موسی محمد بن علی علی بن محمد

وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الْأَمِينِ  
حسن بن علی القائم مهدی امین

الْمُهَادِي عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ  
المهادی علیهم السلام ان یصلی علی محمد و آل



مُحَمَّدٍ وَاسْتَلِكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْ لَا تَشْتَوِيَ خَلْقِي بَا  
*عنه سواد و بطیبم از او خدا ایضا بلکه از من بر آن*  
لثَارِ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَرَوْحُ فَرْجِي وَأَنْ  
*از چشم و بیکه منی بانی بکنه از کوزه الی این*  
*نزد بخت از عین حیات که هر کس که بهتاسم از چشم من و این کوزه که از*  
*شرایف و موهبت با برکت*

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَوَكَّلْ  
*بسم خدا بچشمه مهران منت خدا ایضا از کلام*  
وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ مَا شَاءَ اللَّهُ وَمَا لَمْ يَشَأْ  
*داو بود که عرش عظیم است که هر چه خدا خواهد آنچه خواهد است*  
يَكُنْ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ  
*می بود که ای بوم بکنه خدا بر هر چیز قادر است*  
وَ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْحَامٌ  
*و بکنه خدا بر هر کس که قادر است*  
بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ  
*بسم جبری از روی مولا خدا که از هر چه می ترسم از روی مولا*

در مغز

وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا  
*از شر هر جنیده که از کوزه بر می مشانی از چشم*  
رَبِّي عَلَىٰ صُلْحٍ مُنْتَقِمٌ  
*که هر کس که از شر من است او است که بر من اخفت و در هر امر از او است*  
*و مغزاید خدای ۱۲ سال و در آن از زیر سر خود از دست من هر چه بود که از*

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الْعَمَلِ سُوْلِي وَأَعْفُ عَنِّي بِحَبِي  
*خداوند اجر من را از نزهت که خوش را و عفو بفرما از من بکن*  
الرَّسُولِ وَأَسْقِنِي شَرْبَةً يَكْفِي عَلَىٰ سَيْدِ  
*ال کبریا ایضا و بشان شربتی درت می پرهم سید*  
الْأَوْصِيَاءِ فَرُوحِ بَنِي آلِهِمُ الْكَرِيمِ شَفَاعَةً  
*ال اسیاه سوره مائده ایضا شرفی که در هر دو آن شفاعت*  
جَمْعِ الْأَوْلِيَاءِ وَفِي زُمْرَتِهِمُ الْمُتَعَدِّينَ  
*همه در میان خودت و در زمره ایشان در میان متغذیان*  
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ  
*درست خودت ای مهربانتر از همه مهربانان یا سزایان ایضا در هر*



از حضرت که علم علیه السلام بر وی شده است که در کتاب بفتح آن حضرت  
 که کسی بخواند بسم الله الرحمن الرحیم را بر روی خود برود و از دست او بیفتد  
 از بس که اگر چه کاسه باشد و در آن کرده است که حضرت آن در فرعون را  
 بکند و عوای را بپست میکرد و روزی او را با کاسه کرد و باطل آن در برود  
 خانه خود بسم الله نوشته بود و در هر حرکت موسی علی نبی است و رحمت  
 او را از خداست و طلب کرد حضرت الله لاله و حی و قیوم است که در کعبه  
 گماهیکنی موسی بن نبی که بکند که او در خانه خود نوشته است از حضرت  
 صافق بر اسم برویت که یک از آن که معنی داشته و از او بی  
 کوبد و نازل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للیومین  
 و نازل کنیم از قرآن آنچه که در شف و رحمت در اول  
 وقت بر آن است بکند حضرت الله لاله او را از آن است شفا بدهد و از  
 حضرت لام فقه علیه السلام روایت که فرمود که از برای دفع جمع ارباب بوی  
 یا منترک لک الشفاء و نازل در حضرت موسی روایت که در دو سجده آن کلمات  
 بر برین خواند که از آن نازل او را شده و هر که مرگ او مقدر شده باشد  
 در این کلمات است در هر شب محمد بن علی را دعا دهد بر کوه که بر لب

بسم الله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 بسم الله الرحمن الرحیم  
 خداوند است بده عروان

يَا ذَا شَمِ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ يَا  
 اِي ميث اسم الله بر خلاق ای بی شکر دستیار  
 الْعَظِيمِ يَا صَاحِبَ الْمَوْهَبِ الْتَيْبَةِ صَلِّ عَلَى  
 عليه و آله ای صاحب بخششای بیز دستیار  
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خَيْرَ الْوَرَى بِحَيَّةٍ وَأَعْفَى  
 محمد و آل محمد در حال محمدی از مردان که بهترین خلقند و پادشاه  
 لَنَا يَا ذَا الْعِلْمِ فِي هَذِهِ الْعَيْشَةِ الرَّحْمَتِ لَمْ يَسْكُرْ  
 مرا ای صاحب علم در این دنیا رحمت که هرگز

عند اسم او است که هر که در روز قیامت در هر وقت از این کلمات  
 بخواند نفس او در رخ بر وی حرام کرده است تا بر نی نماند  
 أَظْفِرُ بِهِ خَرَابِجَ الْحَاظِمَةِ الْمَصْطَفَى  
 که در روز قیامت بر آن در وقت قیامت که استخوان است  
 الْمُرْتَضَى وَبَنَاهَا وَالْفَاطِمَةَ  
 و این کلمات است در روز قیامت که هر که بخواند



شرح این دعا می خندد اینست که هر کس از کباب و گوشت کرده اند که در وقت نماز مسجده  
 خوانده شود دستها دعا می خرد است و بسبب سینه این است که در وقت  
 نام بخواند اسم روایت کرده اند و او از بهر کوه کوه که هر که بر روز اول دعا  
 بخواند از جمع با او در لاله خدا باشد و مع تنبیل او در خط خدا باشند و یکی که  
 می بر روز و زمان دعا بخواند روزی در آن شهر است و در جمیع شهر بر خشت  
 و خانه آن می به و بسبب آنرا از آن می بر سینه نکند که من آن دعا را هر روز  
 بخوانم از هر کس از آن دعا من محفوظ مانده و بسیار محبت و دفع بلا دارد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي اصْبَحْتُ  
 شهادت م خداوند بخشنده مهربان خداوند بخشنده مهربان که می صبح کردم  
 اشهدك وكفرك وشهدك واشهدك ملائكتك  
 که می گواهم تو را و کفایت منی بخداوندی چون گواهم بهرم از شرف نالی تو  
 وحمل عرشك وسكان سبع سمواتك وآر  
 و حمل عرش تو را و ساکنان هفت آسمان را و زمینها  
 و آندانتك ورسلك والصلابين من عبادك  
 و پیمان تو را و درختها را و صلیبی از پیمان تو را

در جمیع

و جميع خلقك فاتهد في وقتك شهادت  
 و در جمیع خلق تو را بر کوه پس از آنکه من در این دعا بخوانم  
 اخی اشهدك انك انت الله لا اله الا انت المعبود  
 ای یمن که می پرستم بخدا تو را یعنی خداوند که هست خداوند تو پرستیده شود  
 وخذك لاشريك لك وان تحمدا صلى الله  
 شهادتی بر تو که هیچ شریکی برای تو نیست و آنست که حمد را صلی الله  
 عليه والى عبدك ورسولك وان كل  
 رواه در ایالات دیده تو در سوره نعت در یکجا هر یکشنبه  
 ثم ادون عرشك الى قواد ارضك لتابعه  
 از مادون عرش تو تا فرارگاه زمین بشمار تو  
 التفتل باطل مضمحل ما خلا وجهك الكريم  
 که بر تو نیست باطل و بی وجهت بر روی تو را که  
 قاتله اعتر و اكرم و اجل واعظم من ان  
 بر کوه تو را که اعتر و اكرم و اجل واعظم من ان از هر یکشنبه  
 الواصفون كنه جلاله او فتدي القلوب  
 و وصفندگان کنه جلاله او فتدی القلوب را



ارْكُنْهُ عَظَمَتِهِ يَا مَنْ فَا نَصَحَ الْمُنَادِ حِينَ

*لور صفت عظمه ای کی که در حق بیخ مرع مستعدگان*

فَخَرَّ مَدْحَهُ وَعَدَا وَصَفَ لَوْ صِفُونَ مَا ثَرُ

*فر مرع له وبقار کوب بصف وخطه که ان از می*

حَكِيمٍ وَحَلَّ عَرَفَقَالَ النَّاطِقِينَ تَعْظِيمُ

*مذمتش از مزلت القوی منقشندگان وکی*

شَيْبِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ وَأَفْعَلُ

*شاید بر صفت بر محمد و با صلوات و حمد بر محمد*

بِنَامَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَهْلَ النَّقْوَى وَأَهْلُ

*با خبره که از اهل ان اهل نقوی و اهل*

المغفرة

*شرح ده بر بزرگوار است که حضرت رسول به همه داد و همه در خود  
بر که سه بار روزی بنام بگویند با خود و از دو در صدای که بر این بنام  
فرستاد که در پیش و تنی و تنی بروی کار که ان است و الله تبارک*

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

*بسم الله الرحمن الرحيم*

يا الله

يا الله يا الله يا الله ياربت يارب يارب

*ای خدا ای خدا ای خدا ای یارب ای یارب ای یارب*

يا ذا الجلال والإكرام يا أرحم الراحمين

*ای عزت زکی ای رحمتی ای رحمتی ای رحمتی*

يا حيُّ يا قيُّومُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ

*ای زنده ای با دایره مداره ای به بهر من تو از*

ذَهَابِ الدَّوْلَةِ وَتَغْيِيرِ النِّعَمِ وَتَحْوِيلِ

*زستن دولت تغییر نفع من و تحویل*

العَافِيَةِ وَعَلَبَةِ الشِّقَاقِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

*عفت و نایب من عافیت مداره ای عافیت من*

زِيَادَةَ فِي الْعِلْمِ وَالْعَمْرِ وَتَرْكَةً فِي الشَّرِّ فِي

*زیادتی در علم و عمر دولت در شری*

وَدُخُولًا فِي الْجَنَّةِ وَصِحَّةً فِي الْبَدَنِ وَتَوْبَةً

*دو در دخول در بهشت و صحت در بدن و توبه*

قَبْلَ الْمَوْتِ وَمَغْفِرَةً عِنْدَ الْمَوْتِ وَبِحَانًا

*پیش از مردن و مغفرت در مرگ و بیحانت*



مِنْ الشَّارِبِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

*از این برکت تو ای رحیمترین رحیم کنان  
هر کس از این دعا بخورد در هرستان که خواهد که در ملک قزاق از آن  
بهرستان برود و اگر در کوهها و بیابانها و در هر جای که خواهد که  
سیر کند و در هر کجا که خواهد که در هر کجا که خواهد که در هر کجا  
تاقیت در راه و اگر پیش از طوع و نیت در هر کجا که خواهد که در هر  
که در راه باشد و اگر پیش از طوع و نیت در هر کجا که خواهد که در هر  
و قزاق و در هر کجا که خواهد که در هر کجا که خواهد که در هر کجا*

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فِي السَّمَاءِ عَرْشُهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فِي  
*شما و من و خدا را شکر که در آسمان است عرش او حمد و ستایش خداوندی در  
الآن من تکرار آن حمد لله الذي في الجنة  
این است قدرت او شکر خداوندی که در هر کجا که خواهد که در هر کجا  
و حمد لله الذي في القبور و قضاء في الحمد لله  
است او و شکر خداوندی که در هر کجا که خواهد که در هر کجا که خواهد که*

الَّذِي

الَّذِي فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ سَبِيلَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فِي

*که در بیان دور است راه او شکر خداوندی که در  
بِحَمْدِهِ سُلْطَانُهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا مَقْرَبَ وَلَا  
بِحَمْدِهِ سُلْطَانُهُ تبارک و تعالی است که در هر کجا که خواهد که در هر کجا  
مَلَجَاءَ إِلَّا إِلَيْهِ آمِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
باشد که بگوی او سبحان که در هر کجا که خواهد که در هر کجا که خواهد که  
است او و شکر خداوندی که در هر کجا که خواهد که در هر کجا که خواهد که*

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَوْجُودُ فِي كُلِّ زَمَانٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
*فیت موجود است که در هر زمان که خواهد که در هر کجا که خواهد که  
الموجود في كل زمان لا اله الا الله المعروف  
که در هر زمان که خواهد که در هر کجا که خواهد که در هر کجا که خواهد که  
يا اياها يا اياها الله كل يوم ههنا في شان  
چون فیت موجود است که در هر زمان که خواهد که در هر کجا که خواهد که*



لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْأَمَانُ الْأَمَانُ مِنْ ذَوَالِ الْإِيمَانِ  
*بسم الله الرحمن الرحيم امان امان از ذوال ایمان*

وَمُسْتَسْرِعِ الشَّيْطَانِ يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ يَا غَفُورًا يَا  
*و از سر شیطان ای پیشه ای از برتره ای از برتره*

غَفَّارٌ

*بیا از برتره*

دعای اعفاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
*بسم الله الرحمن الرحيم*

اللَّهُمَّ إِنِّي نُوِيْتُ وَكَثُرْتُ قَاتِدًا خَلَفْتُ وَجَبْتِي  
*خدایا من گناهان بسیار کرده ام و گناهان من را گناهان من کرده ام و گناهان من را گناهان من کرده ام*

عِنْدَكَ وَحَجَبْتَنِي عَنْ أَيْتِهَائِلِ رَحْمَتِكَ وَ  
*پیش تو و محجوب گشتم از ایتها رحمت تو*

باعدتني

وَبَاعَدْتَنِي عَنْ أَيْتِجَابِ مَغْفِرَتِكَ وَأَوْلَا  
*و دور گشتمت از ایتها رحمت تو و اولاد*

تَقَلَّبْتَنِي بِالْإِنْيَاكِ وَتَمَسَّكْتُ بِالرَّحْمَةِ وَأَعَدْتُ  
*بدرنگشتمت با اینستای تو و چسبیدم به رحمت تو و آماده*

أَمْثَالِي مِنْ أَلْسِنِ فَيَسٍ وَأَشْبَاهِي مِنْ أَلْحَاظِ طَيْرٍ  
*امثال مرا در بهر آنستگان و امثال مرا در خطا کاران*

بِقَوْلِكَ يَا عِبَادِي الَّذِينَ سَفَّوْا عَلَى أَنْفُسِهِمْ  
*بقول خودت ای بندگانی که بهر آن گناهان افسوس خود*

لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَتِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ  
*نا امید مشوید از رحمت خدا که تحقیق خدا می آرد*

الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ  
*گناهان را کلیتا زیرا که او استغفار کننده و رحیم است*

وَحَدَّرْتَ الْفَارِطِينَ مِنْ رَحْمَتِكَ فَقُلْتُ  
*درست بنده را با ایدان او از رحمت خودت دور کردی*

وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَتِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ثُمَّ  
*کس که نا امید بود از رحمت پروردگارش مگر گمراهان پس*







عِلْمَ التَّيْبِينَ وَقَاتِلِ الْمُشْرِكِينَ وَإِمامَ الْمُتَّقِينَ  
*علم تائبان وقاتل مشرکین و امام متقین*  
وَمُبْرَأِ الْمُتَافِقِينَ وَجَاهِدِ الْفَاسِقِينَ  
*و مبرا کفند و جاهد فاسقین*  
وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِغِينَ فِي مَآخِجِي وَحَجَّتِي وَ  
*و ستم کننده گان و دروغ باریان و حجت من است و*  
عُرُوفِي وَصِرَاطِي وَدَلِيلِي وَحَجَّتِي وَمَنْ  
*دست اوردی من در این است و دلیل من است در راه روشن من است و حجت من است*  
لَا أَلْفِقُ بِالْأَعْمَالِ وَإِنْ زَكَّتْ لَأَرَاهَا  
*که در حق مردم با عمل من هر چند پاکیزه باشد نمی بینم آنرا*  
مُبْحِيَةً وَأَزْصَلَحَتْ الْإِبْرَاحِيَّةُ وَالْإِسْمَائِيلِيَّةُ  
*نجات دهنده هر چند صالح باشد که اولاد ابراهیم و اسماعیل است*  
وَالْأَقْرَبُ بِفَضَائِلِهِ وَالْقَبُولُ مِنْ حِمْلَتِهَا وَ  
*و اقرب است بفضایلی او و قبول کردن از حمله او است*  
التَّكْلِيمُ لِوَلِيِّهَا اللَّهُمَّ وَأَقْرَبُ أَوْصِيَاءِهِ مِنْ سَائِرِ  
*تکلیم است از اولاد او است خداوندم از اولاد او است از سائر اولاد او*

و جهاد  
و جبهه

أُمَّة

أُمَّةٌ وَحِجَّاءٌ وَأَدِلَّةٌ وَسُرَّجاءٌ وَعَلَماءٌ وَمَنَارٌ وَ  
*گروهی باشند و حججی باشند در راه هدایت و نورانی باشند و علمایند و منارند و*  
سَادَةٌ أَبْرَارٌ وَكَوْنٌ لِيَسِّرَهُمْ وَخَيْرُهُمْ وَظَاهِرُهُمْ  
*رهبانان بزرگوارند در این راه برسانند و آسان کنند و بهترینند و ظاهرترینند*  
وَبَاطِنُهُمْ وَحَسْبُهُمْ وَمَيْتَتُهُمْ وَشَاهِدُهُمْ وَغَايَتُهُمْ  
*و درونیشان است و روزگار ایشان در مردگان است و مصیبت ایشان است و غایت ایشان است*  
لَا شَيْءَ فِي ذَلِكَ وَلَا اِزْتِيَابَ لِيُجِئَ عَنِّي  
*هیچ چیزی در این نیست و نیست برای من که بشود چهره از این*  
وَلَا اِنْقِلَابَ لِلَّهِمَّةِ فَادْعُنِي يَوْمَ حَشْرِي  
*و نیست تغییر بی خداوندی پس بخوان مرا روز حشر من*  
وَإِذَا كُنْتُ لَشْرِي بِأَمَانَتِهِمْ وَأَحْسِرُ فِي ذُرِّيَّتِهِمْ  
*و روزی که من در امانت ایشان است و در غمم در فرزندان ایشان است*  
وَأَكْتُبُنِي فِي أَصْحَابِهِمْ وَأَجْعَلُنِي مِنْ خَوَانِهِمْ  
*و بنویسم مرا در بزرگان ایشان است و بگردانم مرا در اولاد ایشان است*  
وَأَقْتَدِي بِهِمْ مِنْ جَبَرِ التَّيْبَانِ وَإِنْ أَمَّرْتَنِي  
*و در راه من مرا بسازان از کوهی است از توبه و اگر بگردانم مرا*



رُوحِ الْيَحْيَانِ فَإِنَّكَ إِعْتَقْتَنِي مِنَ لُثَارِ كُنْتِ  
*فصلی بیست و یکم یعنی کتبه که از آدمی را از این لغو  
میرانند*

مِرَالْفَاخِرِينَ اللَّهُ وَقَدْ اصْبَحْتُ فِي يَوْمِي  
*در کتب روان خداوند بختن که صبح که ام در روزم*

هَذَا وَالثِّقَةَ لِي وَلَا رَجَائِي وَلَا مَفْرَعِ  
*روز و وقت عهد مرا وقت اندی و نه فرود می*

وَلَا مَلْجَأَ وَلَا مَلْجَتِي غَيْرَ مَنْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ  
*و نه پناهی و نه پناه غیر از آن که توسل شدیم به ایشان*

إِلَيْكَ وَفَمِ رَسُولِكَ وَاللَّهُ عَلَى أَيْمَنِ الْمُؤْمِنِينَ  
*بروی تو ایشان رسول تو می گوید و الله بر روی ایمنی ایمان*

وَسَيِّدَتِي وَفَاعِلَةَ الرَّهْمِ سَيِّدَةُ الْبَسَائِرِ  
*و خانم من و فاعله در خشنده خانم همه رسا*

وَأَحْسَنُ الْحَسَنِ وَعَلِيٌّ وَ مُحَمَّدٌ وَ جَعْفَرُ  
*و حسنی همه حسن و علی و محمد و جعفر همه*

وَيُونُسُ وَعَلِيٌّ وَ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ  
*و یونس همه علی و محمد و علی و حسن همه*

و معنی

وَمُقِيمِ الْحِجَّةِ مِنْ بَعْدِهِمُ الْحِجَّةُ الْمَسْجُورَةُ  
*در باره پذیرنده راه پیش بعد از ایشان حجج که نهجانی است*

مِنْ وُلْدِهِمْ وَالْمَرْجُو الْأُمَّةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمْ وَخَيْرُ  
*از اولاد ایشان است و امید داشته ام از ذریه ایشان است و در روز بخت*

عَلَيْهِ وَعَلِمَهُمُ السَّلَامُ اللَّهُمَّ وَاجْعَلْهُمْ فِي  
*بر او در پیشان با سلام خداوند بگردان ایشان را در*

هَذَا الْيَوْمِ وَمَا بَعْدُ حِصْنِي مِنَ الْكَاثِرِ  
*این روز و بعد از روز حصار من از کثرت است*

وَمَعْقِلِي مِنَ الْخِجَاوِفِ وَبِحَجَّتِي بِهِمْ مِنْ كُلِّ  
*دشمن من از ایشان گاه با کفایت در ایستادن از هر*

عَدُوٍّ وَوَطْنِي وَفَاسِقٍ وَبَاغٍ وَمَنْ شَرُّ مَا أَعْرِفُ  
*دشمن و وطنی و فاسق و باغی و از شر آنچه می شناسم*

وَمَا أَنْكَرُ وَمَا سَتَّرَ عَلَيَّ وَمَا أَبْصُرُ وَبَيْنَ  
*و آنچه نمی شناسم و آنچه پنهان است بر من و آنچه را که می بینم و در*

بَشَرِ كُلِّ ذَاتٍ أَخَذَ بِنَاصِيَتِهِمَا إِنَّ رَبِّي  
*شیر هر جنبه که گرفته بر روی ایشان است و بختن که در اولان*



عَلَى صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ اللَّهُمَّ قَبِّتْ بَنِي هَاشِمٍ وَتَقَرَّبِي  
*بر درود است حضرت صدوق را بسبب بنی هاشم و تقربین*  
بِحَبِيبِهِمْ وَتَخَصَّنِي بِإِمَامَتِهِمْ اِقْتِحِمْنِي عَلَى فِي  
*بنی هاشم بنی درود و درود بنی هاشم است بنی هاشم بنی درود*  
هَذَا الْيَوْمِ ابْوَابُ رَحْمَتِكَ وَانْشُرْ عَلَيَّ حَمَلَتِكَ  
*این روز درای روزی خوندی درین روز بر من رحم کن*  
وَمَعْفِرَتِكَ وَحَبِّبْنِي إِلَى خَلْقِكَ وَحَبِّبْنِي  
*دانش من دوست و محبوب من بر خلق خودت و درود مرا*  
عَدَاوَتِهِمْ وَبَغْضَتِهِمْ اِنَّكَ عَلَيَّ كَأَشَدَّ قَدِيرٌ  
*از دشمنان من و بغض بنی هاشم که تو بر هر چیز قاری*  
اللَّهُمَّ وَكُلِّ ثَوَابٍ وَكُلِّ ذِي شَفَاعَةٍ  
*خدایا از ثواب هر ثوابی و از ذی شفاعت*  
حَقِّقْ نَسَبِي لِي بِكَ مِنْ جَعَلْتَهُ إِلَيْكَ سَبْتِي  
*حقیت بنی هاشم را نزد تو ای کسی که گویند نام خدا بر تو سب است*  
وَقَدِّمْتَهُ إِيَّامًا طَلَبْتِي أَنْ تَعْرِفَنِي بِرَكَّةٍ  
*و مقدم داشته باشی مرا با طلب خودم که از تو بشناسم ای کسی که*

تویی

يُوحِي وَشَهْرِي هَذَا وَعَامِي هَذَا اللَّهُمَّ مَنِّمْ  
*این روز را و ماه مرا ای ماه و سال مرا و سال مرا*  
مَقَرَّبِي وَمَعُونِي فِي شِدَّتِي وَرَجَائِي وَ  
*بناگاه کن مرا و مقدم کن مرا در شدت من و امید من و*  
عِلْمِي وَبِلَادِي وَتُؤَيِّ وَيَقْضِي وَأَقَامِي  
*دانش من و بیلای من و خوار من و بدلان من و برپا شو من*  
وَعَسْرِي وَبِئْسِي وَعَدَائِي وَبِئْسِي  
*دشمنان من و بدترین من و بدترین من و دشمنان من*  
وَصَبْرِي وَبِئْسِي وَمُنْقَلَبِي وَمَشْوَايَ  
*صبر من ای بدترین من و بدترین من و خوار من*  
اللَّهُمَّ وَلَا تَحْبِسْنِي بَيْنَ مِزَانَيْكَ وَلَا تَقْطَعْ  
*خدایا مایه من مرا بنی هاشم را از عطای خودت قطع من*  
رَجَائِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَحْبِسْنِي بَيْنَ مِزَانَيْكَ  
*امید مرا از رحمت خودت و خوار من مرا بنی هاشم را*  
مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تُوَكِّلْنِي مِنْ رُوحِكَ وَلَا  
*رحمت خودت و درود من مرا از خوار خودت و*



تَفْتِي يَا غِلَاقِ أَبْوَابِ الْأَمْرِ فِي وَ  
 كَمَا بَشَرَا بِلَيْتِنِ *درای روز بهی و*  
 الشَّدَادَ مَا لَيْكَا وَأَدْتِنَا جَ مَذَاهِبَهَا  
 سَدُّ كَوْنِ مَعْدُومِ مَا لِي وَرَسْمِ *راه های او*  
 وَأَفَاتِحَ لِي مِنْ لَدُنْكَ فَتَحًا يَسِيرًا وَاجْعَلْ  
 وَبِشْرَ *لذات من لذت خودت کیش سهل و کردار*  
 لِي مِنْ كُلِّ ضَنْكٍ مَخْرَجًا وَارِ كُلِّ  
 مَرَا *از هر مکی بران آمدن و بوی*  
 سَعَةٍ مِنْهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
 دَمِي *راه دشمنی رحمت خودت ای پروردگارا هر گزندان*  
 اللَّهُمَّ وَاجْعَلِ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ مُخْتَلِفِينَ  
 عَادِدًا *بگردان شب روز را متردین در کارها*  
 عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ وَمَعَا فَتِكَ وَمَسَاءَ  
 رَيْنِ *رحمت خودت در وقت خودت جهان خودت*  
 وَفَضْلِكَ وَلَا تَفْزُقْنِي إِلَى أَحَدٍ مِنْ  
 وَفَضْلِ *خودت و فضل کن مرا ای ارحم الراحمین از*

غافل

خَافِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِنَّكَ  
 مَعْنَى *خودت رحمت خودت ای پروردگارا بن هر گزندان*  
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَيَكِلُ لِي شَيْءًا مَخْطُومًا  
 بَوَاقِي *در چیز نادان و هر چه خواهد بود*  
 وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَصَلَّى  
 بِرِسْمَتِ *مادر خدا و جزل و کلاحت و رحمت خودت*  
 اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ  
 مَرَا *بر محمد و آل او الطاهرین که پاکانند*

در دفع ضرر جناس برایت از ضرر جناس بر من  
 و سلام که در عقب بر نماز باید خواند که دفع ضرر جناس است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 فَضْلًا *بخواند بخانه و بزرگ*  
 حَسْبِيَ اللَّهُ مَا أَتَى اللَّهُ الْأُمَمَ قَبْلَهُ لَمْ يَكُنْ لَهَا  
 بِرِسْمَتِ *مرا خدا که بود از آیت خود هرگز بود را او توکل که ایمان*



وَهُوَ رُتُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ  
 واد است پروردگار عرش عظیم آنچه در او نوشتند خدا میسر  
 وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَشْفَدَ وَأَعْلَمَ أَنَّ  
 و آنچه نخواهد که سخت تر و آگاه تر  
 اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ  
 خداوند بر هر چیزی قادر است و اینکه خدا بر حق  
 أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ  
 محظوم هست هر چیزی را می شناسد و درود از تو می خواهم که من را از هر چیزی  
 بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ  
 بر تو از شر نفس من و از شر هر حیوانی  
 أَنْتَ أَخَذَ بِنَاصِيَتَيْهَا ارْتَضَى عَلَيَّ  
 که تو از کمره ای می بینی که در حق تو استوار است  
 صِرَاوِي مُسْتَقِيمٌ  
 راه راست است

ما...

شرح دعای استغفار

روایت است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله روزی در مسجد نشسته بود که شخصی از اصحاب حضرت در آمد و گفت یا رسول الله در جوار خانه عبدالمطلب  
 جوانی بود که همه عمر بهر لوب و عیبی که در اندیشه و مسلمانان زاده زانی بود  
 بوده در امر زناقت کرده است نماز بخواند از توان که حضرت فرمود که  
 او را در هر روز مسلمان می توان که است در هر حرف بود که خیزه آن جوان  
 را آوردند چون نظر حضرت بخانه افتاد در حال پای بر سر آمدند در دو خانه  
 را آورد پس مبارک خود دو در خانه را آورد پس مبارک خود گرفت و در سرشان را که  
 چون خیزه را از دهن خود گرفتند او را زدند که در می شنیدند چون بر سر آوردند  
 او را آوردند نهادند حضرت روی که بود اندید و خنده زد صحابه در حجره شادان  
 و چون در آنجا رسیدند رحمت فرمودند حضرت بر المؤمنین سلام کمال بود که  
 من در توبه الحسن و القصد  
 و در حدیث الله و کتابه

کعبه از آب جیب در روز است  
 واد است  
 اللهم يا حافظ فوج في الماء  
 و یا حافظ موسی فی النهم و یا  
 حافظ یونس فی البطن الموت  
 و یا حافظ ابرهیم فی النار  
 و یا حافظ یوسف فی الحب و  
 و یا حافظ محمد صلی الله علیه  
 و آله فی القار الخضمی من  
 جمیع البلیات و الافات  
 و الامراض و الامقام العظمی  
 علی صلی الله علیه و آله و  
 الحسن و الحسن و القصد  
 من ذر توبه الحسن علیهم السلام  
 و در حدیث الله و کتابه



























بما رواه جده عن النبي صلى الله عليه وآله  
عن أبي بصير عن النبي صلى الله عليه وآله  
عن أبي بصير عن النبي صلى الله عليه وآله  
عن أبي بصير عن النبي صلى الله عليه وآله  
عن أبي بصير عن النبي صلى الله عليه وآله

الْبَلَاءُ وَرُدُّ مَنَاعِينَ الْوَبَاءِ بِحَيِّ الْعِبَادِ وَ  
*وردت في ما ضعفت وادرا عن العباد منهم*

يَا مُحَمَّدُ وَبِحَيِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَبِأَعْلَى الْأَعْلَى حَيِّ  
*أي محمد كونه حيا في كل وقت ومصطفى وادرا عن كونه خير*

عَلِيِّ الْمُرْتَضَى وَبِأَفْضَلِ السَّمَوَاتِ الْعُلَى حَيِّ قَائِمِ  
*أي مرتضى وادرا عن كونه هو القائم*

الرُّفْرَاءِ وَبِأَحْسَنِ الْفِعَالِ حَيِّ الْحَسَنِ الرَّضِيِّ وَبِأَعْلَى  
*أي رفراء وادرا عن كونه هو الحسن الرفيع*

مُحْسِنِ الْمَدِينِ حَيِّ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ بِكَرْبَلَاءَ  
*أي محسن المدينة وادرا عن كونه هو الحسين الشهيد*

أَنْ تَفْرَحَ عَنَّا مِنْ كُلِّ هَيْمٍ وَعَيْمٍ وَخَوْفٍ وَبَلَاءٍ  
*أي لا تفرح عنا من كل هيم وغم وخوف وبلاء*

وَوَبَاءٍ وَمَكْرُوهٍ وَحَمِيكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى  
*أي وباء وما كروه وحميك يا أرحم الراحمين وصلى*

اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ الظَّاهِرِينَ  
*أي الله على سيدنا محمد وإليه الظاهرين*

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ  
وَبِكِبْرَتِكَ وَبِقُدْرَتِكَ  
وَبِعِزَّتِكَ وَبِكِبْرَتِكَ  
وَبِقُدْرَتِكَ وَبِعِزَّتِكَ  
وَبِكِبْرَتِكَ وَبِقُدْرَتِكَ

وَأَكْبَرُكَ يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ  
وَأَكْبَرُكَ يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ  
وَأَكْبَرُكَ يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ  
وَأَكْبَرُكَ يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ  
وَأَكْبَرُكَ يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ  
وَبِكِبْرَتِكَ وَبِقُدْرَتِكَ  
وَبِعِزَّتِكَ وَبِكِبْرَتِكَ  
وَبِقُدْرَتِكَ وَبِعِزَّتِكَ  
وَبِكِبْرَتِكَ وَبِقُدْرَتِكَ

عَزَمْتُكَ أَنْ تَكْفُرَ بِكَ  
بِأَسْمَاءِ نَبِيِّكَ يَا مُحَمَّدُ  
بِأَسْمَاءِ نَبِيِّكَ يَا مُحَمَّدُ  
بِأَسْمَاءِ نَبِيِّكَ يَا مُحَمَّدُ  
بِأَسْمَاءِ نَبِيِّكَ يَا مُحَمَّدُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
*بسم الله الرحمن الرحيم*

اللَّهُمَّ يَا وَدِيَّ الْوَلَاءِ وَيَا كَاشِفَ الْخَيْرِ وَالْبَلَاءِ  
*اللهم يا ودي الولاية ويا كاشف الخير والبلاء*

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ الْآمَانَ الْآمَانَ الْآمَانَ  
*يا الله يا الله يا الله يا الله الامان الامان الامان*

مِنَ الطَّاعُونَ وَالْوَبَاءِ بِحَيِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَبِحَيِّ  
*من الطاعون والوباء بحيا محمد المصطفى وبحيا*

عَلِيِّ الْمُرْتَضَى وَبِحَيِّ فَاطِمَةَ الرَّفْرَاءِ وَبِحَيِّ الْحَسَنِ  
*علي المرتضى وبحيا فاطمة الرفراء وبحيا الحسن*

الْمُجْتَبَى وَبِحَيِّ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ بِكَرْبَلَاءَ الْآمَانَ  
*المجتبى وبحيا الحسين الشهيد بكربلاء الامان*

الْآمَانَ الْآمَانَ الْآمَانَ مِنَ الطَّاعُونَ وَالْوَبَاءِ يَا اللَّهُ  
*الامان الامان الامان من الطاعون والوباء يا الله*

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ احْفَظْنَا مِنْ شِدَّةِ وَجْهِكَ وَمِنْ  
*يا الله يا الله احفظنا من شدة وجهك ومن*

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ  
وَبِكِبْرَتِكَ وَبِقُدْرَتِكَ  
وَبِعِزَّتِكَ وَبِكِبْرَتِكَ  
وَبِقُدْرَتِكَ وَبِعِزَّتِكَ  
وَبِكِبْرَتِكَ وَبِقُدْرَتِكَ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ  
وَبِكِبْرَتِكَ وَبِقُدْرَتِكَ  
وَبِعِزَّتِكَ وَبِكِبْرَتِكَ  
وَبِقُدْرَتِكَ وَبِعِزَّتِكَ  
وَبِكِبْرَتِكَ وَبِقُدْرَتِكَ











کتابه بعد  
و در عین  
و بیضا العلیا  
شقی و من  
شفا به

و لم یغیب من المثنی و قضیت حوائجهم و من  
و نیز بخند از پیاده روی در راه و می شود چندی از  
کتابه و شربه امن من جمیع الاوجاع و لم  
بدرمان ۱۱۱۱ و بیاض این بود از همه دروا  
بشر شینا و من جعله فی منزله و سع الله تعا  
فوق شینا جزا و کسی که بگردد در منزل خود بخت میبرد بر خدای  
علیه الرزق و امن منزله من کل سوء  
بر او نذوق و این می شود نزل از آسمان  
والذی یعینک بالحق لواجتمع الثقلین و الملا  
و هم یکی که بر خیزد تا بجای آسمان و زمین و دیگر یکی  
الف ضعف لم یخطوا ثوابه دعا این است  
مسند بر او حفظ کند در بیان ۱۱۱۱  
اللهم انی استنک با من اقولک یا عبود ید  
خداوند بر من سوال میکند ای من که خدا را در او بر بندگی  
کل معبود یا مستحده کل محوود یا من  
هر معبودی ای که حمد کند او بر سر او شده ای که

بضرع الهیه  
حل معبود یا  
من

یطلب عنده کل مفقود یا من سائله غیر مذود  
طلب کرده است نزد او هر کم شده ای که سوال کننده را بگوید  
یا من بابه عن نواله غیر مذود یا من هو  
ای که در خانه او سوال بستی می شود ای که او  
غیر موصوف و لا محذود یا من عطاؤه  
وصف و تعریف بر من ای که عطا و بخشش او  
غیر ممنوع و لا منکود یا من کسریه غیر مذود  
سخ کرده می شود در اندیشه می شود ای که خیرت دور از زنده دارد  
یغم المقصود یا من رجاء عبادیه بحبله  
سنگ مقصود است ای که امید بنده را بر همان آید  
مذود یا من شبهه و مثله غیر موجود  
بسته شده است ای که شبیه او و مثل او بهم نرسد  
یا من کسریه و لا مولود یا من کرمه و  
ای که نه جود است و نه زنیه ای که کرم او و  
فضله کسریه معذود یا من حوض تیره لا فایم  
فضله کسریه معذود ای که جفا کرد او بر سر او شده ای که

هو من دعاه



مَوْرُودٌ يَا مَنْ لَا يُوصَفُ بِضِيَامٍ وَلَا نُفُودٍ  
 مروت ای که وصفی نماند به پایداری نشستن  
 يَا مَنْ لَا تَجْرِي عَلَيْهِ حَرَكَةٌ وَلَا جُودٌ يَا اللَّهُ  
 ای که جاری نمی شود بر او حرکت و نه چگونگی این ای که  
 يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا وَدُودٌ يَا رَاحِمَ الشَّجَرِ  
 بخشنده مهربان ای بسیار رحمت ای مهربان  
 الْكَبِيرِ يُعْقَبُ يَا غَاثُ ذَنْبِ دَاوُدَ يَا  
 بزرگ یعقوب ای از زنده گناه درود ای که  
 لَا يُخْلِفُ الْوَعْدَ وَيُعْطِي الْمَوْعُودِ يَا مَنْ  
 خلف نماند وعده می کند و می بخشد ای که وعده می بخشد ای که  
 يَا مَنْ زُرْقَةٌ وَسِتْرَةٌ لِلْعَاصِبِينَ مَمْدُودٌ يَا  
 زرقه و پوشش از برای عاصبانان کشیده است ای  
 مَنْ لَوْ مَلَأَ كُلَّ مِقْضِي مَطْرُودٍ يَا مَنْ دَانَ كَبْرُ  
 کسی که او پناه بر سینه است از زنده ای که زنده است  
 حَيْبُ خَلْقِهِ بِالشُّجُودِ يَا مَنْ لَبَسَ عَن نَّبِيلِهِ  
 مرخصش بپوشید نمودن ای که زینت از عطای او

جُودِهِ أَحَدًا مَصْدُودٌ يَا مَنْ لَا يَخْفَى فِي حُكْمِهِ  
 بخشش او احد را منسوخه ای که نماند در حکم او  
 وَيُجْلِمُ عَنِ الظَّالِمِ الْعُقُودِ إِرْحَمَ عَبْدًا حَاطِبًا  
 و جمع کند از ظالمی که عقود دارد رحمت کند بنده زبلی را که خطا کند  
 لَمْ يُوْفَ بِالْعُقُودِ أَنْكَ فَقَالَ لِمَا يُزِيدُ يَا بَارِئُ  
 و وفا نمودن کرده است درستی نماند آنکه آنچه را که از او بپوشد  
 يَا وَدُودٌ صِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ خَيْرِ مَبْعُوثٍ دَعْمَلِي  
 ای بسیار رحمت صمدت بر محمد بنوری بخسری که از او بخشد  
 خَيْرِ مَبْعُودٍ وَعَلَى إِلِهِ الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ  
 بهترین خدای در این اوقات که پاک است  
 أَهْلَ الْكِرَامِ وَالْجُودِ وَأَفْعَلُ بِنَا مَا أَنْتَ  
 اهل کرام و بخشش از و بکن با آنچه تو  
 أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَسَلِّحْ جُنْدَ  
 ندادن ای مهربانترین رحمت کن و روان تا جبهه  
 تَقْضَى أَنْشَاءُ اللَّهِ  
 که برآورده شود از خواسته



در حدیث وارد است که شخصی با حق تعالی مشورت کرد و گفت ای خداوند منم که با تو مشورت کنم  
چونکه منم که با تو مشورت کنم و چون تو مشورت با او کردی شد آنکه گفت ای خداوند  
چونکه منم که با تو مشورت کنم و چون تو مشورت با او کردی شد آنکه گفت ای خداوند  
چونکه منم که با تو مشورت کنم و چون تو مشورت با او کردی شد آنکه گفت ای خداوند

سنتها  
عوارض

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَسْتَغْفِرُ اللهَ اَسْتَغْفِرُ اللهَ اَسْتَغْفِرُ اللهَ اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي  
لا اِلهَ اِلاَّ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ  
اَسْتَغْفِرُ اللهَ مِنْ جَمِيعِ مَا كَرِهَ اللهُ اَللّهُمَّ  
اِنِّي اَسْتَغْفِرُكَ لِمَا فَعَلْتُ وَمَا اَخْرَجْتُ  
مِمَّا اَسْرَرْتُ وَمَا اَعْلَنْتُ مِنْ الذُّنُوبِ الَّتِي  
اَكْتَبْتَهَا لِي

لا اَبْعَثُهَا غَيْرَكَ وَ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهَا سِوَاكَ وَلَا  
كَبَّهَا اِلَّا جَلَدَكَ وَلَا مَفَرَ عَنْهَا اِلَّا عَفْوَكَ  
وَ اَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ مِثْقَلِ حَبِّ رَمَلٍ فَضَلْتُ فِيهَا  
عِنْدَكَ وَاَنَا مُوَاخَذٌ بِهَا وَ اَسْتَغْفِرُكَ بِالْاِلَهِ  
اَسْتَغْفِرُكَ بِاَعْلَامِ الْعَبِيَّةِ وَ السَّهَادَةِ مِنْ  
كُلِّ سَبْتَةٍ عَلَّمْتَهَا فِي بَيَاضِ النَّهَارِ وَ سَوَادِ  
اللَّيْلِ وَ مَلَأْتَهُ وَ خَلَّاهُ وَ سَيَّرْتَهُ وَ عَلَّمْتَهُ وَ اَنْتَ

کمی از روز انشا را غیر از این صفت بر او غیر از او  
بیت و مثل آنکه در چهاره در آنکه که بخشش  
و طلب از حق میگویم در هر قسمی که در حق او کرده و بر حق او کرده  
از تو من میترسم و تو من را با حق از حق میترسم  
ای خداوند منم که با تو مشورت کنم و چون تو مشورت با او کردی شد آنکه گفت ای خداوند  
چونکه منم که با تو مشورت کنم و چون تو مشورت با او کردی شد آنکه گفت ای خداوند  
چونکه منم که با تو مشورت کنم و چون تو مشورت با او کردی شد آنکه گفت ای خداوند  
چونکه منم که با تو مشورت کنم و چون تو مشورت با او کردی شد آنکه گفت ای خداوند



ناظر بها الى اذا ارتكبتوها وابنت بهامين

*نگارنده بچهره آن بندگان و قبیله افضل آدم را و تباران نوح از*

العصيان باحليم بارحيم باكرم واستغفرک

*کنان ای صاحب علم ای مهربان ای مجید طلب از تو*

في كل قریضه اوجبت علی فی افاء اللیل

*در هر دو شبی که در سجده برین در شبها در نماز*

واطرفی التهار فزکها غدا اوخطاء او

*روزها پس در کلان گنجهت با در سجده*

ینیانانا وانا مشغول بها واستغفرک لکل شیء

*در برین روز من مشغولان بودم و طلب از تو استغفار از هر چیزی*

من سیر المرسلین والنبيين یبتک محمد صلی

*از من و طایفه پسران نوح و هر سیرل و طایفه پسران محمد صلی*

الله علیه و آله و ترکها غفله او غدا او

*خدا بر او در این دنیا و در آن دنیا که در غفلت او گنجهت با*

مسحوا اولها و نانا و انا معا فی عابها واستغفرک

*از تو ای سیرل که در امر عاقبت نماید در آن طلب از تو*

بالا اله الا انت وحدك لا شریک لك

*ای خدا ای بزرگوار ای یگانه ای که هیچ شریکی ندارد*

سجاناتك رب العالمین لك الحمد ولك

*تسبیح تو ای بزرگوار عظیم انانیت و حمدت و انانیت*

الشکر ولك الملك وانت حسبنا ونعم

*شکرست و تکیه است بر تو کافی استی و ای یگانه*

الوكیل ونعم النصیر و صلی الله علی

*هر چه خدای یگانه ای که گنجهت در رحمت خود را*

محمد و آله اجمعین بعدد من صلی علیه

*محمد و آل او بعدد هر چه بشمارد که فی کلمات او است*

و بعدد من لم یصل علیه یوحید با

*بشمارد کسی که صلوات را در کلمه رحمت خود ای*

ارحم الراحمین یا الله یا الله یا الله

*رحم کننده تر از رحمت خود ای خدا ای خدا ای خدا ای عظیم الهی*

و از برای این دعا بسیار است که از برای تسبیحات است

سوره نوح



که ما نوشتم و این دعا مردی است از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله که  
نازل شده است این دعا جبرئیل علیه السلام حمل آنکه پیغمبر خدا صلی  
علیه و آله نماز بخواند در مقام ابراهیم علی نبی و آله علیه السلام شخص  
فصلت این دعا این است که هر کس فریاد کند او را در این دعا  
سبب آن که عبارت از اینست و چهارده و پانزده ماه فریاد کند  
از زنده می شود کنای او را که پیغمبر و قطعه ای باران در کفای دست  
در یک بیابان بوده باشد باین دعا نازل می شود جبرئیل علیه السلام  
و بلا بر او بر روی آسمان و این دعا نوشته شده است در چهار بیت  
و نازل بهشت کسی که در دست کند و بخواند آن دعا این است از  
افت و پیش از این پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله در بهشت حضور فرمود  
و حال آنکه مردی او مانده ماهی است در شب بر آسبکه روزه بگیرد که روز  
و بخواند این دعا در آن مرتبه بخواند به نوحی بنده رسول خدا صلی الله علیه و آله  
در خواب کسی بخواند این دعا روزه مرتبه پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله را بقا

لله

از آنکه بر آن بر آن است نیز از زنده پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله تا بپایان نوزده روز  
عین پس کلمات بخواند او را از محشر از نفس خیران خدا و در آب خوانند این دعا  
نمی شمارد که جواب آن در پس از آن باشد در یا ما رب و در آن تمام است  
چون در آن کلمات که مشهوره می شود در آب قرائت کنند این دعا در  
دعا خوانند هر چند در میان مریض را داد بکنند قرض را و غیر می کند نظیر  
و از آن کلمات که در آن فرج می دهد هر غم را در فرج می کند خزن را در خفت می دهد  
از جو سلطان و کینه شیطان کسی که کم شود از او چیزی باید نماز بخواند چهار بیت  
در هر کس فی الجمله کبریا و کوره و پیغمبر یا زده مرتبه پس بخواند این دعا  
این دعا را در زیر شمشیر پس بدست کند که در کینه خداوند بخواند بر او هر روز  
در فرشته است و اگر بخواند با خفاش قیامی هر آینه زنده می شود و یا بخواند که  
می خواند خداوند بخواند آن کوه را پاره پاره جبرئیل علیه السلام می فرماید که کن  
ضامن بر کسی را که بخواند این دعا را ده مرتبه عذاب کند خداوند را  
بش کسی که بخواند او را در جنت بر او در شود و یا بر دشمنی فرخ شود و درین  
دست اسم عظیم پس قیام کن تو این پیغمبر صلی الله علیه و آله این دعا را هر کس که  
دو نوبت با دست بر آستان صبح ها علم خداوند درین دعا در جنت است



در هر شماره بعد از هر کلمه شصت و نه مرتبه بخواند **التَّارِ بِأَجْحِبُ**

**هَذَا يَسْمِعُ اللَّهُ الرَّعِينِ الرَّحِيمِ دُعَاءَ الْمُجَابِرِ**

**سُجَانِكَ يَا اللَّهُ تَعَالَيْتُ يَا رَحْمَنُ سُجَانِكَ**

**يَا رَحِيمُ تَعَالَيْتُ يَا كَرِيمُ سُجَانِكَ يَا مَلِكُ**

**تَعَالَيْتُ يَا مَالِكُ سُجَانِكَ يَا قُدُّوسُ تَعَالَيْتُ**

**بِاسْلَامٍ سُجَانِكَ يَا مُؤْمِنُ تَعَالَيْتُ يَا**

**مُهَيَّمُنُ سُجَانِكَ يَا عَزِيزُ تَعَالَيْتُ يَا جَبَّارُ**

**سُجَانِكَ يَا مُسَكِّنُ تَعَالَيْتُ يَا مُجَبِّرُ سُجَانِكَ**

**بِأَحْلُو تَعَالَيْتُ يَا بَارِي سُجَانِكَ يَا مَصُورُ تَعَالَيْتُ**

**يَا مُقَدِّرُ سُجَانِكَ يَا هَادِي تَعَالَيْتُ يَا بَاقِي**

**سُجَانِكَ يَا وَهَّابُ تَعَالَيْتُ يَا تَوَّابُ سُجَانِكَ**

**يَا فَتَّاحُ تَعَالَيْتُ يَا مُرَّاحُ سُجَانِكَ يَا سَيِّدُ**

**تَعَالَيْتُ يَا تَوَلَّاهِي سُجَانِكَ يَا قَرِيبُ تَعَالَيْتُ**

**يَا رَفِيبُ سُجَانِكَ يَا مُبْدِي تَعَالَيْتُ يَا مُجِيدُ**

**سُجَانِكَ يَا حَمِيدُ تَعَالَيْتُ يَا مُجِيدُ سُجَانِكَ**

**يَا قُدُّيمُ تَعَالَيْتُ يَا عَظِيمُ سُجَانِكَ يَا غَفُورُ تَعَالَيْتُ**

**يَا رَحِيمُ**







يا قاهرُ تعاليت يا ظاهرُ سبحانك يا عالمُ  
 تعاليت يا حاكمُ سبحانك يا ذا الجلال والإكرام  
 يا قاسمُ سبحانك يا غاصمُ تعاليت يا قاهرُ  
 سبحانك يا غنيُّ تعاليت يا معنيُّ سبحانك  
 يا وافيُّ تعاليت يا قويُّ سبحانك يا كافيُّ  
 تعاليت يا شافيُّ سبحانك يا مقدمُ تعاليت  
 يا مؤخرُ سبحانك يا أولُ تعاليت يا آخرُ  
 سبحانك يا ظاهرُ تعاليت يا باطنُ سبحانك

يا رجاؤ تعاليت يا مرجئ سبحانك يا ذا المن  
 تعاليت يا ذا الطول سبحانك يا حيُّ  
 تعاليت يا قيوماً سبحانك يا واحدُ تعاليت  
 يا أحدُ سبحانك يا سيدُ تعاليت يا صمدُ  
 سبحانك يا ذيُّ تعاليت يا كبيرُ سبحانك  
 يا وافيُّ تعاليت يا عاليُّ سبحانك يا عليُّ  
 تعاليت يا أعلىُّ سبحانك يا وليُّ تعاليت  
 يا مولیُّ سبحانك يا ذاریُّ تعاليت يا ذا











مذاعای العظیم صحیفه

این دعا در وقت نوح عظیم القدر است و باید در وقت دعا می بخشد و در وقت  
 این دعا پس هرگاه در هیچ از غرات و خفیت این دعا و محض این است که این است  
 کرده است بسم الله الرحمن الرحیم امین الله علیه و آله و سلم و بگویند چه چیز می خواند  
 نازل شده از خود پروردگارش و گفت ای محمد صلی الله علیه و آله بگویند که در وقت دعا  
 دعا برود و می بشت و بجز این است نازل است و این دعا نازل می شود در وقت  
 دعا برود پس همان کس که بخواند این دعا را نکات بسیار از عذاب تیر و زهره کرد  
 شفقت میکند او را در قبال در قیامت و کس که بخواند او را در وقت عیال کند او را  
 از آسین و آزار یکدیگر در غم و غم و آزار از بیم درسی عیبی می خواند  
 همه و بیم کسی که بخواند در هر وقت است و به عذاب یکدیگر نماند او را این است که  
 بوده باشد که نال او در نظرات باران درک چنان و همه دستار او و زین  
 و نکات سید و در قبال او را از خداوند که از قضا و قدر و در وقت دعا است  
 از وقت دعا سید هر چه نماند حوائج این دعا را از هر سر و غم و غم و غم  
 و نشانی و وقت و زهره و در وقت دعا و در وقت دعا و در وقت دعا

وقت نوح و مرد

و اگر بخورد در زمانه کرب و

و چنان تمام و غواقی بسیند و نرسند و ایک از زبان او کسی که بخواند این دعا را در  
 عرش می آید در وقت نوح و در وقت نوح و در وقت نوح و در وقت نوح  
 و نازل شود در روز اربعم در مسکن و کس که از بیم در نشسته بود در باران و آس  
 یکسج و یک عمره و بجا خواند او را نماند که از او شود و در وقت نوح که بخواند  
 عجت او را این دعا در وقت نوح او را در نشسته کسی که بخواند این دعا او را در وقت  
 و بخواند می بیند در وقت نوح و در وقت نوح و در وقت نوح و در وقت نوح  
 و کسی که در وقت نوح است او را در وقت نوح که بخواند نماند که در وقت نوح  
 و در وقت نوح و در وقت نوح که او را نماند که در وقت نوح که بخواند  
 و در وقت نوح که او را نماند که در وقت نوح که بخواند که در وقت نوح  
 هرگز که از او نماند است و در وقت نوح است هم عظیم و این دعا نماند که بخواند  
 وقت نوح می آید از او که در وقت نوح است مرخصانند این دعا را که کس که بخواند  
 او را اسل قیامت از آسینا



*[Faint, mostly illegible text in the upper portion of the page, possibly bleed-through from the reverse side.]*

ابن امت دعای خوفه

سجده العظیم و سجده من الیه ما اقدره و سجده  
من قدیم ما اعظمه و سجده من عظیم ما  
و سجده من حلیل ما اجدده و سجده من جملا  
ما ارفده و سجده من رؤف ما اعزه و سجده  
سجده من ارحم الراحمین

سجده الله

من عزیز ما اکبره و سجده من کبیر ما  
و سجده من قدیم ما اعلاه و سجده من علی  
ما اسناه و سجده من سنی ما ابهاته و سجده  
من یحیی ما انوره و سجده من طیب ما انوره و سجده

من منیر ما اظهره و سجده من ظاهر ما اخفاه و  
سجده من خفی ما اعلمه و سجده من علیهم ما  
اخبره و سجده من حبیبر ما اکرمه و سجده  
من کریم ما اطفاه و سجده من لطیف ما ابصره

و سجده من ارحم الراحمین



وَسُجَّانَهُ مِنْ إِصْبِرٍ مَا أَسْعَى وَسُجَّانَهُ مِنْ سَمِيعٍ  
 و ستره میوانم خداوند چنانی را که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند شنوایی را  
 مَا الْخَفْظَةَ وَسُجَّانَهُ مِنْ خَافِظٍ مَا أَمْلَأَهُ وَ  
 که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند خفا را که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند  
 سُجَّانَهُ مِنْ مَلِكِي مَا أَوْفَاهُ وَسُجَّانَهُ مِنْ وَفِي  
 ستره میوانم خداوند که در او را که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند و ستره میوانم خداوند  
 مَا الْغَنَاءَ وَسُجَّانَهُ مِنْ عَنِّي مَا أَعْطَاهُ وَسُجَّانَهُ  
 که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند  
 مِنْ مُعْطَا مَا أَوْسَعَهُ وَسُجَّانَهُ مِنْ وَاسِعٍ مَا  
 عطا کرده را که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند و ستره میوانم خداوند  
 أَجْوَدَهُ وَسُجَّانَهُ مِنْ جَوَادٍ مَا أَضَكَّهُ وَسُجَّانَهُ  
 بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند  
 مِنْ مُفْضِلٍ مَا أَلْفَعَهُ وَسُجَّانَهُ مِنْ مُعْجِمٍ مَا أَتَبَّكَ  
 عجم چنانی را که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند  
 وَسُجَّانَهُ مِنْ سَبِيدٍ مَا أَوْجَعَهُ وَسُجَّانَهُ مِنْ حَمِيمٍ  
 و ستره میوانم خداوند انانی را که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند و ستره میوانم خداوند

مَا أَسَدَهُ وَسُجَّانَهُ مِنْ شَدِيدٍ مَا أَوْفَاهُ وَسُجَّانَهُ  
 که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند  
 مِنْ قَوِيٍّ مَا أَحْمَدَهُ وَسُجَّانَهُ مِنْ حَمِيدٍ مَا أَحْكَمَهُ  
 و ستره میوانم خداوند که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند  
 وَسُجَّانَهُ مِنْ حَكِيمٍ مَا أَبْطَلَهُ وَسُجَّانَهُ مِنْ  
 و ستره میوانم خداوند که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند  
 بَاطِلٍ مَا أَوْسَمَهُ وَسُجَّانَهُ مِنْ فَعِيمٍ مَا أَدْوَمَهُ  
 ستره میوانم خداوند که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند  
 وَسُجَّانَهُ مِنْ ذَائِمٍ مَا أَبْقَاهُ وَسُجَّانَهُ مِنْ بَاقِيٍّ مَا  
 و ستره میوانم خداوند که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند  
 أَقْوَدَهُ وَسُجَّانَهُ مِنْ قَرِيدٍ مَا أَوْحَدَهُ وَسُجَّانَهُ مِنْ  
 که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند  
 وَاحِدٍ مَا أَحْمَدَهُ وَسُجَّانَهُ مِنْ صَمِدٍ مَا أَمْلَكَهُ  
 انسانی را که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند  
 وَسُجَّانَهُ مِنْ مَالِكٍ مَا أَوْلَاهُ وَسُجَّانَهُ مِنْ وَفِيٍّ  
 و ستره میوانم خداوند که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند که بسیار استوار است و ستره میوانم خداوند



مَا اعْطَاهُ وَسَجَّاتٍ مِنْ عَظِيمٍ مَا اكْتَلَبَهُ وَسَجَّاتٍ

*که چسبید عظیم است و سجاتی از بزرگواران خداوند تعالی را که چسبید و سجاتی از بزرگواران خداوند تعالی را که چسبید*

مِنْ كَامِلٍ مَا اَتَمَّهُ وَسَجَّاتٍ مِنْ نَامٍ مَا اعْجَبَهُ

*که چسبید و سجاتی از نامی را که چسبید و سجاتی از نامی را که چسبید*

وَسَجَّاتٍ مِنْ عَجِيبٍ مَا اخْفَاهُ وَسَجَّاتٍ مِنْ قَافِي

*و سجاتی از عجبی را که چسبید و سجاتی از عجبی را که چسبید*

مَا اَبْعَدَهُ وَسَجَّاتٍ مِنْ بَعِيدٍ مَا اقْرَبَهُ وَسَجَّاتٍ

*که چسبید و سجاتی از دوری را که چسبید و سجاتی از دوری را که چسبید*

مِنْ قَرِيبٍ مَا اَمْتَبَعَهُ وَسَجَّاتٍ مِنْ مَانِعٍ مَا

*تو کی را که چسبید و سجاتی از پیروی را که چسبید و سجاتی از پیروی را که چسبید*

اَغْلَبَهُ وَسَجَّاتٍ مِنْ غَالِبٍ مَا اَخْفَاهُ وَسَجَّاتٍ

*غالب است و سجاتی از غلبه را که چسبید و سجاتی از غلبه را که چسبید*

مِنْ عَجُوٍّ مَا احْسَنَهُ وَسَجَّاتٍ مِنْ حَسِنٍ مَا احْمَدَهُ

*عجوه است و سجاتی از احسان را که چسبید و سجاتی از احسان را که چسبید*

وَسَجَّاتٍ مِنْ مَجْمَلٍ مَا اَمْلَقَهُ وَسَجَّاتٍ مِنْ فَايِلٍ مَا

*و سجاتی از مجملی را که چسبید و سجاتی از مجملی را که چسبید*

*و سجاتی از مجملی را که چسبید و سجاتی از مجملی را که چسبید*

:k

اَشْكُرَهُ وَسَجَّاتٍ مِنْ شَكْوَرٍ مَا اغْفَرَهُ وَسَجَّاتٍ

*که چسبید و سجاتی از شکر را که چسبید و سجاتی از شکر را که چسبید*

مِنْ غُفُورٍ مَا اصْبَرَهُ وَسَجَّاتٍ مِنْ صَبُورٍ مَا اخْبَرَهُ

*که چسبید و سجاتی از صبر را که چسبید و سجاتی از صبر را که چسبید*

وَسَجَّاتٍ مِنْ جَبَّارٍ مَا اَدْبَنَهُ وَسَجَّاتٍ مِنْ

*و سجاتی از جباری را که چسبید و سجاتی از جباری را که چسبید*

دَبَّانٍ مَا اَضَاهُ وَسَجَّاتٍ مِنْ فَايِضٍ مَا اَمْضَاهُ

*که چسبید و سجاتی از فایض را که چسبید و سجاتی از فایض را که چسبید*

وَسَجَّاتٍ مِنْ مَاضٍ مَا اَنْقَذَهُ وَسَجَّاتٍ مِنْ نَافِلٍ

*و سجاتی از ماضی را که چسبید و سجاتی از ماضی را که چسبید*

مَا اَحْلَاهُ وَسَجَّاتٍ مِنْ حَلِيمٍ مَا اَحْلَقَهُ وَسَجَّاتٍ

*که چسبید و سجاتی از حلیم را که چسبید و سجاتی از حلیم را که چسبید*

مِنْ خَالٍ مَا اَرْفَاهُ وَسَجَّاتٍ مِنْ رَافِيٍّ مَا اَفْضَرَهُ

*خال است و سجاتی از رافی را که چسبید و سجاتی از رافی را که چسبید*

وَسَجَّاتٍ مِنْ فَاهِرٍ مَا اَنَاهُ وَسَجَّاتٍ مِنْ مَكْتَبِي

*و سجاتی از فاهری را که چسبید و سجاتی از فاهری را که چسبید*

*و سجاتی از فاهری را که چسبید و سجاتی از فاهری را که چسبید*



مَا أَمْلَكُكُمْ وَتَسْبِحَانَهُ مِنْ مَالٍ مَا أَوْلَاهُ  
 كچه چو ملك است او در ترميزانم خداوند ما را که چو چو دوست است  
 وَتَسْبِحَانَهُ مِنْ زَالٍ مَا أَرْفَعَهُ وَتَسْبِحَانَهُ مِنْ رَفِيعٍ  
 در ترميزانم خداوند و ترو و بخت را که چو بر بلند است او در ترميزانم خداوند رفيع را  
 مَا أَشْرَفَهُ وَتَسْبِحَانَهُ مِنْ شَرِيفٍ مَا أَبْطَلَهُ  
 که چو بر شريف است او در ترميزانم خداوند شريف را که چو بر بخت است او  
 وَتَسْبِحَانَهُ مِنْ بَاسِطٍ مَا أَجْضَهُ وَتَسْبِحَانَهُ كَيْفَ  
 در ترميزانم خداوند بخت است او که چو بر بخت است او در ترميزانم خداوند  
 قَائِضٍ مَا أَلْدَاهُ وَتَسْبِحَانَهُ مِنْ بَادٍ مَا أَلْدَسَهُ  
 قايض را که چو بر بخت است او در ترميزانم خداوند بخت را که چو بر بخت است او  
 وَتَسْبِحَانَهُ مِنْ قُدُوسٍ مَا أَطْمَرَهُ وَتَسْبِحَانَهُ مِنْ  
 در ترميزانم خداوند قُدُوس را که چو بر بخت است او در ترميزانم خداوند  
 طَاهِرٍ مَا أَرْكَاهُ وَتَسْبِحَانَهُ مِنْ زَكِيٍّ مَا أَمْدَاهُ  
 پاک را که چو بر بخت است او در ترميزانم خداوند زَكِيٍّ را که چو بر بخت است او  
 وَتَسْبِحَانَهُ مِنْ هَادٍ مَا أَحْدَقَهُ وَتَسْبِحَانَهُ مِنْ صَادِقٍ  
 در ترميزانم خداوند هَادٍ را که چو بر بخت است او در ترميزانم خداوند صَادِقٍ را

مَا أَعْوَدَهُ وَتَسْبِحَانَهُ مِنْ عَوَادٍ مَا أَفْطَرَهُ وَتَسْبِحَانَهُ  
 که چو بر بخت است او در ترميزانم خداوند عَوَادٍ را که چو بر بخت است او در ترميزانم خداوند  
 مِنْ فَاطِرٍ مَا أَرْعَاهُ وَتَسْبِحَانَهُ مِنْ رَاعٍ مَا أَعَوَّنَهُ وَ  
 ماضي را که چو بر بخت است او در ترميزانم خداوند رَاعٍ را که چو بر بخت است او  
 تَسْبِحَانَهُ مِنْ مُعِينٍ مَا أَوْهَبَهُ وَتَسْبِحَانَهُ مِنْ وَهَّابٍ  
 در ترميزانم خداوند مُعِينٍ را که چو بر بخت است او در ترميزانم خداوند وَهَّابٍ را  
 مَا أَوْبَدَهُ وَتَسْبِحَانَهُ مِنْ تَوَّابٍ مَا أَسْخَرَهُ وَتَسْبِحَانَهُ  
 که چو بر بخت است او در ترميزانم خداوند تَوَّابٍ را که چو بر بخت است او در ترميزانم خداوند  
 مِنْ سَخِيٍّ مَا أَنْصَرَهُ وَتَسْبِحَانَهُ مِنْ نَصِيرٍ مَا أَسْلَمَهُ  
 خداوند سَخِيٍّ را که چو بر بخت است او در ترميزانم خداوند نَصِيرٍ را که چو بر بخت است او  
 وَتَسْبِحَانَهُ مِنْ سَلَامٍ مَا أَسْفَاهُ وَتَسْبِحَانَهُ مِنْ نَسَاءٍ  
 در ترميزانم خداوند سَلَامٍ را که چو بر بخت است او در ترميزانم خداوند نَسَاءٍ را  
 مَا أَلْجَأَهُ وَتَسْبِحَانَهُ مِنْ مُخِجٍ مَا أَوَّاهُ وَتَسْبِحَانَهُ مِنْ  
 که چو بر بخت است او در ترميزانم خداوند مُخِجٍ را که چو بر بخت است او در ترميزانم خداوند  
 بَارِئٍ مَا أَطْلَبَهُ وَتَسْبِحَانَهُ مِنْ طَالِبٍ مَا أَدْرَكَهُ  
 بگردد را که چو بر بخت است او در ترميزانم خداوند طَالِبٍ را که چو بر بخت است او











وَمَا يَلْبَسُ إِلَّا الْإِسْلَامَ دِينًا  
وَأَسْمَاءُ عَلِيٍّ أَمَّا شَيْخَانِي  
مِنْ كُلِّ قَوْمٍ فَاتَّبِعْهُ عَلَى كُلِّ مَنَاقِلَ  
وَأَسْمَاءُ عَلِيٍّ أَمَّا شَيْخَانِي  
مِنْ كُلِّ قَوْمٍ فَاتَّبِعْهُ عَلَى كُلِّ مَنَاقِلَ  
وَأَسْمَاءُ عَلِيٍّ أَمَّا شَيْخَانِي  
مِنْ كُلِّ قَوْمٍ فَاتَّبِعْهُ عَلَى كُلِّ مَنَاقِلَ

وَجَارِزِهِمْ فِي الصَّبْرِ بِالَّذِي ابْتَلَيْتَهُمْ بِهِمْ  
بِأَمْزِينَ حُبِّ الْمَالِ عِنْدَ عِبَادِهِ وَمَتْلِهِمْ  
الْأَنْفُسِ السَّمْعَ وَالنَّهْأَ وَفَاطِرِ الْخَلْقِ عَلَى  
الْفَظَاظِهِ وَاللَّيْلِ عَمَّتِي دَهْنِ فُلَانٍ وَ  
قَضَيْتِي مَيْتِهِ عَلَيَّ وَأَعْيَانِي بَابُ جَلِيلِي

الْأَمِينِكَ بِأَخْبَرِهِ طَلُوبِ الْبَيْتِ الْحَوَائِجِ بِأَمْعُورِ  
الْأَهَاؤِ بِلِ فَرَجِ أَهَاؤِ بِلِي الَّذِي كَوْمَتِي  
مِنْ دَهْنِ الثَّمَانِ بِبَيْتِ بَرِيكَ لِي مِنْ دَرْوِيكَ  
وَأَسْمَاءُ عَلِيٍّ أَمَّا شَيْخَانِي  
مِنْ كُلِّ قَوْمٍ فَاتَّبِعْهُ عَلَى كُلِّ مَنَاقِلَ

وَأَسْمَاءُ عَلِيٍّ أَمَّا شَيْخَانِي  
مِنْ كُلِّ قَوْمٍ فَاتَّبِعْهُ عَلَى كُلِّ مَنَاقِلَ  
وَأَسْمَاءُ عَلِيٍّ أَمَّا شَيْخَانِي  
مِنْ كُلِّ قَوْمٍ فَاتَّبِعْهُ عَلَى كُلِّ مَنَاقِلَ

وَأَسْمَاءُ عَلِيٍّ أَمَّا شَيْخَانِي  
مِنْ كُلِّ قَوْمٍ فَاتَّبِعْهُ عَلَى كُلِّ مَنَاقِلَ  
وَأَسْمَاءُ عَلِيٍّ أَمَّا شَيْخَانِي  
مِنْ كُلِّ قَوْمٍ فَاتَّبِعْهُ عَلَى كُلِّ مَنَاقِلَ  
وَأَسْمَاءُ عَلِيٍّ أَمَّا شَيْخَانِي  
مِنْ كُلِّ قَوْمٍ فَاتَّبِعْهُ عَلَى كُلِّ مَنَاقِلَ

وَأَسْمَاءُ عَلِيٍّ أَمَّا شَيْخَانِي  
مِنْ كُلِّ قَوْمٍ فَاتَّبِعْهُ عَلَى كُلِّ مَنَاقِلَ  
وَأَسْمَاءُ عَلِيٍّ أَمَّا شَيْخَانِي  
مِنْ كُلِّ قَوْمٍ فَاتَّبِعْهُ عَلَى كُلِّ مَنَاقِلَ  
وَأَسْمَاءُ عَلِيٍّ أَمَّا شَيْخَانِي  
مِنْ كُلِّ قَوْمٍ فَاتَّبِعْهُ عَلَى كُلِّ مَنَاقِلَ

فَأَفْضِهِ بِأَفْدِيهِ وَلَا يُهَيِّئِي بِأَدَاةٍ وَلَا  
بِضَيْفِيهِ عَلَيَّ وَبِشَيْءٍ آدَاةٍ فَإِنِّي بِهِ  
مُسْتَرْقٍ فَافْكَرْ رِقِّي مِنْ سَعِيدِ الْبَيْتِ لَا  
يُسَبِّدُ وَلَا يُعْبِضُ أَبَدًا بِسِ بَرِيكَتِهِ هَرَاكَ هَلْ  
بُيُودِ بَارِكِيكَ لَانِمِ إِذَا دَحَبَ قَرْضِ رَادَاؤِ كُنْتُمْ قَرْضِ لَوْرَاؤِ

وَأَسْمَاءُ عَلِيٍّ أَمَّا شَيْخَانِي  
مِنْ كُلِّ قَوْمٍ فَاتَّبِعْهُ عَلَى كُلِّ مَنَاقِلَ  
وَأَسْمَاءُ عَلِيٍّ أَمَّا شَيْخَانِي  
مِنْ كُلِّ قَوْمٍ فَاتَّبِعْهُ عَلَى كُلِّ مَنَاقِلَ  
وَأَسْمَاءُ عَلِيٍّ أَمَّا شَيْخَانِي  
مِنْ كُلِّ قَوْمٍ فَاتَّبِعْهُ عَلَى كُلِّ مَنَاقِلَ

وَأَسْمَاءُ عَلِيٍّ أَمَّا شَيْخَانِي  
مِنْ كُلِّ قَوْمٍ فَاتَّبِعْهُ عَلَى كُلِّ مَنَاقِلَ  
وَأَسْمَاءُ عَلِيٍّ أَمَّا شَيْخَانِي  
مِنْ كُلِّ قَوْمٍ فَاتَّبِعْهُ عَلَى كُلِّ مَنَاقِلَ  
وَأَسْمَاءُ عَلِيٍّ أَمَّا شَيْخَانِي  
مِنْ كُلِّ قَوْمٍ فَاتَّبِعْهُ عَلَى كُلِّ مَنَاقِلَ

وَأَسْمَاءُ عَلِيٍّ أَمَّا شَيْخَانِي  
مِنْ كُلِّ قَوْمٍ فَاتَّبِعْهُ عَلَى كُلِّ مَنَاقِلَ  
وَأَسْمَاءُ عَلِيٍّ أَمَّا شَيْخَانِي  
مِنْ كُلِّ قَوْمٍ فَاتَّبِعْهُ عَلَى كُلِّ مَنَاقِلَ  
وَأَسْمَاءُ عَلِيٍّ أَمَّا شَيْخَانِي  
مِنْ كُلِّ قَوْمٍ فَاتَّبِعْهُ عَلَى كُلِّ مَنَاقِلَ











وَجَدُّ عَلَىٰ يَاحِيَانِكَ وَأَفْلَحِي عَشْرِي وَفَوْجُ  
 دجودن برین جهان خفته دور کرد لشکر مرا و فرج  
 كَرِيمِي وَأَرْحَمَ عَمْرِي وَلَا يَحِبُّ دُعُوِي وَأَشَدُّ  
 شفقت مرا در حقن کهنه شهر مرا دور سخن دعا مرا بجز کن  
 بِالْإِفَالِيهِ أَزْرِي وَفَوْقَهَا ظَهْرِي وَأَصْلِحْ  
 بگشت خردت بخت مرا و نوی کل بگشت خردت مرا و صلح کن  
 بِهَا أَمْرِي وَأَطْلُبْهَا عَمْرِي وَأَرْحَمِي يَوْمَ  
 آن لذت امر مرا و طول بده آن کزت عمر مرا و در حقن مرا روز  
 حَشْرِي وَوَقْتُ نَشْرِي إِنَّكَ جَوَادُ كَرِيمِ  
 حشر من و وقت نشستن من تحقیق کند صاحب جود و کرم  
 خَفُورٌ رَحِيمٌ  
 امرزده مهربان

بِأَنْوَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِأَعْوَابِ  
 ای روشن سماوات زمین ای زبده  
 السَّمْرِ

الْمُسْتَفْضِينَ وَبِإِجَارِ الشُّكْرِ أَنْتَ الْمُنَزَّلُ  
 عزیزترینان دای پناه طلب با کشته گمان تویی نازل کننده  
 بِكُلِّ حَاجَةٍ اسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ مَظَالِمِ  
 بر هر حاجتی طلب از من بجز آن را و میگردم سوی تو از خطیای  
 كَثِيرَةٍ لِعِبَادِكَ يَا قَلْبِي اللَّهُمَّ فَاتِمًا عَبْدًا مِنْ  
 بسیاری از بندگان تو پریشان است ای صاحب دل من بر بندگی  
 عِبِيدِكَ أَوْ أَمَةٍ مِنْ أُمَّتِكَ كَانَتْ لَكَ فِي  
 بندگان تو یا کسری از کسریان تو که بجهت مراد از بندگی  
 مَظْلَمَةٍ ظَلَمْتَهَا آيَاةٌ فِي نَفْسِهِ أَوْ فِي غَرْضِهِ أَوْ  
 ظلمی که نمودی که آیه در نفس او یا در غرض او یا  
 فِي مَالِهِ أَوْ فِي أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ أَوْ غَيْبَةٍ غَلَبَتْ  
 در مال او یا در اهل او و اولاد او یا غیبی که غلبه کرد  
 بِهَا أَوْ حَاطَمِلَ عَلَيْهِ عَيْبٌ أَوْ هَوَىٰ أَوْ أَتَقَرَّ  
 بر آنست یا حمله نمودن بر او ببل یا بر او شرف یا بر او  
 أَوْ حَبَبَةٍ أَوْ رِبَاءٍ أَوْ عَصَبَةٍ غَائِبًا كَانَ أَوْ  
 بیت یا ریا یا عصب غایب یا







مِنْ شَيْءٍ مَا خَلَقَ وَذَرَعًا وَتَرَةً وَمِنْ شَيْءٍ مَا خَلَقَ التُّرَابَ  
 از شته آنچه نه پر و چندان کرده و ذره و چکه گاه و از شتران چه در زیر است  
 وَمِنْ شَيْءٍ كُلِّ ذَاتٍ رَبِّي اخذَ مَا صَبَّحَ بِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى  
 و از شتر همه جسمند که برده و زمین را شوی شتر از آن به شتر که در آن است  
 صِرَاطُهُ سُبُطٌ لَأَحْوَلُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ  
 راه است راه است سبوط از راه به سبوط از راه که در راه است و سبوط است  
 قُوَّةَ كُلِّ ضَعِيفٍ وَعَوْنٌ كُلِّ ضَعِيفٍ لَأَحْوَلُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ  
 سبوطی هر که ضعیف است و عاون هر که ضعیف است بر سبوط از راه که در راه است  
 الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ مَلْجَأٌ كُلِّ هَارِبٍ وَمَا وَدَى كُلِّ خَائِفٍ لَأَحْوَلُ  
 که در راه است و ضعیف است مهربان هر که گریخته است و در راه است هر که گریخته است  
 وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ غِيَاثٌ كُلِّ مَلْعُوفٍ وَ  
 از راه است و قوتی که در راه است و ضعیف است و در راه است و در راه است  
 رَجَاءٌ كُلِّ مُضْطَرٍّ لَأَحْوَلُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ  
 و امید است هر که مضطر است به سبوط از راه که در راه است و در راه است  
 آتَى بِهَا نَفْسِي وَرَبِّي وَأَهْلِي وَمَالِي وَجَمِيعَ نِعَمِ الْعَالَمِ  
 گفته به من از خود مرا و دین مرا و اهل مرا و مال مرا و همه نعمت را که از خود مرا است

وَمَوْلَايَ وَيَسْتَدِي عِنْدِي لِأَحْوَلُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ  
 و مولای من و استدی من است من است من است من است من است من است من است  
 الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ أَخْبُو بِهَا مِنْ ابْلِيسَ وَجَبَلِهِ وَرَجَلِهِ وَسَبَابِ  
 که در راه است و عظیم است که در راه است و عظیم است که در راه است و عظیم است  
 وَمَرَدِيهِ وَأَعْوَانِهِ وَجَمِيعِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ وَشَرِّهِمْ  
 و مردی که در راه است و عظیم است که در راه است و عظیم است که در راه است  
 لَأَحْوَلُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَمْنٌ بِهَا مِنْ ظَلَمٍ مَنْ أَرَادَ  
 که در راه است و عظیم است که در راه است و عظیم است که در راه است و عظیم است  
 خَلَى مِنْ جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ لَأَحْوَلُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ  
 از راه است و عظیم است که در راه است و عظیم است که در راه است و عظیم است  
 بِهَا جَدُّ مَنْ نَعَى عَلِيَّ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ لَأَحْوَلُ وَلَا قُوَّةَ  
 که در راه است و عظیم است که در راه است و عظیم است که در راه است و عظیم است  
 إِلَّا بِاللَّهِ الْكَفَّ بِهَا عَدُوَّانَ مِنْ أَعْدَائِي عَلِيَّ مِنْ جَمِيعِ  
 که در راه است و عظیم است که در راه است و عظیم است که در راه است و عظیم است  
 خَلْقِ اللَّهِ لَأَحْوَلُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَضْعَفُ بِهَا كَيْدُ  
 که در راه است و عظیم است که در راه است و عظیم است که در راه است و عظیم است







فربدا و چند خالی بای لاهول و لا قوة الا بالله استعین  
 شهادت کرده است که من بخدمت خداوند عزوجل در هر روز یک مرتبه این دعا را بخوانم  
 بها علی محترمی اذا نزلت لی صیغتی و رایت ذوق  
 این کلمه را هر کس که بخواند در هر روز یک مرتبه در هر حال که خواهد  
 و خطا بای لاهول و لا قوة الا بالله اذا طال فی البصیرة  
 و کرم خدمت را بخدمت خداوند عزوجل در هر روز یک مرتبه در هر حال که خواهد  
 و قوفی و استند عظمی لاهول و لا قوة الا بالله اقل  
 در کتب من و کتب غیر من نیز استقامت در راه حق را در هر روز یک مرتبه در هر حال که خواهد  
 بها البیرات و استند عظمی لاهول و لا قوة الا بالله اقل  
 این کلمه را در هر روز یک مرتبه در هر حال که خواهد در هر روز یک مرتبه در هر حال که خواهد  
 الا بالله اجودها الصراط مع الایمان و ائیت بها قد  
 بر هر کس که بخواند در هر روز یک مرتبه در هر حال که خواهد در هر روز یک مرتبه در هر حال که خواهد  
 لاهول و لا قوة الا بالله استعین بها فی دار القرار مع الای  
 من استقامت در راه حق را در هر روز یک مرتبه در هر حال که خواهد در هر روز یک مرتبه در هر حال که خواهد  
 و عدد ما قالها و ما بولها الفاتون منذ اول الدهر  
 میگوید که هر کس که این دعا را در هر روز یک مرتبه در هر حال که خواهد در هر روز یک مرتبه در هر حال که خواهد

بسم الله

الی الخوم و عدد ما احصاه كناية و احاط به علمه و  
 ما قرآن و بعد از این شعر را در هر روز یک مرتبه در هر حال که خواهد در هر روز یک مرتبه در هر حال که خواهد  
 اضعاف ذلک اضعافا مضاعفة و کل صغیر یضاه  
 چند برابر آن که آن را چند بار بخواند  
 اضعاف ذلک اضعافا مضاعفة ابد الابدین و من  
 بعد از چند بار اول را در هر روز یک مرتبه در هر حال که خواهد در هر روز یک مرتبه در هر حال که خواهد  
 العدد بلا امد عدد الا یحصبه الا هو و لا یحیط به  
 عدد بی حدی که شمارش شده آن را هر کس که بخواند در هر روز یک مرتبه در هر حال که خواهد  
 الا علیه و لاهول و لا قوة الا بالله العلی العظیم  
 هر کس که بخواند در هر روز یک مرتبه در هر حال که خواهد در هر روز یک مرتبه در هر حال که خواهد



هذا الدعاء المحب عظيم الشأن ورفع المترلزي  
 ابن دواد محب بزرگ شان *بنه نزله دوا*  
 عن النبي صلى الله عليه واله وثوابه عظيم لمحمد  
 در سمر سواد *بدر دوا در پیش چشم محمد*  
 انه صلى الله عليه واله قال والذي بعثني بالحق  
 محراب سواد *بدر دوا در زودن شهر ایمن که را کوشیده است*  
 نبيا لو ان رجلا بلغ به الجوع والعطش ثم دعا به  
 بنیر ملا *دوی رسد دوا کوشی و کوشی پس بخند ازین دوا*  
 بسكن ذلك عنه ولو دعا به على صفايح الحدید  
 سل یزد کوشی زود *دوا بخند ازین دوا بر سنجای زمین*  
 لذاب او على حیل لزال من مكانه او على محبون  
 مایه بخند *یا ر کوی مایه بخند از پیش تا بر دوانه*  
 لافاق او على مطلقه لسهل ولادتها او على  
 مایه کوشی *یا مایه بخند از پیش تا بر دوانه*

هذا الدعاء المحب عظيم الشأن ورفع المترلزي  
 ابن دواد محب بزرگ شان *بنه نزله دوا*  
 عن النبي صلى الله عليه واله وثوابه عظيم لمحمد  
 در سمر سواد *بدر دوا در پیش چشم محمد*  
 انه صلى الله عليه واله قال والذي بعثني بالحق  
 محراب سواد *بدر دوا در زودن شهر ایمن که را کوشیده است*  
 نبيا لو ان رجلا بلغ به الجوع والعطش ثم دعا به  
 بنیر ملا *دوی رسد دوا کوشی و کوشی پس بخند ازین دوا*  
 بسكن ذلك عنه ولو دعا به على صفايح الحدید  
 سل یزد کوشی زود *دوا بخند ازین دوا بر سنجای زمین*  
 لذاب او على حیل لزال من مكانه او على محبون  
 مایه بخند *یا ر کوی مایه بخند از پیش تا بر دوانه*  
 لافاق او على مطلقه لسهل ولادتها او على  
 مایه کوشی *یا مایه بخند از پیش تا بر دوانه*



مدینه محزون و منزله فی وسطها المبحرین

*شهری که این شهر است در آنجا که در میان شهرها است  
و من دعا به اربعین لیل جمعہ عفر الله تعالی  
و کسی که بخواند این دعا را در شب جمعه عاف شود از هر بیماری که در او است*

له کل ذنب ضلوه و من دعا به استجیب دعائه

*هر گاهی که کسی دعا کند در روز عید اربعین دعا او مستجاب شود  
و کشف همه غم و من دعا به امام حوله  
در روز عید اربعین دعا او مستجاب شود*

علی طوعه له قال سید بن طاووس رحمه الله

*کثرت بیتی بن علی بن ابی طالب  
فی مهبجه و هذا الدعاء الهیث به تلاوته  
در روز عید اربعین دعا او مستجاب شود*

طلبنا للتلاوة يوم الثلاثاء عند شدة الاثلاء

*بدر طلب سلامتی روز سه شنبه وقت شام  
فظرفنا باجابه الدعاء و بلوغ الرجاء و کفنا  
پس فراختریم بجایه دعا و رسیدن بیدخواهی و کفنا*

شتر الحاد ببلوغ المراد میر که هذا الدعاء و روی

*از شهر مدینه در بیان این دعا در روز عید  
ان سلمان الفارسی رحمه الله قال با رسول الله صلی  
علیه و آله و سلم دعا که در روز عید اربعین دعا او مستجاب شود*

الله علیه و آله الا اعلی الناس قال لا اله الا الله

*و در روز عید اربعین دعا او مستجاب شود  
بهر کون الصلوة و و کون الفواش فیدعون به فی غیر  
تکلیف کند تا در روز عید اربعین دعا او مستجاب شود*

لهم و لا مسل بهم و لجماعتهم و من فی مسجدهم و الاصل

*بش در این دعا در روز عید اربعین دعا او مستجاب شود  
اللهم انی استلک با من العجب بیغاه  
خدا ایستگاری من از تو ایستگاری من از تو ایستگاری من از تو*

توریه عن تواضع خلیفهم با من تسربل بالجلال و العظمة

*در روز عید اربعین دعا او مستجاب شود  
و استنصر بالجمعی فی قدسید با من تعالی بالجلال و العظمة  
و استنصر بالجمعی فی قدسید با من تعالی بالجلال و العظمة  
و استنصر بالجمعی فی قدسید با من تعالی بالجلال و العظمة*

والعظمة







الْعِظِينَكَ وَجَلَالِكَ وَهَيْبَتِكَ وَخَوْفِكَ مِنْ مَسْئُومِكَ بِرَأْسِهِ  
 عَظَمَتِكَ دَرَكَاوُ دَرَسَ رَأْوُ دَرَسَ لَرَضْفُ دَرَسَ لَرَضْفُ  
 مِنْكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ  
 لَرَوُ لَرَوُ لَرَوُ لَرَوُ لَرَوُ لَرَوُ لَرَوُ لَرَوُ لَرَوُ لَرَوُ  
 وَأَسْئَلُكَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي فَضَّلْتَ بِهَا دُونَ عِظِيمِ جُودِ  
 وَأَمَّا فَكَمْ سَمَّ جَبَدُ كَرَمِكَ فَتَرَى بِيَوْمِ بَرَكَةٍ جَمَلِي  
 جُودِي الشَّاطِرِينَ الَّتِي يَدُ فَدَّرَ حِلْمَكَ وَمَوَاهِدُ  
 حَسْبُهَا سِنَّةُ كَانِ لَا تَجِبَانِ شَاكِرِيكَ مِيرَاقِيكَ فَتَدْرُؤُ رَيْسِي  
 حَجَّ أَيْدِيَاءَ لَمْ يَغْرُفُونَكَ بِعِظِينَ الْعُلُوبِ وَأَمَّا فِي عَوَامِصِ  
 هَجْرَتِي عَمْرَانِ تَوْجِيهِ سَمْتَا بَرَكَةٍ أَلَسَ هَالِكٌ لِقَدْرِ تَوْجِيهِ  
 مِيرَاتِي مِيرَاتِي الْعُيُوبِ أَسْئَلُكَ بِعِرْوَةِ ذِيكَ الْأَسْمَاءِ  
 كَيْفَانِ هِيَ بِرَأْسِهِ كَيْفَانِ كَيْفَانِ كَيْفَانِ كَيْفَانِ كَيْفَانِ  
 أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَصْرِفَ عَنِّي وَأَهْلِ بَيْتِي  
 أَسْئَلُكَ بِرَأْسِهِ وَرَأْسِهِ وَرَأْسِهِ وَرَأْسِهِ وَرَأْسِهِ  
 وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَمِيعِ الْأَقَابِ وَالْقَائِمَاتِ  
 وَرَأْسِهِ رَأْسِهِ رَأْسِهِ رَأْسِهِ رَأْسِهِ رَأْسِهِ

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
 وآله الطيبين الطاهرين

وَالْبَيْكِبَاتِ  
 وَطَائِفِ كَرَمِهِ

وَالْأَعْرَاضِ وَالْأَمْرَاضِ وَالْخَطَايَا وَالذُّنُوبِ وَالْبَيْكِبَاتِ  
 وَرَأْسِهِ كَرَمِهِ كَرَمِهِ كَرَمِهِ كَرَمِهِ كَرَمِهِ  
 وَالشِّرْكِ وَالْكَفْرِ وَالشِّفَانِ وَالنِّقَاطِ وَالصَّلَاةِ  
 وَرَأْسِهِ كَرَمِهِ كَرَمِهِ كَرَمِهِ كَرَمِهِ كَرَمِهِ  
 وَالْجَهْلِ وَالْمَغْضَبِ وَالغَضَبِ وَالغَيْرِ وَالضُّبُورِ وَمَسَارِدِ  
 وَرَأْسِهِ كَرَمِهِ كَرَمِهِ كَرَمِهِ كَرَمِهِ كَرَمِهِ  
 صَمِيرٍ وَجُلُودِ النِّعْمَةِ وَسَمَاوَاتِ الْأَعْدَاءِ وَعَلْبَةِ الْأَرْوَاحِ  
 وَرَأْسِهِ كَرَمِهِ كَرَمِهِ كَرَمِهِ كَرَمِهِ كَرَمِهِ  
 أَنْتَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ لَطِيفُ مَا نَشَاءُ  
 بِرَأْسِهِ كَرَمِهِ كَرَمِهِ كَرَمِهِ كَرَمِهِ كَرَمِهِ  
 مِنَ الدُّعَاءِ الْمَعْرُوفِ بِدُعَاءِ الشَّيْخِ رَأْسِهِ فِي الْكِتَابِ الَّذِي

أَشْرَفَ إِلَيْهِ لِلرَّضْوَانِ الْأَوْفِيِّ رَضْوَانِ اللَّهِ عَلَيْهِ بِهَذَا الْكَلِمَاتِ  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 اللَّهُمَّ إِنِّي نَشْرُكَكَ شَيْبَانِي فَدَمَصْتُ وَرَضَمْتُ فَدَمَصْتُ  
 بِرَأْسِهِ كَرَمِهِ كَرَمِهِ كَرَمِهِ كَرَمِهِ كَرَمِهِ











الشا ذاب بمنك وان كثرت الذنوب فظهرت  
 بزرگان بجهنم و اگر چه بیهوش کنان پس بکار آورده  
 العيوب مانع من نعمك جليل و ظن ركرك  
 عیبها نامی بگوید از تنهای تو که بزرگ است چون عیبها که بگرم تو  
 جميل اذین بالاخلاص في توحيدك و محبة  
 گویند طاعت بکنم بجهنم بجاویت تو دوستی بزرگی  
 نبيك و موالاتك و معاداة عدوك و  
 نبی تو محبتت را در دشمنی گفتت دشمنان تو در باطن  
 مع هذا رجاء ونا ميل لا يغرض دونه ما  
 با وجود بیهوش امید ما بباران در روزی که در آن روز در دنیا کار با بیک  
 ولا نوء و يعين لا يؤمن شك و لا تفریط و كل  
 در این صفت نظر بر بزم بجهنم و چشمه در ناما در  
 ذلك منك و بك و ما ذاك الخيرا يا الله الا بيدك  
 این صفت در جهت که در تو وقت بپوشد همه خود ای ضایق که بگردد  
 لا يوصل اليك الا بمعونتك و قدرتك و لا ينال  
 رسد نمی شود بجز بکمالات و بزرگی و توانایی و توانایی آن

الا بمسئبتك و ارادتك و لا يلتمس الا بوفيقك  
 که بخواست تو و اراده تو و خواهش بران مودان که بگردد  
 و ندد يدك فان تعاف باذ الجلال و الاكرام  
 و محکم که از این تو پس از تعاف تا ای صفت حاصل در کم  
 عندك الخاطي العاصي و تقم منه و ما خذ  
 بنده خط کار و گناه کار و تقم تقم بگردد از او بگری ان بنده  
 بما اغتدى و ظلم و عصي و اجرم فلا جور عليه  
 چه بیهوشی او بگریها او بجهنمها و گنای او پس بگری بگریه و ان  
 و ان تعف عنه و برحمه و تتجاوز عن الغل  
 و اگر بخشش و غفایت از ان بنده و برحمه و براد در گذر از ان خطا که بران  
 كما ذاك الحسنه عندك فقال ما احسن اليه  
 مثله و تبار سبوی که در عمره و عود او بگری بگریه و ان  
 اللهم و كل ما قصر فيه او اضعفه من  
 بار خدا یا هر آن چه در آن بر او من در او ان با ضعیف او در  
 صالح يقرب اليك و يرفع عندك فاما هو  
 سبک که در آن بگردد بر تو و مقرب بگردد بر تو







يا الله واطعني يا رب ما لم اشرك بك شيئا  
ولم اجد في اني من اياك ولم اكنب بسيدتي من  
بينناك في اجرائي يوما في جملة من تعنته من  
النار يرحمك على كبيرهم وان تقضي لحقنا  
من حقوق صفوة لك اقمهم لقبول شفاعتهم  
واخصصهم بوجوب ولا ينهم واسعافهم  
اذ جعلتني من اهل ودينهم ومحبهم فاقع في  
جمهورهم وانجوني عنهم من عندك واليه عفا

والله

والله عفا بك وان كنت اللهم اسقط جاهي في  
نفسى واخلق وجهي واخس منزلة وقدرا من ان  
انصدي لثوابك واستدرف لحسن جزائك معها  
فدمنه يداي عندك اللهم والامر الذي لا فائدة  
معه ولا مدد له وانه واعلم يقينا انه لا يجتهد  
ولا يبد من الخروج منه ولا ينفعني هو اده ولا فائدة  
من احد عنده تبعات ومطالب وجنات هي بيخي  
وبين خلقك ساقي القضاء والقدر اليها



وَبَشَى الشَّاءَ وَالْبَلَاءَ عَلَيْهَا وَقَدْ كَانَ سَبْقُ عَمَلِهَا  
بِكُونِهَا مِنِّي قَبْلَ أَنْ تَخْلُقَنِي مِنْ غَيْرِ اجْتِبَاءٍ وَلَا اِكْرَاهٍ  
لَا تَنَاقُ يَا إِلَهِي يَا تَمَنُّنَ وَتَنْعِيمَ أَوْلَا مِنِّيكَ يَا نَجْوَى  
وَتَعْظِيمَ فَا نَاهِيَا مَرْهَنٌ وَيَبْكُرُوهَا وَسُوءَ مَا تَمْتَحِرُ  
فَدَكَّرْتُ خَوْفِي وَوَجَلِي مِنْهَا وَإِرْتِيَابِي وَقَلْبِي مِنْ  
أَجْلِهَا الْعَلِيَّ يَا تَهْمُ إِذَا رَأَوْا أحوَالَ الْغِيَا مِنْهَا فَهِيَ  
وَأَغْلَالُ جَهَنَّمَ وَأَنكَالُهَا وَأَمَلُواهَا مُنَافَاةً  
الْحَابِيبِ عَلَى الذَّمِّ وَالْخَرْدَلِ وَرُوحِ مَوَازِينِ الْفِطْرِ

بِالنَّفْصَانِ

بِالنَّفْصَانِ وَالزِّيَادَةِ وَخُرُوجِ الصِّكَاكِ بِأَجْحَتِهِ  
وَالنَّارِ وَقَلَمِ بَحْدِ وَالْحَسَنَةِ يَعْكُونَهَا سَيْلًا  
وَلَا عَنْ سَيِّئَةٍ يَخَافُونَهَا مَحْصِرًا ابْتَدَرُوا فِي لِيُوءِ  
الْمُطَالَبَةِ وَضِيْقِ الْحَاكِمَةِ فَعَمِلَ الْفَقِيرُ الْمُحْتَاجُ التَّيْدَ  
الْإِضْرَارِ إِلَى الْبَسِيرِ الْحَمِيرِ مِنَ الْأَعْمَالِ فَأَخَذُوا يَا  
مِنْ حَسَنَاتِي الضَّيْقِ الْفَلَيْلَةِ وَخَلَوْنِي مِنْ سَيِّئَاتِي  
الثَّقِيلَةِ الْوَسِيلَةَ وَأَنْتَ يَا كَتَبْتَ يَدَايَ عَنِّي  
مُعْرَضٌ وَلِفَعْلِي مُبْعَضٌ يَا رَبِّ مَنْ يُعْيِلُنِي هَذَا



ان لم تغشني ولا تجبرني ان لم تجبرني ومن ينفق  
بما اذا ادفع خصمي وقد كل لسانى وقل بياني وضعت  
برهانى وحقق في اني يوم تغير المرء من اخيه  
وابيه وصاحبه وبنيه لكل امرئ منهم  
يوم سئد شان يعنيه ان لم رضهم عنى فاذا عم الخلا  
يا رب عدلك فما الذي دراء الا فضلك ولا اذى  
الموئل الى ليك والمعول الا عليك ولا مذهب  
عنك ولا بد لي منك واين المقر العبد الا ابو عند

المحمان لا اله الا الله وهما انا ذابن يدك  
مغرف يدوني مغربا يا ابن ما في نفسي شاني  
لغيري قد جئت عظيمه واسات هديا ولك الحجة  
البالغة والسلطان والقدرة وقد امرت السير  
من عبادك وبالذعاء وعممهم بالنطول والنعما  
والفضل والآلاء وتضمنت الاجابة كراما  
وجودا ووعدا مفرونا بالنجح والوفاء فا وعد  
الوعيد الشديد على القنوط من رحمتك واليا



مِنْ رُوحِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَكَنتَ أَنْتَ فِي هَيْدِهِمْ أَكْبَرُ  
مِنْهُ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ نَعْمَ لَدَيْهِمْ وَلَوْلَا نِعْمَتُكَ لَمَاتَ  
عَلَى أُمَّتِكَ لَأَخْلَفَ الْمِعَادَ وَلَأَشْكُتُ عَمْدَكَ لَكُنْتُ  
بِسُدَّةِ إِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي مِنَ الْفَازِطِينَ وَيَطْوِلُ  
مَعْصِيَتِي مِنَ الْبَاقِينَ الْمُنْقَطِعِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
فَاَسْئَلُكَ يَا رَبِّ يَا كَرِيمَ الْعَوْدِ يَا حَسَنَ الْبِقَاؤِ يَا وَاسِعَ  
الْمَغْفِرَةِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْمِنَّةِ وَالْإِنْعَامِ  
يَا مَنْ يَجْرِي بِالْإِحْسَانِ حَيَاتَنَا وَيَا لَيْتِنَا غُفْرَانَا

فَلَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ التَّمِيمُ الصَّيْرُ فَاَسْئَلُكَ يَا  
الْحَسَنِي كُلِّهَا وَيَكِلُ إِلَيْهِ مَوْلَاكَ دَعَاكَ لَكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْ  
أَوْلِيَاءِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ فَاَسْتَجِبْ لَهُ وَأَعْطِهِ  
سُؤْلَهُ وَاسْتَأْذِنْ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ فَحَرِّبْهُ  
وَكَتَبْهُ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِ الْأَكْرَمِ وَحَمْدِكَ  
عَلَى نَفْسِكَ عَلَى خَلْفِكَ وَخِي كُلِّ حَوْرٍ عَلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الَّذِينَ أَنْزَلْتَ  
عَلَيْهِمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ نَظِيرًا وَجَعَلْتَهُمْ كِبَارًا



فِي الْحَجَّةِ وَأَمَّا مَا مِنْ الدَّمَارِ وَالْهَلَاكِ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ  
صَلَوَةٌ تَجْمَعُ لَكُمْ بِهَا خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَتَصْرِفُ عَنْكُمْ  
شُرَّهَا وَشَرَّ مَا فِيهَا وَأَنْ تَقْبَلَ لِي حَقِّكَ فَإِنَّ لِي  
يَنْقُصُكَ وَلَا يَضُرُّكَ وَتَرْضَى عَنِّي خَلْفَكَ فَإِنَّ لِي لِي  
وَلَا يَعْزُوكَ وَأَنْ تَتُوبَ يَا رَبِّ عَلَيَّ تَوْبَةً نَصُوحًا  
أَنْ تُوَفِّقَنِي فِيهَا لِعِبَادَتِكَ وَتَسْتَعِينَنِي بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ  
رُسُلِكَ وَطَاعَةِ مَنْ أَوْجَبَتْ طَاعَتَهُ وَأَفْرَضَتْ  
تُؤَدِّي عَنِّي عَلَى ذُنُوبِي نَدْمًا مَحْمُودًا بِحَسْبِ نَدْمِي تَوْبَةً

والمحني

وَلِيحْفَنِي بِالتَّوَابِينَ الْأَوَّابِينَ الْمُتَعَفِّينَ بِالْأَلْبَانِ  
الْعَابِدِينَ اللَّائِبِينَ بِكَ مِنَ النَّارِ حَتَّى لَا أَعُودَ تَعْبُدُ  
فِي ذَنْبٍ وَخَطِيئَةٍ وَلَا أَفْرُغُ مِنْ إِجْهَادٍ وَعِبَادَةٍ  
وَلَا أَزُولُ عَن سَمْعٍ وَطَاعَةٍ وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي جَنَّاتِكَ  
وَتَقْدِرَنِي بِمَغْفِرَتِكَ وَتَمُدَّ عَلَيَّ سِتْرَكَ وَ  
تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَلَا تُؤْمِنِي مَكْرَكَ وَتُؤَدِّي  
حَسْبَ بَيْتِكَ وَالْجِهَادِ فِي سَبِيلِكَ وَتَقْتُلَنِي بِأَعْدَائِكَ  
وَأَعْدَاءِ رُسُلِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنْ تُؤَدِّي



مِنْ بِالْقَلِيلِ لِبِئْسَ مِنَ الْأَعْمَالِ وَهَبْ لِي الْكَثِيرَ  
مِنَ الْأَوْزَارِ وَلَا تَقْنِي مَوَاقِفَ الْخَيْرِ وَالْعَارِ وَالْقَتْلِ  
وَالشَّيْءِ وَالذَّلِّ وَالصَّغَارِ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ أَعُوذُ  
بِكَ اللَّهُمَّ مِنْ تَخَطُّكَ وَاسْتِجْرَائِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَ  
اسْتِدْرَاجِكَ وَتَأْيِيدِكَ وَالْبُرْعِ عِفَائِكَ وَعَذَابِكَ  
وَإِخْذِكَ وَمِنْ حَجَبِ دُعَائِي عَنْكَ وَقَطْعِ رَجَائِي  
مِنْكَ وَمَنْعِي أَمْنِكَ وَتَحْنُتِكَ وَحُلِيِّ عِلْمِي  
مِنْ حَقِّكَ وَتَكْلِيفِي مَا لَا أَطِيقُهُ مِنْ عَدْلِكَ وَ

فَتَلِّكْ

قَطِّكَ وَمِنْ ذُنُوبِي إِلَهِي لَا أَرْجُو لِعَفْوِهَا وَسِيْرًا  
عَمْرَكَ وَسَيِّئَاتِي إِلَهِي لَا أَعِدُّ لِنَبْدِهَا بِهَا جَنَانِي  
إِلَّا عَفْوَكَ وَجَنِيلَ صَفْحِكَ يَا أَهْلَ النَّوَى وَأَهْلَ  
الْمَغْفِرَةِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَوْلَا وَالْخِرَافِكِ  
مَا أَكْرَمَنِي بِهِ مِنَ التَّوْفِيقِ لِذَاتِهِ وَعَظِيمِ الرَّغْبَةِ  
فِي ثَوَابِهِ وَهَدَانِي إِلَى الْأَعْرَافِ بِحِفْهِ وَالثِقَةِ  
بِكَرَمِهِ وَجُودِهِ وَالْبَقِيَّةِ بِوَعْدِكَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى  
الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



ازین قضا عین شریفه در ماه صفر شود همچنان زیور از

خواننده این دعا زهر خود خط

سالم ماند تا صفر سال دیگر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا شَدِيدُ

الْقُوَى يَا شَدِيدُ الْمَحَالِ يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ

يَا عَزِيزُ خَلَقْتَ بِقَدْرَتِكَ جَمِيعَ خَلْقِكَ

فَاكْفِنِي شَرَّ خَلْقِكَ يَا مُحْسِنُ يَا مُجَلِّدُ

يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ يَا مُصَلِّ يَا إِلَهَ الْإِلَهِ

أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

فَاَسْجِنْنَا لَهُ وَجَنِّبْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ

نُحْيِي الْمُؤْمِنِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

وَسَلِّمْ وَسَلِّمْ كَثِيرًا كَثِيرًا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا شَدِيدُ الْقُوَى يَا شَدِيدُ الْمَحَالِ يَا عَزِيزُ

يَا عَزِيزُ ذَلَّتْ بِعِزَّتِكَ جَمِيعَ خَلْقِكَ فَكَفِنِي

جَمِيعَ خَلْقِكَ يَا مُنْعِمُ يَا مُحْسِنُ يَا مُجَلِّدُ

يَا إِلَهَ الْإِلَهِ الْأَمْتِ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ

الظَّالِمِينَ فَاَسْجِنْنَا لَهُ وَجَنِّبْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ

وَكَذَلِكَ نُحْيِي الْمُؤْمِنِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى



مُحَمَّدٍ <sup>وَالِدِهِ</sup>

الطيبين الطاهرين

هذا الدعاء مروى عن الصادق عن ابيه عن  
ابائه عن علي عليه السلام عن النبي صلى الله  
عليه واله وفضله عظيم لمخضه ما اروي  
ان النبي صلى الله عليه واله قال لما اصرى  
الى السماء ما نزلت حجابا اطع بعد حجاب  
حتى قطعت سبعين الف حجاب كل حجاب منها  
كاتبين المشرق والمغرب الف مرة ثم نودت

يا محمد

يا محمد صلى الله عليه واله علم هذا الدعاء  
للمؤمنين من امثلك ولا تعلم للعصاة فسبحنا  
لهم من دعا به فوج الله همم وغمة وفضى ذنبه  
وغفر ذنبه واعطاه ما يعطى النبيين و  
الصديقين والشهداء والصالحين وبني  
له الف نصر من دبره باقوت في جوار الله  
تعالى ونظر الله تعالى اليه كل يوم ثلاثا  
وستين نظرة واذ افرغ من فلا وندفاه مله



اسنانف العمل فهد بدل الله سبحانه حسناك  
 وغفر لك ولو الديك ولفرانك وللعيلون  
 كنيه ووضع في بيته وشع الله عليه و  
 على اهل بيته الرزق ولم يفر من شره شطان  
 ومن في سفره امن من اللصوص ولم يعباء من  
 المشى وقضيت حوائج داره وان علق على  
 صبي لم يقد عليه ابليس وجنوده وامر من  
 الاسواء ومن كنيه وشرب لم نفس شيئا وامر

من الادواء ومن دعا به وهو يريد امر من  
 الامور تتم له وسهل عليه ومن فواه في وجه  
 جبار امن من شره ومن واظب عليه صباحا  
 ومساء كان من احبا الله واصفيائه وكان  
 يوم القيمة من الفائزين ولو اجتمع الانس والجن  
 والملئكة ومثلهم مائة الف ضعف منذ  
 خلق الله الدنيا الى ان يفتنى لم يقدروا على حصر  
 ثوابه وهو من ادعاه الوجهه عند الله و



من لم يحسن قراءته فليجعل الترفع التي هو فيها  
بين يديه وليقل اللهم بحق هذا الدعاء  
وبحق من امر محمد صلى الله عليه واله ان يدعوا  
به ويخجل عليه فانه محمد بن عبد الله صلى الله  
عليه واله وافضل بي كذا وكذا فانه لا يقوم  
الابضاء حوائجه ان كان ذلك بنية صادقة  
واعتقاد صحيح فعليه خبار امك فانه كثر الخور  
فاذا دعوا به استجب لهم وغفر لهم الذي

وكشف به عنهم الكرب وقال النبي صلى الله  
عليه واله الحمد لله الذي من على وعلى <sup>تمني</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ  
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَيُّ الْعَدْلُ الْبَاقِي لَا إِلَهَ  
إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْأُولَى لَا إِلَهَ



اَلَا اِنَّكَ سَجَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِيْنَ لَا اِلَهَ  
 اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ الْمَلِكُ وَلَهُ الْحَمْدُ  
 جَبِيْ وَّجِيْبٌ وَبِيْئَتْ وَجَبِيْ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوْتُ  
 يَبِيْدُهُ الْحَجْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ لَا اِلَهَ اِلَّا  
 اللهُ مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ  
 اللهُ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ اِقْرَارًا  
 بِرُبُوْبِيَّتِهِ وَسُجْدًا لِّلْهُ حُضُوْعًا لِعِظَمِيَّتِهِ وَ  
 شَهَادَةً اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ اللهُمَّ يَا تَوَكَّلُ

وَ الْاَرْضِ وَبِغِيَابِهَا السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ وَبِاقْبَالِ  
 السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ وَبِعِمَادِ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ  
 يَا دَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ اللهُمَّ صَلِّ  
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ  
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا فَضَلْتَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ  
 وَرَحِمْتَ وَتَحَنَّنْتَ عَلَى بَرِيَّتِهِمْ وَآلِ بَرِيَّتِهِمْ  
 اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ اللهُمَّ اِنَّكَ تَعْلَمُ سِرِّي وَعَلَانِيَّتِي  
 وَمَا فِي نَفْسِي فَاغْفِرْ لِعَدْوِي وَتَعْلَمُ حَاجَتِي



فاعطني مؤبداً وانحرفي دُنُوبِ اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ  
 اِلَّا اَنْتَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ  
 بِحُجْرَتِكَ وَجِهَتِكَ الْكَرِيمِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ بِحُجْرَتِكَ  
 عَزْرَتِكَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ بِحُجْرَتِكَ عِظَمِ جَلَالِكَ  
 عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ بِحُجْرَتِكَ مَلِكِكَ الْمُفْرَبِينَ  
 وَاَنْبِيَاءِكَ الْمُرْسَلِينَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ  
 بِحُجْرَتِكَ اِسْرَافِيلَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ بِحُجْرَتِكَ  
 عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ بِحُجْرَتِكَ عِزْمَتِكَ وَالْكَرُوبَيْنِ

حُجْرَتِكَ يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ  
 بِحُجْرَتِكَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ  
 وَاَسْأَلُكَ بِحُجْرَتِكَ

عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ بِحُجْرَتِكَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى خَاتَمِ  
 النَّبِيِّينَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ بِحُجْرَتِكَ عَلِيٍّ بْنِ  
 أَبِي طَالِبٍ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَاِمَامِ الْمُتَّقِينَ عَلَيْكَ  
 يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ بِحُجْرَتِكَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ  
 نِسَاءِ الْعَالَمِينَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ بِحُجْرَتِكَ  
 الْحَسَنِ الْمُجْتَبَىٰ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ بِحُجْرَتِكَ  
 الْاِمَامِ الشَّهِيدِ الْمَظْلُومِ الْمُضْطَرِّفِ الْبُكَرِ عَلَيْكَ  
 يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ بِحُجْرَتِكَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ

اَسْأَلُكَ بِحُجْرَتِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ  
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَاَسْأَلُكَ بِحُجْرَتِكَ  
 مِنْ اَنْبِيَائِكَ وَالرَّسُلِينَ  
 عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ بِحُجْرَتِكَ



عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ الْبَائِسِ الْوَالِعِ  
 الْيَتِيمِ بْنِ عَلِيٍّ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ  
 الصَّادِقِ الْبَارِعِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُوسَى  
 بْنِ جَعْفَرِ الْكَاطِمِ فِي اللَّهِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ  
 مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَقِيِّ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ عَلِيِّ بْنِ  
 مُحَمَّدِ بْنِ النَّفِيِّ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْحَسَنِ  
 الْعَسْكَرِيِّ بْنِ عَلِيٍّ الرَّزِيِّ الرَّضَا عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ  
 بِحَقِّ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْفَائِمِ بِأَمْرِكَ وَالْمُجِدِّ عَلَى عِبَادِكَ

عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ حُصَيْنِ ابْنِ هَيْبٍ عَلَيْكَ  
 يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ زُبَيْرِ بْنِ أَوْدَعَةَ عَلَيْكَ وَأَسْأَلُكَ  
 بِحَقِّ ثَوْرَةَ بْنِ مُوسَى عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ لَيْثِ بْنِ  
 عَيْبِ بْنِ عَلِيٍّ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ إِسْمَاعِيلِ الْمَكُونِيِّ  
 فَإِنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ  
 بِحَقِّ إِسْمَاعِيلِ بْنِ أَبِي إِسْمَاعِيلِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ  
 بِحَقِّ سُورَةَ الْحَمْدِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ سُورَةِ الْبَقَرَةِ  
 عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ سُورَةِ الْاِعْرَافِ عَلَيْكَ



يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ النَّاسِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ  
 وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ الْمَائِدَةِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ  
 بِحَيِّ سُوْرَةِ الْأَنْعَامِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ  
 الْأَعْرَافِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ الْأَنْفَا  
 عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ التَّوْبَةِ عَلَيْكَ  
 يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ  
 بِحَيِّ سُوْرَةِ مَرْيَمَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ  
 طه عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ الْأَنْبِيَاءِ  
 عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ الْحَجِّ عَلَيْكَ  
 يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ  
 وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ النُّوْرِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ

عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ الْحَجِّ عَلَيْكَ  
 يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ النَّخْلِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ  
 وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَاللَّ  
 بِحَيِّ سُوْرَةِ مَرْيَمَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ  
 طه عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ الْأَنْبِيَاءِ  
 عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ الْحَجِّ عَلَيْكَ  
 يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ  
 وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ النُّوْرِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَاللَّ



بِحَيِّ سُوْرَةِ الْفُرْقَانِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ  
 الشُّعْرَاءِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ النَّمْلِ  
 عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ الْفَصِّصِ عَلَيْكَ  
 يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ الْعَنْكَبُوْتِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ  
 وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ الرُّوْمِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ  
 بِحَيِّ سُوْرَةِ الْقَمِيْرِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ  
 التَّجْوِيْدِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ الْأَحْقَابِ عَلَيْكَ  
 يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ التَّبَا عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ

بِحَيِّ سُوْرَةِ الْمَلِكِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ  
 عَلِيْدٍ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ وَالصَّافِيَاتِ عَلَيْكَ  
 يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ ضِ عَلَيْهِكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ  
 بِحَيِّ سُوْرَةِ الزُّمْرِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ  
 عَلِيْدٍ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ هُمِ التَّجْوِيْدِ عَلَيْكَ  
 يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ حَمِيْمٍ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ  
 بِحَيِّ سُوْرَةِ الرَّحْمٰنِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ  
 الدُّخَانِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ الْجَانِيْدِ



عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ الْأَحْقَابِ عَلَيْكَ

يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ الْفَجْرِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ

وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ الْحُرَاتِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ

بِحَيِّ سُوْرَةِ قِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ وَاللَّهِ

عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ وَالصُّورِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ

وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ وَالنَّجْمِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ

بِحَيِّ سُوْرَةِ الْقَمَرِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ الْوَاوِيْنِ

عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ الْوَاقِعَةِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ

وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ الْحَدِيدِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ

بِحَيِّ سُوْرَةِ الْمُنْتَهَا عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ

الْصَّفِّ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ الْجُمُعَةِ

عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ النَّعَابِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ

وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ الطَّلَافِينِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ

بِحَيِّ سُوْرَةِ الْحَرَمِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ

بِنَارِكَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ سُوْرَةِ نُورِ عَلَيْكَ



يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِسُورَةِ الْحَاقَّةِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ  
 بِسُورَةِ الْمَعَارِجِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِسُورَةِ  
 نُوحٍ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِسُورَةِ الْجِنِّ عَلَيْكَ يَا رَبِّ  
 وَأَسْأَلُكَ بِسُورَةِ الْمُرْتَلِّ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِسُورَةِ  
 الْمُدَّثَّرِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِسُورَةِ الْفَيْهِمِ  
 عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِسُورَةِ الْإِنشَانِ عَلَيْكَ  
 يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِسُورَةِ الرُّسُلِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ  
 وَأَسْأَلُكَ بِسُورَةِ النَّبَاِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ

سُورَةِ النَّازِعَاتِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِسُورَةِ  
 عَبَسَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِسُورَةِ التَّكْوِيْنِ عَلَيْكَ  
 يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِسُورَةِ الْأَنْفِطَارِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ  
 وَأَسْأَلُكَ بِسُورَةِ الْمُطَفِّفِينَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ  
 بِسُورَةِ الْاِنْشِقَاقِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِسُورَةِ  
 السَّجْدِ الْطَائِرِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِسُورَةِ  
 الْاَعْلَى عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِسُورَةِ الْغَاشِيَةِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ



وَأَسْأَلُكَ بِسُورَةِ الْفَجْرِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَمَّا لَكَ  
 بِسُورَةِ الْبَلَدِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَمَّا لَكَ بِسُورَةِ  
 التَّمِيزِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَمَّا لَكَ بِسُورَةِ النَّبْلِ  
 عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَمَّا لَكَ بِسُورَةِ وَالضُّحَىٰ عَلَيْكَ  
 يَا رَبِّ وَأَمَّا لَكَ بِسُورَةِ الْمُنْتَهَىٰ عَلَيْكَ يَا رَبِّ  
 وَأَمَّا لَكَ بِسُورَةِ الرِّزْقِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَمَّا لَكَ  
 بِسُورَةِ الْعَادِيَاتِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَمَّا لَكَ بِسُورَةِ  
 سُورَةِ الْفَارِعَةِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَمَّا لَكَ بِسُورَةِ

والتبين عليك يا رب  
 بسورة التامق عليك يا رب  
 واما لك بسورة القدر عليك  
 يا رب واما لك بسورة  
 امكن عليك يا رب واما لك  
 بسورة

الكَافِرِينَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَمَّا لَكَ بِسُورَةِ وَالْعَصْرِ  
 عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَمَّا لَكَ بِسُورَةِ الْهُمَةِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ  
 وَأَمَّا لَكَ بِسُورَةِ الْغَيْلِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَمَّا لَكَ بِسُورَةِ  
 سُورَةِ الْفُرْقَانِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَمَّا لَكَ بِسُورَةِ آرَاءِ  
 عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَمَّا لَكَ بِسُورَةِ الْكَوْنِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ  
 وَأَمَّا لَكَ بِسُورَةِ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ  
 وَأَمَّا لَكَ بِسُورَةِ النَّصْرِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَمَّا لَكَ بِسُورَةِ  
 سُورَةِ بَيْتِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَمَّا لَكَ بِسُورَةِ قُلْ هُوَ اللَّهُ



اَحَدُ عَلَيْنَكَ يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ بِسُورَةِ الْاَلْوَعِ عَلَيْنَكَ  
 يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ بِسُورَةِ النَّاسِ عَلَيْنَكَ يَا رَبِّ  
 وَاَسْأَلُكَ بِكُلِّ سُورَةٍ اُنزِلَتْهَا عَلَيَّ مِنْ اَنْبِيَاءِكَ  
 عَلَيْنَكَ يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ بِمِائَةِ اَلْفِ نَبِيِّ وَاَرْبَعَةِ  
 وَاَعَشْرَةِ بَنِي اَلْفِ نَبِيِّ عَلَيْنَكَ يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ بِاَسْمَاءِ  
 اَبِي دَعَاكَ بِهَا اَنْبِيَاؤُكَ وَرُؤُوسِكَ وَاَهْلِ طَاعَتِكَ  
 عَلَيْنَكَ يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ بِاَسْمَاءِ الْمَكْتُوبِ عَلَيَّ  
 اللُّوحِ الْمَحْضُوطِ عَلَيْنَكَ يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ بِاَسْمَاءِ

الْمَكْتُوبِ عَلَيَّ سَائِرِ عَرَشِكَ عَلَيْنَكَ يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ  
 بِحَقِّ اَسْمَاءِ الْمَكْتُوبِ عَلَيَّ الصِّرَاطِ عَلَيْنَكَ يَا رَبِّ و  
 وَاَسْأَلُكَ بِحَقِّ اَسْمَاءِ الْمَكْتُوبِ عَلَيَّ اَجْمَعِ حَيْثُ نَزِلَتْ مِنْهَا  
 عَلَيْنَكَ يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ بِحَقِّ اَسْمَاءِ الْمَكْتُوبِ عَلَيَّ اَجْمَعِ  
 اِسْرَافِيْلَ عَلَيْنَكَ يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ بِحَقِّ اَسْمَاءِ الْمَكْتُوبِ  
 عَلَيَّ كَفِّ غِرْزِ رَايِيكَ عَلَيْنَكَ يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ بِحَقِّ اَسْمَاءِ  
 الْمَكْتُوبِ عَلَيَّ بَابِ الْجَنَانِ عَلَيْنَكَ يَا رَبِّ وَاَسْأَلُكَ  
 بِحَقِّ اَسْمَاءِ الَّذِي دَعَا لِي بِهِ مُنْكَرٌ وَنَكِيْرٌ عَلَيْنَكَ يَا رَبِّ



وَأَسْأَلُ بِحُجَّتِ امْرَأَتِي أَلَّذِي دَعَا بِهِ هَذَا عَرِيضَةَ عَلَيْكَ

يَا رَبِّ وَأَسْأَلُ بِحُجَّتِ امْرَأَتِي أَلَّذِي دَعَا بِهِ هَذَا عَرِيضَةَ عَلَيْكَ

وَالْكَرْبُ يُبْشِرُ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُ بِحُجَّتِ غَابَةِ رَحِيمِكَ

عَلَى عِبَادِكَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُ بِحُجَّتِ تَمَامِ كَلِمَاتِكَ عَلَيْكَ

يَا رَبِّ وَأَسْأَلُ بِحُجَّتِ امْرَأَتِي عَرِيضَةَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ

وَأَسْأَلُ بِحُجَّتِ امْرَأَتِي أَلَّذِي دَعَا بِهِ هَذَا عَرِيضَةَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُ

بِحُجَّتِ امْرَأَتِي أَلَّذِي دَعَا بِهِ هَذَا عَرِيضَةَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُ

بِحُجَّتِ امْرَأَتِي أَلَّذِي دَعَا بِهِ هَذَا عَرِيضَةَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُ

الَّتِي نَلْقَاهَا مِنْكَ فَتُبَّتْ عَلَيْهَا عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُ

بِحُجَّتِ امْرَأَتِي أَلَّذِي دَعَا بِهِ هَذَا عَرِيضَةَ عَلَيْكَ

يَا رَبِّ وَأَسْأَلُ بِحُجَّتِ امْرَأَتِي أَلَّذِي دَعَا بِهِ هَذَا عَرِيضَةَ عَلَيْكَ

عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاجْبُدْهُ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُ

بِحُجَّتِ امْرَأَتِي أَلَّذِي دَعَا بِهِ هَذَا عَرِيضَةَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُ

بِحُجَّتِ امْرَأَتِي أَلَّذِي دَعَا بِهِ هَذَا عَرِيضَةَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُ

بِحُجَّتِ امْرَأَتِي أَلَّذِي دَعَا بِهِ هَذَا عَرِيضَةَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُ

بِحُجَّتِ امْرَأَتِي أَلَّذِي دَعَا بِهِ هَذَا عَرِيضَةَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُ



يَحْيَى الْإِسْمِ الَّذِي دَعَا بِهِ مِنْ قَبْلِهِ السَّلَامُ  
 فَجَعَلَ النَّارَ عَلَيْهِ بُرْدًا وَسَلَامًا عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَ  
 أَسْأَلُكَ بِحَيِّ الْإِسْمِ الَّذِي دَعَا بِهِ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 فَفَدَيْتَهُ بِدِيْنِ عَظِيمٍ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ  
 الْإِسْمِ الَّذِي دَعَا بِهِ إِسْحَاقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَبِّ  
 وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ الْإِسْمِ الَّذِي دَعَا بِهِ هُوْدٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأَهْلَكَ عَادًا وَعِجْلًا يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ  
 بِحَيِّ الْإِسْمِ الَّذِي دَعَا بِهِ صَالِحٌ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ

وَأَهْلَكَ مُؤَدَّاءَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ الْإِسْمِ  
 الَّذِي دَعَا بِهِ يَحْيَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَتَرَدَّدَتْ  
 عَلَيْهِ بَصَرُهُ وَوَلَدَهُ وَكَتَفَتْ عَنْهُ صَرَّهُ عَلَيْكَ  
 يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ الْإِسْمِ الَّذِي دَعَا بِهِ يُسُفُّ  
 عَلَيْهِ السَّلَامُ فَانجَبَتْهُ مِنْ عِبَابِ الْجَبِّ وَمِنْ الْعَيْنِ  
 عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ الْإِسْمِ الَّذِي دَعَا  
 بِهِ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَعَلْتَهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ  
 عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيِّ الْإِسْمِ الَّذِي دَعَا بِهِ



سَلَامَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَوَهَبْتَ لَهُ مُلْكَ الْأَلْبَنِيِّ  
 لِأَحَدٍ مِنْ عِبْدِهِ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَقَّابُ عَلَيْهِ يَارَبِّ  
 وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْأَسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَبُو بَرْزَةَ  
 فَكَشَفْتَ عَنْهُ صَرَّهُ وَأَوْرَأَهُ مِنْ مَقْعَرِ عَلَيْهِ يَارَبِّ  
 وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْأَسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى عَلَيْهِ  
 وَالْأَنْبِيَاءُ إِلَى تَرْغُوتَ قَالَ بَشَرَةً هَبْبَكَ عَلَيْهِ يَارَبِّ  
 وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْأَسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَلِيُّ حَمِيلَ الطُّورِ  
 فَكَلَّمْتَهُ ذِكْرًا عَلَيْهِ يَارَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْأَسْمِ

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ الْأَسْمَاءُ بِنْتُ فَرَّاحٍ فَبَنَيْتَ لَهَا عَدَدَكَ  
 بَيْنَنَا فِي الْجَنَّةِ عَلَيْهِ يَارَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْأَسْمِ الَّذِي  
 دَعَاكَ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ فَجَعَلْتَ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْخَيْرِ بَيْنَنَا  
 عَلَيْهِ يَارَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْأَسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ  
 ذَا نَبَالٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَجَّيْتَهُ مِنْ عُدُوهِ عَلَيْهِ يَارَبِّ  
 وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْأَسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ الْخَضِرُ عَلَيْهِ  
 عَلَيْهِ يَارَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْأَسْمِ الَّذِي دَعَاكَ  
 بِهِ عَائِشَةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَرَأَ الْأَكْدَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأَجَابَا



الْمَوْئِي بِأَذْنِكَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيْ إِذَا لَمْ يَدْعُوكَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاسْتَجِبْتَ لَهُ  
 وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَذْرِهِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيْ إِذَا  
 الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَنْبِيَاؤُكَ وَرُسُلُكَ فَاسْتَجِبْتَ لَهُمْ  
 دُعَاءَهُمْ وَأَنْبَتَهُمْ مُؤَلِّمٌ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيْ  
 الْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ الْأَنْبِيَاءُ وَالْأَوْلِيَاءُ وَ  
 الْأَصْفِيَاءُ وَالرُّهَادُ وَالْعِبَادُ وَالْأَبْدَالُ عَلَيْكَ يَا رَبِّ  
 وَأَسْأَلُكَ بِحَيْ الْإِسْمِ الَّذِي فَاتَتْ بِهِ السَّمَوَاتُ

التين وأسفلت به الجبال الرواسي عليك يا رب  
 وَأَسْأَلُكَ بِحَيْ كُلِّ اسْمٍ لَكَ عِنْدَكَ حَقًّا عَلَيْكَ يَا رَبِّ  
 وَأَسْأَلُكَ بِحَيْ الْإِسْمِ الَّذِي اصْطَفَيْتَهُ وَلَمْ تُطْلِعْ  
 عَلَيْهِ أَحَدًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ  
 الْمُرْسَلِينَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيْ الْبَيْتِ الْحَرَامِ  
 عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيْ الزُّكْنِ وَالْمَقَامِ عَلَيْكَ  
 يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ بِحَيْ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَ  
 أَسْأَلُكَ بِحَيْ الشَّعْرِ الْحَرَامِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ

وَأَسْأَلُكَ بِحَيْ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ



بِحَوْلِ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِمِزْمِ  
 عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِمِزْمِ الْيَوْمِ الْكَبِيرِ  
 تَجَاجُ بَيْنَكَ الْخَوَامِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِمِزْمِ  
 الَّذِي يُجْبَى بِرِ الْأَمْوَانِ وَيُنْبِئُ بِهِ الْأَحْيَاءُ عَلَيْكَ يَا رَبِّ  
 وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِمِزْمِ الْمُصْطَفَى وَأَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ  
 عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِمِزْمِ رَحْمَتِكَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ  
 وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِمِزْمِ عَظِيمِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ  
 بِمِزْمِ أَمْنَاءِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهَا أُجِبْتَ بِهَا إِجَابَةً وَإِذَا

سَأَلْتَ بِهَا أَعْطَبْتَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ  
 الرَّاحِمِينَ الْبَنَدِ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِمِزْمِ  
 لَكَ وَالْقَائِمِينَ بِأَمْرِكَ عَلَيْكَ يَا رَبِّ وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ  
 الرُّوحَانِيَّةِينَ وَالْمَلَائِكَةَ الْمُقَرَّبِينَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ  
 عَلَيْكَ يَا رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوةً كَثِيرَةً  
 وَأَرْحَمْنَا وَعَافِنَا وَأَعْفُ عَنَّا وَأَغْفِرْ لَنَا وَبِعَلْمِنَا  
 أَصْلِحْ لَنَا شَأْنَنَا وَأَفِضْ عَلَيْنَا وَحَقِّقْ أَمَانَتَنَا وَوَقِّفْ  
 عَنَّا وَانظُرْ إِلَيْنَا بِعَيْنِ الرَّحْمَةِ وَالرَّحْمَةِ وَأَغْفِرْ لَنَا وَوَالِدِ



وَمَا وَلَدًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَأَرْحَمَكُمَا  
 رَبِّي صَغِيرًا وَأَجْرُهُمَا بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا وَإِيَّاكُنَا  
 غَفْرَانًا وَعَاقِبَتَا مِنَ الْآفَاتِ الدُّنْيَا وَبَيْتِنَا مَا أَحْبَبْنَا  
 وَأَدْرَعْنَا مِنَ الْغَلَاءِ وَالْوَبَاءِ وَالْبَلَاءِ وَالْأَوْجَاعِ  
 وَالْأَسْفَامِ وَالْأَمْرَاضِ وَالْفُحْطِ وَالزَّلَازِلِ وَالْعَيْنِ  
 وَجُورِ السُّلْطَانِ وَكَيْدِ الشَّيْطَانِ وَمَتْرَفَقَةِ الْحَيْنِ  
 وَالْإِنْرِ وَمَتْرَفَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَأَهْلِكَ مِنِّي  
 هَلَاكِهِ صَلَاحِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَبْوَانِي فِي بَقَايَةِ صَلَاحِ الْمُؤْمِنِينَ

اللَّهُمَّ وَكُنْ لِي وَلِيًّا فِي أَرْضِكَ وَجَنِّدْ عَلَيَّ عِبَادَكَ وَلِيًّا  
 وَمَاعِظًا وَمَا يَدَا وَمَا صِرَاوِدًا لِي وَأَعِينَا حَتَّى نَسْكُنَكَ  
 أَرْضَكَ طَوْعًا وَمَتَّعْنَا طَوِيلًا وَغَمَلْ فِرْجَهُ وَأَجَلْنَا  
 مَرِيضَتَيْهِ وَأَوْلِيَّائِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصُرِهِ وَجَنِّدْ عَلَيْنَا  
 اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنَا مَا كَانَتْ الْجُوهُ حِزْرًا لَنَا وَتَوْقَانَا مَا كَانَتْ  
 الْوَفَاةُ حِزْرًا لَنَا وَاجْعَلْنَا مِنَ الدُّنْيَا سَائِلِينَ وَأَدْخِلْنَا  
 الْجَنَّةَ آمِنِينَ فِي جُودِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَالْآئِمَّةِ  
 مِنْ عَشِيرَتِهِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ وَوَسِّعْ عَلَيْنَا











وَآلِ سَلَامٍ عَلَيْكَ يَا مَسِيحَ الظَّاهِرِ بْنِ وَآلِ الْكَافِ صَلَوةٍ  
 وَآلِ سَلَامٍ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الشَّاهِدِينَ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ  
 عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِيَّ مُحَمَّدًا  
 الْمُرَاطِبِينَ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِيَّ مُحَمَّدًا  
 صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا الْمَكْرُمِينَ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا الْمُرْسَلِينَ  
 وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا الْمُتَّقِينَ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا  
 سَيِّدِ الْمُحْسِنِينَ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا الْمَوْضِعِينَ وَآلِ  
 الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا الشَّارِكِينَ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا  
 وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا سَوَادِ رِبِّ الْعَالَمِينَ وَآلِ الْهُمَّ  
 صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا حَامِ الْيَتِيمِينَ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا  
 إِذَا انْفَطَرَتْ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا إِذَا انْفَطَرَتْ  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا إِذَا انْفَطَرَتْ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ  
 مُحَمَّدًا إِذَا انْفَطَرَتْ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا  
 طَلَعَتْ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا إِذَا انْفَطَرَتْ وَآلِ  
 الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا إِذَا انْفَطَرَتْ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا  
 الْكَامِلِينَ وَآلِيَّ

عَلَيَّ مُحَمَّدًا مَعَ الْأَرْضِ إِذَا ادَّكَتْ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا  
 الْأَرْضِ إِذَا امْدَتْ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا مَعَ الْأَرْضِ إِذَا  
 انْفَجَرَتْ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا مَعَ الْأَرْضِ إِذَا انْبَسَطَتْ  
 وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا مَعَ الْجِبَالِ إِذَا امْبَرَتْ وَآلِ الْهُمَّ  
 صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا مَعَ الْوُحُوشِ إِذَا احْتَرَبَتْ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ  
 مُحَمَّدًا مَعَ الْبِحَارِ إِذَا اعْطَلَتْ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا مَعَ الْجِبَالِ  
 إِذَا انْفَجَرَتْ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا مَعَ الدَّرَجَاتِ إِذَا انْفَجَرَتْ  
 وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا مَعَ الصُّدُورِ إِذَا انْفَجَرَتْ وَآلِ الْهُمَّ  
 صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا مَعَ النَّجْمَاتِ إِذَا انْفَجَرَتْ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ  
 مُحَمَّدًا مَعَ الْكَلْبِ إِذَا انْفَجَرَتْ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا مَعَ النَّجْمَاتِ  
 إِذَا انْفَجَرَتْ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا مَعَ النَّجْمَاتِ إِذَا انْفَجَرَتْ  
 وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا مَعَ الْأَعْمَالِ إِذَا انْفَجَرَتْ وَآلِ الْهُمَّ  
 صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا مَعَ النَّجْمَاتِ إِذَا انْفَجَرَتْ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا  
 مَعَ الضُّفَى إِذَا انْفَجَرَتْ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا مَعَ النَّجْمَاتِ إِذَا  
 انْفَجَرَتْ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا مَعَ النَّجْمَاتِ إِذَا انْفَجَرَتْ وَآلِ  
 الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا مَعَ النَّجْمَاتِ إِذَا انْفَجَرَتْ وَآلِ الْهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا



مع الغيم اذ اهوى واليه اللهم صل على محمد مع  
 اللهم صل على محمد مع من ادم واقصى واليه  
 اللهم صل على محمد مع صدق وافندي واليه اللهم صل  
 على محمد مع من سبح وصلى واليه اللهم صل على محمد مع  
 من سبح وصلى واليه اللهم صل على محمد مع صدق  
 بالحسن واليه اللهم صل على محمد مع من كذب وتولى  
 واليه اللهم صل على محمد بعد المذبحه وتبينها  
 واليه اللهم صل على محمد بعد العجور ولو اكلها واليه  
 اللهم صل على محمد بعد الامجاد واوراقها واليه اللهم  
 صل على محمد بعد الثبات واصنافها واليه اللهم صل  
 على محمد بعد الانام وكنابها واليه اللهم صل على محمد بعد  
 الشهور واعوامها واليه اللهم صل على محمد بعد الطور  
 واليه اللهم صل على محمد بعد البحور واعماقها  
 واليه اللهم صل على محمد بعد الخلايق واناسها واليه  
 اللهم صل على محمد بعد السور والابواب واليه اللهم  
 صل على محمد بعد الحروف وكلما فيها واليه اللهم صل

على محمد بعد الكواكب ومنازلها واليه اللهم صل على محمد  
 بعد اسمائك الحسنى واليه اللهم صل على محمد بعد ما  
 علم الله واليه اللهم صل على محمد بعد البر والبحر واليه  
 اللهم صل على محمد بعد الجن والانس واليه اللهم  
 صل على محمد بعد من صلى عليه من خلفك واليه اللهم  
 صل على محمد بعد من لم يصح عليه من خلفك واليه اللهم  
 صل على محمد بعد الذكر والانس واليه اللهم صل على محمد  
 بعد الجيوب واليسال واليه اللهم صل على محمد بعد  
 الجيوب والثاره اليه اللهم صل على محمد بعد خلق البحار  
 اليه اللهم صل على محمد بعد الحجرات واليه اللهم  
 صل على محمد بعد مخلوقاتك واليه اللهم صل على محمد بعد  
 مخلوقاتك واليه اللهم صل على محمد بعد كل ذرة مائة الف  
 مرة واليه اللهم صل على محمد كما تحب ورضي واليه اللهم  
 صل على محمد كما امرتنا بالصلوة عليه اليه اللهم صل على  
 محمد كما ذكره الذكرون واليه اللهم صل على محمد سيد  
 واليه اللهم صل على محمد سيد الخلق واليه اللهم صل







سيد الانبياء واليه اللهم صل على محمد سيد الاصفياء واليه  
 اللهم صل على محمد سيد الاولياء واليه اللهم صل على محمد  
 سيد الاجتباء واليه اللهم صل على محمد سيد القضاة واليه  
 اللهم صل على محمد سيد النجباء واليه اللهم صل على محمد سيد  
 الضمائم واليه اللهم صل على محمد سيد السعداء واليه اللهم  
 صل على محمد سيد الشهداء واليه اللهم صل على محمد سيد  
 الفضلاء واليه اللهم صل على محمد سيد التكاثر واليه اللهم  
 صل على محمد سيد الفقهاء واليه اللهم صل على محمد سيد القضاة  
 واليه اللهم صل على محمد سيد العلماء واليه اللهم صل على محمد  
 سيد الصالحين واليه اللهم صل على محمد سيد الاجبار واليه  
 اللهم صل على محمد سيد الابواب واليه اللهم صل على محمد  
 الكائنات واليه اللهم صل على محمد سيد الموحدين واليه  
 اللهم صل على محمد سيد الشاهدين واليه اللهم صل على محمد  
 سيد المخلوقات واليه اللهم صل على محمد النبي المصطفى واليه  
 اللهم صل على النبي المرسلين واليه اللهم صل على النبي الخفي  
 واليه اللهم صل على النبي النقي واليه اللهم صل على النبي الظاهر  
 واليه اللهم صل على النبي الزكي واليه اللهم صل على النبي الحكيم

واليه اللهم صل على النبي المدين واليه اللهم صل على  
 النبي المحرم واليه اللهم صل على النبي الامي واليه  
 اللهم صل على النبي الهاشمي واليه اللهم صل على  
 النبي الابي واليه اللهم صل على محمد النبي الهاشمي  
 واليه اللهم صل على محمد النبي العربي واليه اللهم صل  
 على محمد النبي الحجازي واليه اللهم صل على محمد النبي  
 الاحمدي واليه اللهم صل على محمد النبي الداعي واليه  
 اللهم صل على محمد النبي العلي واليه اللهم صل على  
 محمد النبي الوصي واليه اللهم صل على محمد كمال عظمته عن  
 ذكره الجاهلون واليه اللهم صل على محمد كمال عظمته عن  
 ذكره الجاهلون واليه اللهم صل على محمد ما دامته صلوات  
 عليه واليه اللهم صل على محمد ما دامته البركات ما دامته  
 عليه واليه اللهم صل على روح محمد في الارواح واليه  
 اللهم صل على راسم محمد في الاسماء واليه اللهم صل  
 على محمد سيد الصائمين واليه اللهم صل على محمد سيد  
 الصابرين واليه اللهم صل على محمد سيد الشهداء







عَلَيْكَ يَا بُرْهَانَ الْأَحْيَاءِ وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ  
 عَلَيْكَ يَا مُصْطَفَى وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ يَا  
 مُجْتَبَى وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ يَا مَعْلَى وَاللَّيْلِ  
 الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ يَا مُرْتَكِي وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ  
 وَالْفَتْحُ عَلَيْكَ يَا مُنْقِي وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ  
 عَلَيْكَ يَا حَرَمِي وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ يَا مَيْكِي  
 وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ عَلَيْكَ يَا مَدِينِي وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ  
 وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ عَلَيْكَ يَا عَرَبِي وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ  
 عَلَيْكَ يَا قَوْشِي وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ عَلَيْكَ  
 يَا هَاشِمِي وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ عَلَيْكَ يَا أَبْطَحِي  
 وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ عَلَيْكَ يَا مَجْلِسِي وَاللَّيْلِ  
 الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ عَلَيْكَ يَا نَهْجِي وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ  
 وَالْفَتْحُ عَلَيْكَ يَا أَيْمِي وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ  
 عَلَيْكَ يَا سَيِّدِي وَكَدَادِمِي وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ  
 يَا أَحْمَدِي وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدِي وَاللَّيْلِ  
 الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدِي وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ

سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا طَاهِرَ وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ  
 عَلَيْكَ يَا مَدِينِي وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ  
 وَالْفَتْحُ عَلَيْكَ يَا طَاهِرَ وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ  
 عَلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ  
 يَا زَيْنُ الْعَابِدِينَ وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ  
 يَا شَيْخِي وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ يَا صَاحِبَ الْكُوْتِ  
 وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ النَّجَاحِ وَاللَّيْلِ  
 الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ يَا صَاحِبَ الْمِعْرَاجِ وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ  
 وَالْفَتْحُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْحَرَابِ وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ  
 عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمُحْسِنِينَ وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ  
 وَالْفَتْحُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمُرُوفِينَ وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ  
 وَالْفَتْحُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْغُفُورِينَ وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ وَالْفَتْحُ  
 وَالْفَتْحُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ  
 وَالْفَتْحُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ النَّبِيِّينَ وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ  
 وَالْفَتْحُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْعَالَمِينَ وَاللَّيْلِ الْفَصْلُ وَالْفَتْحُ



اَلْفَ صَلَوةٍ وَ اَلْفَ سَلَامٍ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُؤْمِنِينَ وَ اَلِكَ اَلْفَ صَلَوةٍ  
 وَ اَلْفَ سَلَامٍ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ السَّلَاطِينِ وَ اَلِكَ اَلْفَ صَلَوةٍ وَ اَلْفَ سَلَامٍ  
 يَا سَيِّدَ الْعَامِلِينَ وَ اَلِكَ اَلْفَ صَلَوةٍ وَ اَلْفَ سَلَامٍ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ  
 الْمُصْطَفِينَ وَ اَلِكَ اَلْفَ صَلَوةٍ وَ اَلْفَ سَلَامٍ يَا سَيِّدَ الْعَالَمِينَ  
 اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الرُّكَّعِيْنَ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ  
 السَّاجِدِيْنَ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْفَاعِلِيْنَ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ  
 صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الشَّاهِدِيْنَ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ  
 الثَّانِيِيْنَ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُسْتَظْهِرِيْنَ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ  
 صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ السَّاجِدِيْنَ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْخَائِفِيْنَ  
 وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُطْبَعِيْنَ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ  
 سَيِّدِ اَحَاكِبِيْنَ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْفَاعِلِيْنَ وَ اِلَيْهِ  
 اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْاَفْضَلِيْنَ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ  
 الْبَاقِيِيْنَ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْفَارِزِيْنَ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ  
 صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْفَاعِلِيْنَ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْعَالَمِيْنَ  
 وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ التَّوَابِيْهِ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ  
 الْفَانِيِيْنَ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الرُّاشِدِيْنَ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ صَلِّ

عائلك

مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْعَوَامِيْنَ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْخَائِفِيْنَ  
 وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الظَّاهِرِيْنَ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ  
 صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْخَافِيْنَ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ  
 الصَّالِحِيْنَ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الصَّادِقِيْنَ  
 وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْقَاطِرِيْنَ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ  
 صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الرَّاحِمِيْنَ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ  
 قَلْبِ مُحَمَّدٍ فِي الْقُلُوبِ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى جَسَدِ مُحَمَّدٍ فِي  
 الْاَجَادِ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى رُؤْيِ مُحَمَّدٍ فِي الرُّبَابِ وَ اِلَيْهِ  
 اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى جَبْرِ مُحَمَّدٍ فِي الْجَبُورِ وَ اِلَيْهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى  
 مُحَمَّدٍ وَ اِلِ مُحَمَّدٍ وَ جِبْرِئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ اسْرَافِيْلَ وَ عَزْرَاقِلَ  
 وَ حَمَلَةَ الْعَرْشِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اِلِ مُحَمَّدٍ وَ رُؤْيِ مُحَمَّدٍ  
 اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ  
 وَ نَسْعَةَ مِنْ اَوْلَادِ الْحَسَنِ وَ الصَّمْرَةَ وَ الْعَبَّاسَ اَللّهُمَّ  
 صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اِلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ وَ سَلَّمْتَ وَ رَحِمْتَ عَلٰى  
 اِيْرَاهِمَ وَ اِلِ اِيْرَاهِمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ وَ صَلِّ عَلٰى حَبِيْبِ  
 الْاَنْبِيَاءِ وَ الرُّسُلِيْنَ وَ عَلٰى اَهْلِ طَاعَتِكَ اَجْمَعِيْنَ







فَارِيحُهَا وَشَمْسُ النَّوَابِ فَكَسِفُهَا وَجِبَالُ  
السَّوَاءِ فَانْفِثُهَا وَكَوْزُ الدَّهْرِ فَكَسِفُهَا وَعَوَالِي  
الْأُمُورِ فَاصْرِفُهَا وَأُورْدَةُ جَبَاضِ السَّلَامَةِ  
وَإِحْلَابِي عَلَى مَطَابِ الْكِرَامَةِ وَأَحْبَابِي عِنْدَ  
الْعُرَّةِ وَأَشْهَابِي سِتْرَ الْعُورَةِ وَجُدْ عَلَيَّ رَبِّ يَا أَلَا  
وَكَسِفِ بِلَاءِي وَدَمِغِ ضَرَاءِي وَادْفَعْ عَنِّي كَلَامَ  
عَذَابِي وَاصْرِفِ إِلَيْمِ عَمَائِي وَأَعِزَّنِي مِنْ  
الدُّهُورِ وَأَنْفِذْنِي مِنْ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
قُلْ لَنْ يُغْنِيَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى  
اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ وَإِنْ يَسْأَلْكَ اللَّهُ  
بِضُرِّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْ لِيُجْرِمَ فَلَا رَادَّ  
لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ  
الرَّحِيمُ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ  
رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ  
مُبِينٍ إِنْ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ  
إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِعُنُقِهَا إِنْ رَزَقْنَاهَا مِنْ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ  
وَمَا مِنْ دَابَّةٍ مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا يَرْزُقُهَا اللَّهُ يُرِزِقُهَا وَأَبَاكُمْ  
وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ ذِكْرٍ  
فَلَا يُفِيدُ لَهُمْ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ نَبَأٍ لَهُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ  
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَلَنْ نَسْأَلَهُمْ مِنْ حَلَقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ



لَقَوْلِنَ اللّٰهُ فُلْ اَوْ اَبْنِمَ مَا مَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ  
اَرَادَنِ اللّٰهُ يَخِيْرَ فَمَلْ مِنْ كَا شِفَاكُ خِيْرِهِ اَوْ اَرَادَنِ  
يَرْحِمِهٖ فَمَلْ مِنْ نَمِيْكَاتٍ رَحِيْمِهٖ فُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ عَلٰى اللّٰهِ  
يَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُوْنَ



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
اهدایی  
مستند ملی کربلای معلی  
۱۳۷۷